



دو فصلنامه علمی پژوهش نامه فرهنگ و رسانه (نامه فرهنگ و ارتباطات)  
سال ششم، شماره اول (پیاپی ۱۱)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیر مسئول: ناصر باهنر

سر دبیر: محمدهادی همایون

همکار سردبیر: محمدصادق نصر الهی

مدیر داخلی: هادی غیائی فتح آبادی

ویراستار و صفحه آرا: علیرضا اله دادی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب رتبه و الفبا):

محمدهادی همایون..... استاد (فرهنگ و ارتباطات) دانشگاه امام صادق علیه السلام  
حسینعلی سعدی..... استاد (فقه فرهنگ و ارتباطات) دانشگاه امام صادق علیه السلام  
شمس الله مریجی..... استاد (دانش اجتماعی مسلمین) دانشگاه باقرالعلوم  
فرشاد شریعت..... استاد (علوم سیاسی) دانشگاه امام صادق علیه السلام  
موسی نجفی..... استاد (مطالعات تمدنی) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ناصر باهنر..... استاد (فرهنگ و ارتباطات) دانشگاه امام صادق علیه السلام  
عبدالحسین کلانتری..... دانشیار (سیاست‌گذاری ارتباطی) دانشگاه تهران  
وحید خاشعی..... دانشیار (مدیریت رسانه) دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مقالات نشریه در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

پایگاه اطلاعات نشریات کشور: <https://www.magiran.ir>

پایگاه مجلات تخصصی نور: <https://www.noormags.com>

پایگاه مرجع دانش: <https://www.civilica.com>

پرتال جامع علوم انسانی: <https://www.ensani.ir>

مقالات این نشریه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست.

نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

ویراستار و صفحه آرا: علیرضا اله دادی

تهیه‌کننده طرح جلد: رضا عبد الهی

ویراستار انگلیسی: علیرضا روشن ضمیر

۱۴۰ صفحه / ۵۰۰/۰۰۰ ریال

چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹

مدیریت امور فنی: معاونت پژوهش و فناوری، تلفکس: ۸۸۰۹۴۹۱۵ (۰۲۱)

مدیریت امور علمی و تحریریه: دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، تلفن: ۸۸۰۹۴۹۱۳ (۰۲۱)

وبگاه: <http://www.lcc.isu.ac.ir/>

E-mail: [lcc@isu.ac.ir](mailto:lcc@isu.ac.ir)

دو فصلنامه علمی پژوهش‌نامه فرهنگ و رسانه (نامه فرهنگ و ارتباطات)، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۱۱)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

### فهرست مقاله‌ها

- راهبرد حضرت نوح(علیه‌السلام) در مواجهه با «المال» مورد مطالعه آیات ۵۹ الی ۶۴ سوره اعراف..... ۱  
محمد اسکندری / نبی الله سالاری
- قانون‌سپاری؛ توسعه مشارکت در قانون‌گذاری ..... ۲۵  
هادی طحان‌نظیف / محمدامین حاکمی / علی راستی
- الگویابی ساختاری - تفسیری از عوامل درک فناوری به‌عنوان یک سیستم دانشی عمل‌پذیر  
در صنعت مطبوعات ..... ۵۷  
مه‌دی حمزه پور / عارفه‌السادات نصراللهی
- مروری تحلیلی انتقادی بر نظریات حوزه فرهنگ و فناوری ..... ۹۵  
سیدمجید امامی / ابراهیم خرم‌نژاد

دو فصلنامه علمی پژوهش نامه فرهنگ و رسانه (نامه فرهنگ و ارتباطات)، مقاله پژوهشی، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۱۱)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱-۲۴

راهبرد حضرت نوح(علیه السلام) در مواجهه با «المأء» مورد مطالعه آیات ۵۹ الی ۶۴ سوره أعراف

محمد اسکندری \*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸

نبی الله سالاری \*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۸

### چکیده

داستان‌های قرآن کریم، درس‌های اجتماعی زیادی دارد که مفسران، در تفسیر آیات داستانی قرآن کمتر به این جنبه‌ها پرداخته‌اند.

پیامبران، رهبران جامعه خودشان هستند؛ بنابراین شیوه دعوت مردم توسط آن‌ها، مقابله آنان با مخالفانشان و... می‌تواند الگوی خوبی برای رهبران و مردم یک جامعه دینی باشد. این مقاله علاوه بر توضیح آیات از دیدگاه مفسران، به کشف و بیان درس‌های اجتماعی داستان حضرت نوح در آیات ۵۹ الی ۶۴ سوره أعراف نیز می‌پردازد. حضرت نوح در پاسخ به جنگ رسانه‌ای دشمن و تهمت‌های «المأء» (خواص) به تبیین شریعت، دلسوزی، انذار خواص و روشنگری فراوان مستضعفین پرداخته، و هدف ایشان جلوگیری از گمراهی عموم مردم و بدبینی مستضعفین متأثر از تهمت‌های «المأء» نسبت به جامعه دینی است. از جمله درس‌هایی که در این پژوهش به آن اشاره می‌شود؛ عبرت‌هایی است که یک جامعه‌ی دینی مانند جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از آن استفاده کند. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و بر اساس منابع مکتوب و الکترونیکی است.

**واژگان کلیدی:** حضرت نوح، درس‌های اجتماعی، نوح و المأء، سوره أعراف.

---

\* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mo.es.vali@gmail.com

\*\* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

nabi.salari@gmail.com

## مقدمه

یکی از سیاق‌های داستان حضرت نوح (علیه‌السلام) در قرآن کریم که به مواجهه آن حضرت با «المأء» اشاره دارد، در سوره اعراف، آیات ۵۹ الی ۶۴ بیان شده که حضرت نوح به رسالت مبعوث می‌شود و قومش را به توحید ربوبی دعوت می‌کند اما «المأء» به مقابله با نوح برمی‌خیزند و برای اینکه قوم به او ایمان نیاورند، او را گمراه می‌خوانند. حضرت نوح خود را از هر گونه گمراهی بری می‌کند و به معرفی خود و روشنگری می‌پردازد اما در نهایت او را تکذیب می‌کنند و تعداد کمی به او ایمان می‌آورند.

با توجه به این که هدف از نقل قصه‌های پیامبران، عبرت گرفتن است و قرآن کریم نیز در آیه ۱۱ سوره مبارکه یوسف به این مسأله اشاره کرده است، این مقاله به دنبال این است که درس‌های اجتماعی داستان حضرت نوح در آیات سوره اعراف (آیات ۵۹-۶۴) برای عبرت گرفتن جامعه اسلامی، چیست؟ و در این راستا، به توضیحاتی پیرامون معنای لغوی واژه «المأء» و نظرات مفسران درباره آن، همچنین مقابله حضرت نوح با «المأء» و پیام‌هایی که از آیات برداشت می‌شود، می‌پردازد.

پژوهش‌های گذشته درباره حضرت نوح در قرآن کریم، کمتر به درس‌های اجتماعی پرداخته‌اند. به عنوان مثال در مقاله «تحلیل عملکرد اجتماعی حضرت نوح بر پایه قرآن» به انجام اموری که حضرت نوح به طور مکرر و منظم برای دعوت و هدایت قوم خویش جهت ساختن جامعه‌ای مطلوب به کار می‌بست، پرداخته شده است. و نیز در مقاله «الگوی ارتباطی حضرت نوح در قرآن کریم»، الگوی ارتباطی حضرت نوح در قرآن کریم بر اساس مدل هایدن مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در پایان‌نامه «رهبری انبیاء از دیدگاه قرآن کریم، مطالعه موردی: حضرت نوح» سعی شده که مدل رهبری حضرت نوح و فرایند رهبری، از آیات قرآن کریم مربوط به حضرت نوح به دست آید.

با توجه به این که «المال»، نقش مهمی در مقابله با رسالت حضرت نوح دارند و باعث گمراهی مردم می‌شوند و نیز با توجه به این که در پژوهش‌های قبلی، معنای «المال» به خوبی تبیین نشده است، ابتدا به تبیین معنای «المال» پرداخته می‌شود تا شناخت بهتری نسبت به آن‌ها صورت گیرد، سپس به بیان درس‌های اجتماعی آیات پرداخته می‌شود.

### ۱- معنی لغوی واژه «المال»

واژه «المال» از ماده «ملء» است که این ماده ۴۰ مرتبه و در ۱۸ سوره از قرآن کریم به کار رفته است. واژه «المال» بیشتر در داستان انبیاء به کار رفته است گرچه در آیاتی مثل آیه ۸ سوره صافات:

«لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ» که مربوط به دزدی شیاطین از عالم بالاست، نیز به کار رفته است. برخی گفته‌اند اصل ماده «ملء» به معنای «شحن» است یعنی «قرار دادن چیزی در محلی به اندازه ظرفیت آن محل» که این محل می‌تواند مادی یا معنوی باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۱، ص. ۱۵۵). برخی نیز «ملء» را «پُرکردن/شدن» معنی کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۱۵۸؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ص. ۲۷۰؛ مهیار، بی‌تا، ص. ۸۵۸). بیشتر لغت‌نامه‌ها واژه «المال» را با تعبیری چون «اشراف، وجوه و رؤساء» معنی کرده‌اند (أزهري، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص. ۲۹۰؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص. ۳۶۳؛ عسکری، ۱۴۰۰ق، ص. ۲۷۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص. ۳۴۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۱۵۹؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۵۸۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۱، ص. ۱۵۵؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ص. ۲۷۱). برخی نیز «المال» را «جماعتی که برای مشورت جمع می‌شوند» معنی کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص. ۳۴۶؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص. ۳۶۳). راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۷۷۶ که در مجموع می‌توان گفت این معانی گفته شده در مورد «المال»، بیانگر «گروهی خاص از مردم» یا «خواص» است. نکته دیگر این که در معنای اشراف و رؤساء، مفهوم پُرشدن وجود دارد (أزهري، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص. ۲۹۰؛

ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۱۵۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۱، ص. ۱۵۵) یا جماعتی که هیبتشان چشم یا سینه‌ها را پُر کند (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص. ۲۷۴؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۵۸۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص. ۳۹۶؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ص. ۲۷۱). می‌توان گفت: مفاهیم جماعت و اشراف و... اگر در آن‌ها معنای پُرشدن لحاظ شود، به منزله مصداق اصل ماده «ملء» هستند؛ مثلاً پُرشدن از فضیلت و مال و ... وگرنه معنی آن به عنوان یکی از علائق مجازی است. با این وجود استعمال این کلمه در قرآن، در معنی جماعت دارای شرف و فضیلت و... به کار رفته است نه مطلق جماعت (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۱، ص. ۱۵۵).

شاید برخی، واژه «مترفین» را هم معنی واژه «الملا» بدانند اما در واقع «اتراف» یکی از ویژگی‌های «الملا» است که در آیه ۳۳ سوره مؤمنون به آن اشاره شده است «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَآتَرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...»؛ به عبارتی، این آیه برای «الملا» سه ویژگی بیان می‌کند: «کفر»، «تکذیب لقاء آخرت» و «اتراف». مترفین از ماده «ترف» است که این ماده ۸ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. «مترف» را «متنعم» و کسی که در فراخ روزی باشد، معنی کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص. ۱۱۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۶۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص. ۱۱۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص. ۳۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱، ص. ۳۸۵؛ مهیار، بی‌تا، ص. ۷۷۷). در قرآن کریم «مترفین» معنای مثبتی ندارد و معمولاً در سیاق آیاتی به کار رفته است که به عذاب الهی اشاره دارد (اسراء: ۱۶)

## ۲- معنی واژه «الملا» در تفاسیر

در تفاسیر چند معنا برای واژه «الملا» ذکر شده است. به عنوان مثال مفسران برای معنی «الملا» از تعبیر ذیل استفاده کرده‌اند:

۱-۲- «اشراف» یا «وجوه»، (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص. ۵۵ و ۲۴۵ و ۲۷۸ و ۲۸۱ و ۲۹۶؛ معمر بن مثنی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص. ۷۷؛ ابن قتیبه، بی‌تا، ج ۱، ص. ۱۴۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص. ۳۷۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۲۸۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق،

ج ۲، ص. ۱۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص. ۶۱۰؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص. ۵۰۱). «مأء، رئیسان و اشراف هستند و به این خاطر به این نام، نامیده شده‌اند که پر هستند از آنچه که در مورد آن، نیازمندان به آنها مراجعه می‌کنند» (سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۵۲۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۳، ص. ۲۴۴). یا تعبیر «الکبراء» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص. ۴۳؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص. ۶۴۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص. ۲۹۶؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص. ۳۸۷).

۲-۲- «رئیسان» یا «رهبران» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص. ۳۷۳؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۱۶۱).

۲-۳- «جماعتی از مردان که زنی میان آنها نیست» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص. ۱۵۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۱۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص. ۶۶۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص. ۲۴۶). همچنین آلوسی از قول فراء به این معنا اشاره دارد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۸۸).

۲-۴- «جماعتی از مردم که برای مشاوره جمع می‌شوند» (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۲۸۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص. ۱۴۹) یا «جماعتی که امرشان یکی است» (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص. ۲۶۲ و ج ۸، ص. ۱۴۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۲۸۵). «مأء جماعتی از مردان هستند و به این دلیل که محافل را پر می‌کنند، به این نام نامیده شده‌اند» (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص. ۴۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص. ۶۶۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص. ۲۴۶؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص. ۴۳۸).

۲-۵- «مأء هستند چون چشم از ایشان پر شود» (و تعبیری با این مضمون) (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص. ۳۴۸؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص. ۶۶۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص. ۱۷؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص. ۳۲۳). علامه طباطبایی نیز در وجه تسمیه «المأء» می‌فرماید: عظمت و ابهتشان چشم را پر می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۲۸۵) و در تفسیر نمونه آمده: «چشم را پر می‌کند و شگفتی بیننده را برمی‌انگیزد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص. ۲۳۵). «مأء اشراف‌اند چون هیبت و

جمال آن‌ها، سینه‌ها را پر می‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص. ۶۶۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۵۵۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص. ۱۹۴؛ قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص. ۳۸۹).

۶-۲- ابن عطیه اندلسی در تفسیر المحرر الوجیز می‌نویسد: اشراف به خاطر تشبیه «المأء» نامیده شده‌اند (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۳۳۰).

### ۳- درس‌های اجتماعی داستان حضرت نوح در سوره اعراف

آیات مربوط به داستان حضرت نوح در سوره اعراف، آیات ۵۹-۶۴ است. همین داستان کوتاه درباره حضرت نوح (علیه‌السلام)، حاوی نکات اجتماعی زیادی است که یک جامعه دینی، برای اداره جامعه، می‌تواند از این نکات اجتماعی استفاده کند.

#### ۳-۱- توجه رهبر جامعه به دعوت مردم با تعابیر عاطفه‌برانگیز

آیات ۵۹ الی ۶۴ سوره مبارکه اعراف، سیاق مربوط به داستان حضرت نوح (علیه‌السلام) است. یکی از موضوعات مهم در این سیاق، شیوه برخورد و تعامل حضرت نوح با «المأء» قومش است. از آن جا که حضرت نوح نقش رهبری و هدایت جامعه خویش را بر عهده داشت، شیوه برخورد ایشان می‌تواند الگویی برای رهبران و مسئولان یک جامعه دینی باشد.

طبق آیه ۵۹، مخاطبان حضرت نوح یا کفار قومش بودند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص. ۱۵۰) یا همه قومش بودند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۸، ص. ۱۴۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص. ۱۵۴) و یا عامه مردم زمان نوح بودند، یعنی دعوت نوح جهانی بود (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۴، ص. ۸۹) ولی طبق ظاهر آیه ۵۹ سوره اعراف، مخاطب حضرت نوح، قومش بودند «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ». سیدمحمدحسین فضل‌الله نیز در تفسیر «من وحی القرآن» می‌نویسد: ارسال نوح به قومش نشان‌دهنده این است که رسالت نوح محدود به قوم خود بوده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص. ۱۵۴).

راز تعبیر عاطفه‌برانگیز «یا قوم» در آغاز سخن، ایجاد انگیزه و جذب مردم به سوی اوست. بدین سان، حضرت نوح به ملیت و طائفه و نژاد مردم، حرمت نهاد و



آنان را از خود دانست، آنگاه آنان را به بندگی فراخواند: «يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (جوادی آملی، ۱۳۹۲ش، ج ۲۹، ص. ۲۵۰). در مواجهه حضرت موسی با فرعون نیز، خداوند به موسی و هارون امر می‌کند که با فرعون به نرمی سخن بگویند: «اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ، فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (طه: ۴۳-۴۴) بنابراین یک مبلغ یا رهبر جامعه، باید بداند که در کلامش از تعبیری استفاده کند که مردم را جذب کند.

### ۲-۳- توجه دادن مردم به «توحید ربوبی» توسط رهبر جامعه اسلامی

اولین مسأله‌ای که حضرت نوح بعد از مبعوث شدن، با قوم خود مطرح می‌کند، توحید است که برخی از تفاسیر به این نکته اشاره می‌کنند (ر.ک: ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص. ۴۳۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص. ۲۱۹) و نیز برخی از مفسران عبارت «اعبد الله» در آیه ۵۹ سوره اعراف را با تعبیری نظیر «وحد الله» یا «أفرده» معنی کرده‌اند (ر.ک: سمرقندی، بی تا، ج ۱، ص. ۵۲۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص. ۶۶۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص. ۱۷؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص. ۳۸۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۸۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص. ۳۴۵؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۸، ص. ۱۴۵) که این معانی به مسأله توحید اشاره دارد. البته معنای «اخلاص» نیز برای عبارت «اعبد الله» بیان شده است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص. ۲۴۵؛ جرجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص. ۱۸۷).

### ۳-۳- انداز و دلسوزی برای هدایت مخالفان «توحید ربوبی»

عبارت «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» در آیه ۵۹، انداز است برای کسانی که به «توحید ربوبی» ایمان نمی‌آورند و همچنین نشان‌دهنده دلسوزی حضرت نوح به هدایت قومش است. تعبیر «أخاف» ممکن است به خاطر این باشد که نوح می‌خواهد به آنها بگوید اگر یقین به چنین مجازاتی نداشته باشید لاف‌بیم آن هست، بنابراین، عقل اجازه نمی‌دهد که با چنین احتمالی این راه را بپیمایید، و به استقبال چنین عذاب دردناکی بشتابید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص. ۲۲۰).

مراد از عذاب در اینجا یا غرق شدن است (سمرقندی، بی تا، ج ۱، ص. ۵۲۴) یا عذاب روز قیامت (ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۴، ص. ۴۳۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص. ۲۴۶؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص. ۳۸۷؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص. ۲۵۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص. ۱۷۴) یا یکی از این دو (یا غرق شدن یا عذاب قیامت) (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص. ۴۴۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص. ۱۷؛ کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص. ۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۸۸؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص. ۱۹۴). برخی هم عذاب را به معنی «عقاب» گرفته‌اند، یعنی دردی که به مستحق آن می‌رسد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص. ۱۸۷). به هر حال، عدم قبول «توحید ربوبی» عذاب الهی را به همراه دارد. جامعه اسلامی نباید در فعالیت‌های اجتماعی نظیر اقتصاد و سیاست و ... به گونه‌ای عمل کند که عملاً «توحید ربوبی» را کنار بگذارد و برای حل مشکلات، دل به غیر خدا ببندد. رهبر باید این مسأله را به مسئولین و مردم گوشزد کند.

#### ۴-۳- توجه جامعه اسلامی به فتنه‌های اشراف جامعه در گمراه کردن مردم

با دقت در آیه ۵۹ سوره أعراف، مشاهده می‌شود که مخاطب حضرت نوح، قومش بودند اما کسانی که در برابر دعوت نوح ایستادند، (با توجه به آیه ۶۰ أعراف) قومش نبودند بلکه «المأء» بودند، چون منافع خود را با بیداری مردم در خطر می‌دیدند، و مذهب او (نوح) را مانعی بر سر راه هوسرانی‌ها و هوس بازی‌های خویش مشاهده می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص. ۲۲۰). «المأء» به جای این که به توحید ربوبی ایمان بیاورند، حضرت نوح را به «در گمراهی آشکار بودن»، متهم کردند: «إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»، «رَمَوْهُ بِالضَّلَالَةِ وَ السَّفَاهَةِ» (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص. ۳۴۵). با توجه به این مطلب، هر کس که به نوعی هدایت گروهی از مردم را بر عهده دارد، باید سینه خود را آماده انواع تهمت‌ها بکند، حتی تهمت‌هایی سخت مثل تهمتی که به پیامبر اسلام زدند که به ماجرای «إفک» معروف است. در همین رابطه، آقای قرائتی در تفسیر نور ذیل آیه ۶۰ سوره أعراف می‌نویسد: مخالفان در تهمت زدن سخت و جدی

هستند. طبق نظر مفسران، مراد «المأء» از «ضلال» در اینجا عدول از کار درست به خطاست (طوسی، بی تا، ج ۴، ص. ۴۳۶) که برخی از مفسران با تعبیری چون «عدول عن طریق الحق» یا «ذهاب عن الحق و الصواب» به این نکته اشاره کرده اند (ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص. ۲۴۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۱۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص. ۴۴۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۷، ص. ۲۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۸۹؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص. ۲۵۹). مفسران واژه «مبین» را به «بین و ظاهر» معنی کرده اند (طوسی، بی تا، ج ۴، ص. ۴۳۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص. ۲۴۷) که در این صورت می توان گفت «ضلال مبین» به معنی «الإنحراف الواضح» است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص. ۱۹۴) به عبارتی دیگر، «المأء» گمراهی حضرت نوح را بدیهی می دانستند که علت آن را آقای قرائتی این گونه بیان می کند: «وقتی فطرت مسخ شود، راهنمای واقعی را گمراه می پندارد. امروز نیز گروهی که خود را روشنفکر می دانند، رهروان پیامبر را مرتجع و ساده لوح می پندارند» (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۴، ص. ۹۰). تفسیر «فی ضلال القرآن» ذیل این آیه، به روشنفکرانی که «المأء» زمان هستند، اشاره می کند (ر.ک: شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، صص. ۱۳۰۸-۱۳۰۹). رهبر جامعه اسلامی باید بداند در برابرش اشرافی (خواص) هستند که بخشی از قدرت در دست آنهاست به گونه ای که مردم را به سمت خود می کشانند.

### ۵-۳- روشنگری در مقابل دشمن

حضرت نوح در مقابل تهمتی که مأء به او وارد ساختند، چگونه باید برخورد می کرد؟ به بیان دیگر، رهبر یا مسئول یک جامعه دینی، در مقابل تهمت ها چگونه باید برخورد کند؟ آیا سکوت کند یا پاسخ دهد؟ در صورت پاسخ، چگونه باید پاسخ دهد؟ طبق آیه ۶۰ سوره أعراف، مخالفان (المأء) تنها یک تهمت را به حضرت نوح وارد کردند: «إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» اما حضرت نوح در ۲ آیه (۶۱، و ۶۲ سوره أعراف) به این تهمت پاسخ می دهد و به روشنگری می پردازد، چرا که اگر حضرت نوح

روشنگری نکند ممکن است قومش گمراه شوند. رهبر یا مسئولان یک جامعه نیز باید به تهمت‌ها و شبهه‌هایی که به آن‌ها وارد می‌شود، پاسخ دهند تا جلوی گمراهی مردم را بگیرند، هر چند که در آخر عده‌ای گمراه می‌شوند و عبارت «فَكَذَّبُوهُ» در آیه ۶۴ سوره اعراف بیانگر این نکته است.

### ۱-۵-۳- پاسخ قاطع همراه با لحن آرام و محبت‌آمیز به تهمت‌ها

اولین پاسخ حضرت نوح، دفع همان تهمتی بود که به ایشان زدند: «يا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ...». لحن پاسخگویی حضرت نوح بیانگر ادب خلق ایشان است چرا که جهلشان را به نیکویی جواب داد، همان گونه که خداوند می‌فرماید: «و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً» (سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۵۲۴). حضرت نوح در برابر توهین و خشونت آنها (المالء) با همان لحن آرام و متین و محبت‌آمیز خود در پاسخ آنها گفت: من نه تنها گمراه نیستم بلکه هیچ گونه نشانه‌ای از گمراهی در من وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص. ۲۲۱). بنابراین رهبر یا مسئولان جامعه باید دقت کنند که لحن پاسخگویی‌شان به تهمت‌هایی که نارواست باید همراه با ادب باشد چه رسد به نقدهایی که ای بسا وارد باشد.

### ۲-۵-۳- ارائه پاسخ تهمت‌ها برای عامه مردم

نکته دیگری که در آیه ۶۱ سوره اعراف قابل تأمل است، استفاده حضرت نوح از تعبیر «يا قَوْمِ» در جواب تهمت «المالء» است. یعنی حضرت نوح به جای این که «المالء» را که به او تهمت زدند مخاطب قرار دهد، «قوم» خود را مخاطب قرار می‌دهد، نه «المالء» را؛ شاید یک وجهش این باشد که امیدی به ایمان آوردن «المالء» نبود و همچنین نمی‌خواستند قوم (عامه مردم) به نوح ایمان بیاورند، چرا که در این صورت منفعتشان به خطر می‌افتاد.

### ۳-۵-۳- معرفی رهبر از جایگاه و منزلت خود به مردم

حضرت نوح در ادامه پاسخ به تهمت‌های «المالء» می‌فرماید: «وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ». واژه «لکن» در این عبارت، استدراک است و معنی عبارت قبلی این گونه

می شود: «نه تنها هیچ نوع گمراهی در من راه ندارد بلکه در بالاترین مرتبه هدایت قرار دارم»، همان طور که طیبی تقریر کرده «لکن» بین دو کلام متغایر نفی و اثبات قرار می گیرد و تغایر در این جا از جهت معنی حاصل می شود (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۸۹). مطلب دیگر این که استفاده حضرت نوح از واژه ی «رسول» این نکته را می رساند که ایشان خود را به اشرف صفات وصف کرد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص. ۳۴۵). بنابراین وقتی به رهبر یک جامعه تهمت می زنند و او را تضعیف می کنند، باید خود و جایگاه خود را به مردم معرفی کند و ممکن است از خودش تعریف هم بکند که این تعریف در راستای معرفی است نه غرور و خودبینی.

#### ۴-۵-۳- روشنگری بیشتر در برابر جنگ رسانه ای

حضرت نوح به این جواب (لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ) بسنده نمی کند و در ادامه (آیه ۶۲ سوره اعراف) با این ۳ عبارت: «أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي»، «وَأَنْصَحُ لَكُمْ» و «وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» به توضیح و روشنگری بیشتر می پردازد. این مطلب به ما می فهماند وقتی به رهبر یا مسئولی تهمت زده می شود، عده زیادی از مردم آن را باور می کنند و آن مسؤول برای مبرا کردن تهمت از خود باید تا می تواند روشنگری کند. نکته دیگر این است که تهمت به اشخاص برجسته، به سرعت رسانه ای می شود و زدودن آن مانند جمع کردن آبروی ریخته است که نمی توان آن را جمع کرد. در ادامه به توضیح سه تعبیر حضرت نوح در آیه ۶۲ پرداخته می شود.

#### ۴-۵-۳-۱- روشنگری و تبلیغ به کامل ترین شیوه ممکن

مفسران چند وجه برای معنای عبارت «أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي» بیان کرده اند؛ طبری مراد از این عبارت را «هشدار خداوند متعال از عقابش» می داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص. ۱۵۱). طبرسی در تفسیر مجمع البیان این عبارت را «ادای رسالتی که خدا بر عهده پیامبر گذاشته» معنی می کند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص. ۶۶۹) که منظورش «ابلاغ وحی» است. طبرسی در تفسیر دیگرش (تفسیر جوامع الجامع) این عبارت را دارای معانی مختلفی از جمله «أوامر و نواهی» دانسته (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص. ۴۴۴) که

فخررازی و آلوسی نیز قائل به این معنایند (ر.ک: فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص. ۲۹۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۹۱).

در مورد اینکه چرا واژه «رسالات» به صورت جمع آمده، ابوالفتوح رازی می‌نویسد: «رسالات جمع رسالت باشد، و برای آن جمع کرد آن را، که در او انواع و ضروب باشد از ترغیب و تحذیر و وعده و وعید و مواعظ و زواجر و حلال و حرام و حدود و احکام» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص. ۲۴۸). زمخشری نیز معانی مختلفی چون اوامر، نواهی، موعظه‌ها، چیزهای منع شده، بشارت‌ها و هشدارها را بیان می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۱۱۵). سیدمحمود آلوسی در این رابطه می‌نویسد: «رسالات به صورت جمع آمده با وجود اینکه رسالت همه انبیاء واحد است (بنابراین بهتر بود رسالت به صورت مفرد می‌آمد) و رسالت مصدر است و اصل آن است که رسالت جمع بسته نشود (مصدر جمع بسته نمی‌شود) اما اینجا یا به دلیل رعایت اختلاف زمان رسالت‌های انبیاء یا تنوع معانی و محتوایی که به آن‌ها وحی شده (نظر ابوالفتوح رازی نیز این بود) یا اینکه چون حضرت نوح قصد تبلیغ رسالت خود و رسالت پیامبران قبل از خود مثل حضرت ادریس را داشت، به صورت جمع آمده است» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۹۰). حسن مصطفوی درباره رسالت می‌نویسد: «رسالت مصدر و لازم است، به معنی فرستاده شدن با قرار دادن این که حامل امری باشد برای دیگران، و برای مبالغه اطلاق می‌شود به خود آن برنامه و مأموریت. منظور از برنامه رسالت و مأموریت، اموری است که مربوط می‌شود به اعتقادات قلبی و احکام و وظایف عملی و اخلاقی که در رابطه تکمیل و تهذیب نفوس صورت می‌گیرد» (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص. ۳۹۳). همه این معانی که مفسران در مورد جمع بودن واژه «رسالات» بیان کرده‌اند (انواع ضروب، اوامر، نواهی، موعظه‌ها و ...) اشاره به بیان کامل‌ترین شیوه رسالت دارد چنانکه آیت‌الله جوادی آملی در توضیح عبارت «أَبْلَغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي» می‌فرمایند: «یعنی وظیفه تبلیغی خود را در عملی ساختن رسالت پروردگارم به کامل‌ترین شیوه بیان کردم» (ر.ک: جوادی آملی،

۱۳۹۲ش، ج ۲۹، صص. ۲۶۴-۲۶۵). مسئولان جامعه اسلامی نیز باید به بهترین شیوه ممکن شفاف‌سازی و روشن‌گری کنند.

#### ۲-۴-۵-۳- نصیحت و خیرخواهی همراه با خلوص نیت

در آیه ۶۲ سوره أعراف، عبارت «وَ أَنْصَحْ لَكُمْ» عطف به «أَبْلَغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي» است. طبری «وَ أَنْصَحْ لَكُمْ» را «هشدار خداوند از عقابش» می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص. ۱۵۱). به عبارتی دیگر، تکذیب رسالات، عقاب خداوند را در پی دارد به همین دلیل حضرت نوح نصیحت و خیرخواهی می‌کند تا کسی گرفتار عذاب نشود. برخی از مفسران قائلند در واژه «أَنْصَحُ» هم معنای «ترغیب» نهفته است و هم معنای «تحدیر». به عنوان مثال، فخررازی در معنای «أَنْصَحُ» می‌نویسد: «ترغیب در طاعت و هشدار از معصیت» (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص. ۲۹۷). همچنین آلوسی می‌نویسد: «شما را به قبول آن ترغیب می‌کنم و اگر او را معصیت کنید شما را از عقابش هشدار می‌دهم» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۹۱).

بیشتر مفسران «أَنْصَحُ» را به معنی «اخلاص در نیت» معنی کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص. ۴۳۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص. ۲۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص. ۶۶۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۷، ص. ۲۳۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص. ۲۲۱). آلوسی نیز اصل «نُصَح» در لغت را «خلوص» بیان می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۹۱). برخی از مفسران نیز معنایی نزدیک به خلوص برای «أَنْصَحُ» بیان کرده‌اند. مثلاً میرزا خسروانی، «خیرخواهی و ارشاد به مصلحت با حسن نیت» را معنای «أَنْصَحُ» دانسته (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص. ۲۵۹) و همچنین ثقفی تهرانی می‌نویسد: «نصیحت، بیان مطالب سودمند است از روی اخلاص نیت و تعدی به لام (لکم) برای تاکید این معنی است که فقط بر نفع شما است» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص. ۴۳۸). مکارم شیرازی در توضیح «أَنْصَحُ» می‌نویسد: «أَنْصَحُ» از ماده «نُصَح» به معنی خلوص و بی‌غل و غش بودن است، لذا «ناصح العسل» به معنی عسل خالص است، سپس این تعبیر در مورد سخنانی که از روی نهایت خلوص نیت و خیرخواهی

و بدون تقلب و فریب و تزویر گفته می‌شود به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص. ۲۲۱). مصطفوی در توضیح معنای لغوی «أنصح» می‌نویسد: «أنصح عبارتست از «خالص بودن مطلق از آلودگی» و منظور، خالص کردن افکار و اعمال و اقوال است تا صددرصد مردم بدانند که آنچه از جانب خداوند متعال ظاهر می‌شود، بدون کمترین آلودگی در دسترس آنها (پیامبران) قرار می‌گیرد» (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۳۹۴). همچنین، نُصح اشاره به برخورد صمیمی نوح برابر قومش دارد چرا که حضرت نوح انسانی بود که از انحراف و گمراهی قومش رنج می‌برد (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص. ۱۵۹). بنابراین، مربی و مبلّغ باید خیرخواه و دلسوز باشد (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۴، ص. ۹۱).

### ۶-۳- هشدار دادن به مخالفان به عاقبتی بد نسبت به عدم پیروی از حق

در عبارت «وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» مفسران چند نظر در مورد معنای «ما» ارائه کرده‌اند. برخی از مفسران با تعبیری چون «عقاب خداوند از قوم مُجْرِم» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۱۵۱)؛ «آمدن عذاب در صورت عدم توبه» (سمرقندی، بی تا، ج ۱، ص ۵۲۴)؛ «رسیدن عذاب به دلیل مخالفت» (طوسی، بی تا، ج ۴، ص. ۴۳۸)؛ «اگر امرش را عصیان کنید، عاقبتتان طوفان است» یا «شما را در آخرت شدیداً عقاب می‌کند» این واژه را معنی کرده‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص. ۲۹۷).

### ۷-۳- دعوت به پیروی از اوامر و نواهی خداوند

معنای دیگری که برای «ما» در عبارت «وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» بیان شده است، همان «دین الله» است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص. ۶۶۹). بعضی از معانی ذکر شده توسط مفسران مانند: «أمر و نهی خداوند و آثارش» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص. ۱۹۵)، «مطالبی درباره خداوند و دستوراتش» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص. ۲۲۱) بیانگر این نکته است که مراد از «دین الله»، بیشتر ناظر به دستورات خداوند یا همان اوامر و نواهی است.



### ۸-۳- علم خداوند به امور آینده و عدم علم مخالفان نسبت به آینده

آلوسی «ما» را در عبارت «وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» «چیزهایی از امور آینده» معنی کرده و در معنی این عبارت می‌نویسد: «از جانب خداوند به وسیله وحی چیزهایی از امور آینده می‌دانم که شما به آن علم ندارید» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۹۱).

### ۹-۳- تشویق به اطاعت از دستورات الهی و عدم مخالفت

ابوالفتوح رازی هدف از بیان عبارت «وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» توسط حضرت نوح را این گونه بیان می‌کند: «بر سبیل تحریض است ایشان را برای طاعت و زجر از معصیت» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۲۴۸). به نظر می‌رسد در جامعه اسلامی، به کارگیری شیوه تشویق برای کسانی که دستورات الهی را انجام می‌دهند، از برخورد با کسانی که دستورات الهی را رعایت نمی‌کنند، مثمرتر باشد.

### ۱۰-۳- اشاره به لطف و رحمت خداوند

آیت الله مکارم شیرازی درباره هدف از بیان عبارت «وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» توسط حضرت نوح می‌نویسد: «ممکن است اشاره به لطف و رحمت پروردگار باشد». با توجه به این معنی، مکارم شیرازی از قول حضرت نوح خطاب به قومش نقل می‌کند: «اگر در مسیر اطاعتش (خداوند) گام بگذارید، برکات و پاداش‌هایی از او سراغ دارم که شما به عظمت و وسعت آن واقف نیستید» (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص. ۲۲۲).

این معنا مخالف معنایی است که اشاره به عذاب و تهدید خداوند داشت اما ممکن است هر دوی این معنا یا معانی دیگری که بیان شد، صحیح باشد چنانکه مکارم شیرازی می‌نویسد: «هیچ مانعی ندارد که همه این معانی در مفهوم جمله فوق جمع باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص. ۲۲۲). بنابراین، رهبر یک جامعه اسلامی باید هم مردم را به اسلام و جامعه اسلامی ترغیب و امیدوار کند و هم آنان را از فاصله گرفتن از اسلام و توجه به شرق و غرب، هشدار دهد. در همین راستا، امام

خمینی می‌فرمایند: «ما اگر توانستیم نظامی بر پایه‌های نه شرقی نه غربی واقعی و اسلام پاک منزّه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است» (امام خمینی، ۱۳۸۶ش، ج ۲۱، ص. ۱۴۳).

### ۱۱-۳- عدم بهانه‌جویی نسبت به اطاعت از رهبر

آیه ۶۳ سوره اعراف «أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»، یا ادامه سخنان روشنگرانه حضرت نوح است، یا در ادامه مطلبی مقدر بیان شده است. طبق نظر سمرقندی، بعد از پایان آیه ۶۲ سوره اعراف، بزرگان (الملا) به ضعفاء گفتند: از او پیروی نکنید، او بشری مثل شماست. نوح به آن‌ها جواب داد: «أَوْ عَجِبْتُمْ...» (سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، صص. ۵۲۴-۵۲۵).

قوم نوح از سخنان او تعجب می‌کردند (أَوْ عَجِبْتُمْ...) که چگونه مدعی این منصب خطیر است و چگونه از چیزهایی که نمی‌دانند آن‌ها را با خبر می‌کند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص. ۲۶۲). در تفسیر این آیه (۶۳ سوره اعراف)، بیشتر مفسران استفهام در آیه را «استفهام انکاری» در نظر گرفته‌اند و برخی نیز استفهام را در معنای «ملامت» در نظر گرفته‌اند (جرجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص. ۱۸۹) و برخی نیز معنای این استفهام را «تقریر و توییح» دانسته‌اند (ر.ک: ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص. ۴۱۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۷، ص. ۲۳۵). «واو» بعد از همزه را برخی از مفسران، واو عطف بر مقدر «کذبتم» در نظر گرفته‌اند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۱۱۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص. ۲۹۷؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص. ۴۳۸) که در این صورت معنی آیه این گونه می‌شود: «أَوْ كَذَّبْتُمْ وَ عَجِبْتُمْ...» این چه واکنش تکذیب‌آمیزی است که شما با من دارید؛ آیا در شگفتید که مردی از شما برای ابلاغ پیام الهی برگزیده شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۲ش، ج ۲۹، ص. ۲۷۲). در واقع این مطالبی که بیان شد، بیانگر بهانه‌جویی کسانی است که نمی‌خواهند از رهبرشان پیروی کنند.

### ۱۲-۳- عالم بودن رهبر و موعظه کردن بر اساس علم

در آیه ۶۳ سوره اعراف در عبارت «أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ...»، برخی از مفسران، مراد از «ذکر» را «کتاب یا رسالت» دانسته‌اند (ر.ک: سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۵۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص. ۶۶۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص. ۲۹۸؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص. ۶۴۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص. ۱۸). برخی دیگر نیز مراد از «ذکر» را «موعظه» دانسته‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص. ۴۴۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۷، ص. ۲۳۵؛ جرجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص. ۱۸۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص. ۱۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص. ۳۷۹؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص. ۲۵۹) که این معنی اشاره به بیان محتوای وحی توسط حضرت نوح دارد. بنابراین، طبق نظر مفسران، می‌توان گفت «ذکر» هم به خود رسالت حضرت نوح اشاره دارد و هم به نحوه انجام وظیفه رسالت توسط ایشان که موعظه و بیان مطالب وحی است.

### ۱۳-۳- بومی بودن مسئولان با جایی که مدیریت می‌کنند

در آیه ۶۳ سوره اعراف در عبارت «...أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ...»، برخی از مفسران حرف جر «علی» را به معنی «مع» گرفته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص. ۶۶۹؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص. ۲۵۹) البته در این جا «علی» و «مع»، در معنا تفاوت چندانی ندارند. بیشتر مفسران، عبارت «علی رجل منکم» را «علی لسان رجل منکم» معنی کرده‌اند (ر.ک: ابن قتیبه، بی‌تا، ج ۱، ص. ۱۴۶). این معنی مشابه با آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلْسَانٍ قَوْمِهِ» (ابراهیم: ۴) است. با توجه به معنی «من» در عبارت «رجل منکم»، برخی از مفسران مراد از این عبارت را این گونه بیان کرده‌اند: «مردی از شما که حسب و نسب او را می‌شناسید» (سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۵۲۵). برخی نیز گفته‌اند «رجل منکم» یعنی «مردی مثل خودتان و از جنس خودتان» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص. ۲۶۲). با توجه به این مطلب می‌توان گفت حضرت نوح

با مخاطبانش هموطن بود. بنابراین، مبلغ مذهبی یا حتی مسئولین یک شهر یا استان، بهتر است که بومی آن جا باشند.

#### ۱۴-۳- بیان هشدارها، بیش از بشارت‌ها

در آیه ۶۳ سوره أعراف در مورد عبارت «لِيُنذِرَكُمْ» برخی از مفسران، انذار را «ترساندن از عقاب خداوند» معنی کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص. ۶۶۹) و برخی نیز «ترساندن از عاقبت کفر و معاصی» (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص. ۴۴۴) و «ترساندن از عذاب در دنیا» معنی کرده‌اند (میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص. ۶۴۷) که به نظر می‌رسد معنی «ترساندن از عقاب خداوند» جامع و شامل‌تر باشد. در عبارت «لَتَتَّقُوا» در مورد این که از چه چیزی تقوا پیشه کنیم (خود را حفظ کنیم) چند نظر بیان شده است. طبری می‌نویسد: «تقوای از عقاب و بأس خداوند به کمک توحید و اخلاص و ایمان و عمل به طاعات» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص. ۱۵۱)، سمرقندی «تقوای از شرک و نجات از آتش» را بیان می‌کند (سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، صص. ۵۲۴-۵۲۵)، طوسی به «تقوای از گناهان» اشاره می‌کند (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص. ۴۴۰) و میبدی «تقوای از عبادت بت‌ها» (میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص. ۶۴۷). در مورد اینکه مراد از تقوا چیست، طبرسی «خشیت الهی» را مراد از آن می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص. ۴۴۴). البته می‌توان همه این معانی را صحیح دانست چرا که ظاهر آیه، انذار و تقوا را مقید به مسأله خاصی نکرده است. شاید همین مطلب دلیل بر این باشد که از هر چیزی که توسط پیامبران نسبت به آن انذار شده‌ایم، باید تقوا پیشه کنیم، به امید این که به رحمت خداوند نائل گردیم «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». مؤید این مطلب آن است که برخی مفسران بیان کرده‌اند: «مقصود از بعثت پیامبران، انذار و مقصود از انذار، تقوا و مقصود از تقوا رستگاری در سرای آخرت است» (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص. ۲۹۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۹۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص. ۳۴۶). حضرت نوح قبل از این که قومش را در پرتو تقوا، به رحمت الهی بشارت دهد، از عذاب الهی بیم می‌دهد. درباره سر آغاز رسالت رهبران الهی با انذار وجوهی محتمل است:

(۱) گسترش فساد در جامعه و ابتلای بسیاری به رذائل اخلاقی  
(۲) بیشتر مردم در برابر وعید و تهدید واکنش مثبت نشان می‌دهند تا وعده و بشارت  
(جوادی آملی، ۱۳۹۲ش، ج ۲۹، صص. ۲۷۳-۲۷۴)  
در مورد حرف ترجی «لعل» گفته شده: «فایده حرف ترجی، تنبیه است بر آن که  
متقی را سزاوار آن است که اعتماد بر تقوای خود نکند و ایمن نشود از عذاب الهی و  
عقاب پادشاهی» (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۴، ص. ۵۰).  
با دقت در خطبه‌های امام علی (علیه السلام) که رهبری جامعه اسلامی را به عهده  
داشت، متوجه می‌شویم هشدارهای ایشان به مردم بیش از بشارت‌هاست.  
با توجه به این مطالب، هشدارهای رهبر یک جامعه اسلامی به مردم باید نسبت به  
بشارت‌هایش بیشتر باشد؛ هشدارهایی چون انحراف از اسلام، گرایش به شرق و غرب  
و ...

### نتیجه‌گیری

- ۱- شخص یا گروهی که می‌خواهند یک جامعه دینی تشکیل دهند و رهبری آن  
را بر عهده بگیرند و به اجرای حدود و قوانین الهی پردازند باید هم عالم در  
دین و آگاه به تاریخ باشند و هم دشمن شناس باشند و بدانند، عده‌ای که  
منفعتشان به خطر می‌افتد، یک جنگ رسانه‌ای را علیه آن‌ها به راه می‌اندازند  
و برای بدبین کردن مردم نسبت به جامعه دینی، به رهبر و مسئولان آن  
تهمت می‌زنند. در این صورت مسئولان جامعه دینی باید پاسخ تهمت‌ها را  
به بهترین شکل و با زبانی نرم به مردم ارائه دهند و به روشنگری بیشتری نیز  
پردازند.
- روشنگری مسئولان یک جامعه دینی در برابر اقدامات دشمنان باید مداوم و  
همیشگی باشد.
- ۲- رهبر یا مسئولان جامعه اسلامی باید هم خود «توحید ربوبی» را عمل کنند و  
هم بیش از هر چیزی آن را به مردم تذکر دهند.

- ۳- سیاست یک جامعه دینی در برابر فریب خوردگان داخلی باید سیاست «جذب حداکثری و دفع حداقلی» باشد.
  - ۴- در یک جامعه دینی، مردم نباید فقط به فکر منفعت دنیایی خودشان باشند و نباید با بهانه‌جویی، رهبرشان را تضعیف کنند؛ چرا که با تضعیف رهبر، جامعه دینی آسیب‌پذیر می‌شود. رهبر نیز باید مردم را نسبت به آینده امیدوار کند.
  - ۵- بیان هشدارها توسط رهبر یک جامعه باید بیشتر از بشارت‌ها باشد چرا که بیشتر مردم به هشدارها واکنش مثبت نشان می‌دهند.
- مسئولان یک جامعه دینی مثل فرماندار و استاندار و ... بهتر است که بومی همان منطقه باشند.

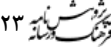
#### کتابنامه

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، به کوشش علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن المشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر (لابن المشهدی)، مصحح: قیومی اصفهانی، جواد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأملی (للصدوق)، تهران: کتابچی.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
۵. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (بی تا)، غریب القرآن ابن قتیبه، بی جا، بی نا.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، به کوشش محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۱۰. ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجدیده.
۱۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۲. أزهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. امام خمینی (۱۳۸۶ش)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۴. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۶. پیرهادی، م. (۱۳۹۶، ۱۳ تیر). جان بولتون: انقلاب ایران نباید چهل سالگی خود را جشن بگیرد. رسالت، ص. ۹.
۱۷. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان.
۱۸. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن (۱۳۷۷ش)، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲ش)، تسنیم تفسیر قرآن کریم ج ۲۹، به کوشش روح الله رزقی، قم: اسراء.
۲۰. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۴ق)، تقریب القرآن إلى الأذهان، بیروت: دارالعلوم.
۲۱. حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.

۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۲۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت دارالکتاب العربی.
۲۴. سمرقندی، نصر بن محمد بن أحمد (بی تا)، بحر العلوم، بی جا، بی نا.
۲۵. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۲۶. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق)، خصائص الأئمة علیهم السلام (خصائص أمير المؤمنین (علیه السلام))، مصحح: امینی، محمد هادی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۷. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، مصحح: صالح، صبحی، قم: هجرت.
۲۸. صاحب بن عباد، إسماعیل (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتب.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۳۳. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی
۳۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی (لطوسی)، مصحح: مؤسسۀ البعثۀ، قم: دار الثقافة.



راهبرد حضرت نوح(علیه السلام) در مواجهه با «المأء» ... /محمد اسکندری و نبی اله سالاری  ۲۳

۳۵. طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۶. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث عربی.

۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.

۳۸. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.

۳۹. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۸ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۴۰. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دار الهجره.

۴۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۴۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.

۴۳. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۴۴. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۴۵. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶ش)، تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.

۴۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.

۴۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴۸. معمر بن مثنی (۱۳۸۱ق)، مجاز القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی

۴۹. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۵۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۵۱. مهیار، رضا (بی تا)، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، بی جا، بی نا.
۵۲. میبدی، رشید الدین احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱ش)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵۳. میرزا خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰ق)، تفسیر خسروی، تهران: انتشارات اسلامیه.
۵۴. نصرین مزاحم (۱۴۰۴ق)، واقعه صفین، مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

55. <https://www.aparat.com/search/%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3%20%D8%B9%D8%A8%D8%AF%D9%84%DB%8C%20%D8%B3%D8%AC%D8%B2%DB%8C>

## قانون سپاری؛ توسعه مشارکت در قانون گذاری

هادی طحان نظیف \*

محمد امین حاکمی \*\*

علی راستی \*\*\*

چکیده

مشارکت مردم در حکومت در حال تغییر و تحول است و با پیشرفت جوامع، متکامل می‌گردد. مشارکت مردمی دارای الگوهای متفاوتی بوده است. الگویی که هم‌اکنون متداول است، الگوی نمایندگی است. بنابراین با بروز پدیده‌ای به نام قانون سپاری، این الگو در معرض تغییرات گسترده واقع شده است. الگوی قانون سپاری مبتنی بر حضور مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. قانون سپاری به زیرساخت‌هایی نظیر شفافیت نیازمند است و در رواج خود، مدیون استفاده از روش‌های نوآوری باز و جمع‌سپاری است. قانون سپاری در بستر اینترنت شکل می‌گیرد. در قانون سپاری می‌توان مسأله‌یابی و تدوین پیش‌نویس یک قانون و یا اصلاح آن را به مردم واگذار کرد. به عبارتی، مردم به نحوی دارای صلاحیت ابتکار قانون می‌شوند. به منظور این که بتوان میزان پیشرفت قانون سپاری در مراحل مختلف قانون گذاری را دانست، باید به ماهیت نمایندگی نظر افکنده، مقایسه‌ای را سامان داد. لذا مسأله این پژوهش، مقایسه میان نمایندگی و قانون سپاری است تا بتوان به کمک شناخت مبانی آن، در آینده الگوی بومی قانون سپاری را طراحی کرد. بدین منظور، این مطالعه با ترکیبی از روش‌های «موردکاوی» و «تفسیری» در صدد واضح ساختن افق پیش‌روی قانون سپاری و چگونگی حضور آن در فرایند قانون گذاری است. در نتیجه، با یافتن فهمی از قانون سپاری می‌توان آن را بومی‌سازی کرد. برای داشتن چنین دریافتی، باید از آموزه‌های اسلامی نظیر شورا و مسئولیت اجتماعی بهره برد. همچنین، بهره گرفتن از قابلیت‌های بازی‌وارسازی این پلت‌فرم‌ها، کمکی شایان به بومی‌سازی رویکرد جمع‌سپارانه در قانون گذاری است.

**واژگان کلیدی:** دین نمایندگی، جمع‌سپاری، قانون سپاری، مشارکت، پارلمان.

---

\* استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران،  
tahan@isu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران،  
mmghaem@social.ut.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، گرایش سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران،  
fahimifar@modares.ac.ir

## مقدمه

امروزه استفاده از روش‌های جمع‌سپاری<sup>۱</sup> در سطح جوامع به امری معمول بدل شده است و رواجی چشمگیر یافته است. روش جمع‌سپاری به دلیل برخورداری از سهولت در استفاده و مشارکت بخشیدن به تمامی مشارکت‌جویان و نیز قرارگیری بر بستر فضای مجازی، در حال دربرگرفتن تمام عرصه‌های زندگی بشر است.

(Pfoser, Crooks, & Jenkins, 2015, p. 724).

از جمله عرصه‌های قابل توجه، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری است. تصمیم‌گیری در سطح ملی و منطقه‌ای و حتی شهری، از جمله مواردی است که با استقبال گسترده‌ای از جانب ذی‌نفعان، مسئولان و سایر شهروندان جامعه مواجه شده است.

(Friess, 2015, pp. 1-2).

مضاف بر این در سیاست‌های کلی «نظام قانون‌گذاری» و در بند ۹ آن، اینچنین به جلب مشارکت حداکثری مردم اشاره شده است: «جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی‌نفعان و نهادهای قانونی مردم‌نهاد تخصصی و صنفی در فرآیند قانون‌گذاری». آن چه در اینجا در اولویت قرار می‌گیرد، استفاده از روش‌های جلب حداکثری مردم در فرآیند قانون‌گذاری است. البته نباید از بند نخست این سیاست‌ها نیز غفلت کرد. بند نخست عبارت است از: «توجه به موازین شرع به عنوان اصلی‌ترین منشاء قانون‌گذاری در تنظیم و تصویب طرح‌ها و لوایح قانونی». لذا در جلب مشارکت مردم باید از طرقتی که منجر به تثبیت منشا اصلی قانون‌گذاری می‌شوند، بهره برد. استفاده از جمع‌سپاری در عرصه‌های قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری به *Crowd Law*<sup>۲</sup> شهرت یافته است که در زبان فارسی از واژه «قانون‌سپاری» به عنوان معادل استفاده خواهد شد. با ورود زیست مجازی به دنیای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، می‌توان پیش‌بینی کرد که تغییرات به-وجودآمده، تا چه اندازه می‌توانند گسترده باشند (Dimba, 2018).

---

1 - Crowdsourcing

۲- *Crowd Law* خلاصه *Crowd sourced Lawmaking* است. در ادامه، توضیحات تکمیلی خواهد آمد.

از جمله این تغییرات، می‌توان به تغییر بافت کانون‌های قدرت، کاهش هزینه‌های تدوین متون سیاستی و قوانین و آیین‌نامه‌ها، افزایش آگاهی عمومی از اسناد مصوبه، همراهی و مشارکت هرچه بیشتر مردم و کاهش کارشکنی‌های ناشی از عدم آگاهی، افزایش کیفیت متون سیاستی و قوانین و آیین‌نامه‌ها و بسیاری از مزایا و محاسن دیگر اشاره کرد.

قانون‌سپاری نمودی از دموکراسی است که در قالب فضای مجازی رخ نموده است. دوران‌هایی که دموکراسی در آن رشد کرده است، بسیار طولانی و متفاوت است؛ آخرین مرحله‌ای که هم‌اکنون دموکراسی در حال طی کردن است، آن را بیش از پیش متأثر از جمعیت و انبوه خلق<sup>۱</sup> کرده است. البته می‌توان ردّ پایی از دموکراسی را در جوامع پیشامدرن و باستان یافت؛ با وجود این جان لاک<sup>۲</sup>، روسو<sup>۳</sup> و حتی هابز<sup>۴</sup> را می‌توان نخستین اندیشمندانی دانست که با ارائی نظریه‌ی قرارداد اجتماعی، تلاش بسیاری برای دموکراسی کرده‌اند (نوری و توسلی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵، صص. ۱۲۰-۱۳۵). یکی از تبلورهای اخیر دموکراسی، جمع‌سپاری<sup>۵</sup> و مضاف بر آن، قانون‌سپاری است (HanYou, KyuLee, Kang, & Go, 2015, pp. 8-10).

اما آن چه در نظر اندیشمندان حقوق مهم به نظر می‌رسد، تأثیر این پدیده‌ی نو بر ساختارهای منبعث از دموکراسی است؛ ساختارهایی که با تفاسیر و برداشت‌هایی خاص از دموکراسی ایجاد شده‌اند و توان تحمل برداشت‌های جدید را ندارند. در این میان، نظریه نمایندگی است که برداشتی ابتدایی از دموکراسی است و در برابر، دموکراسی موافق با قانون‌سپاری قرار می‌گیرد.

اگر چنین پنداشته شود که «نمایندگی» به‌دنبال عدم امکان حضور متفق و توأمان شهروندان ایجاد شده است (حافظ‌نیا، قالیباف و ملاحسینی اردکانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۵)،

1 - Crowd

2- John Locke

3- Jean-Jacques Rousseau

4 - Thomas Hobbes

5 - Crowdsourcing

در این صورت باید گفت، امروزه که مردم می‌توانند در فضای مجازی چنین اتفاق و حضوری را تجربه کنند، دیگر نیازی به استفاده از واسطه‌ها و نمایندگان نیست. اما اگر پیروزی با تفسیری باشد که نماینده را دارای شأن تخصصی می‌داند، در این صورت، نمی‌توان پارلمان و سایر ساختارهای کلان نمایندگی را محکوم به حذف از صحنه اجتماع دانست.

در هر صورت، آن چه ضرورت این مسأله را دو چندان کرده است، مشارکت محدود شهروندان ایرانی در تهیه و تدوین قوانین و سیاست‌ها است که نتیجتاً باعث می‌شود، آگاهی از مفاد قوانین و سیاست‌ها کاهش یافته و منجر به بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به این قوانین و اسناد بالادستی شود. این تنها آگاهی و مشارکت فعالانه در طرح و تدوین قوانین و سیاست‌ها است که به اجرای بهتر آن‌ها توسط شهروندان منجر خواهد شد. در غیر این صورت، متون قانونی و سیاستی، با حداقل استقبال روبه‌رو شده و به طور کامل اجرایی نخواهد شد. عدم طراحی و پیش‌بینی سازوکارهای مشارکت مردمی باعث فرسودگی ساختارهای موجود خواهد شد. به عبارتی، اگر ساختارهای موجود به‌روزرایی نشوند، با اشکالاتی عدیده در کارآمدی مواجه می‌شوند. خصوصاً آن که جمهوری اسلامی، به عنوان نظامی مردم‌سالاری، داعیه به کارگیری توان و استعداد تمام مردم را دارد؛ چنین امری موجب اهمیت مضاعف مشارکت مردمی می‌شود. همچنین، در عمل نیز مشارکت مردم به پیشرفت‌های خیره‌کننده و چشمگیر منتهی می‌شود. با نگاهی به نظام حقوقی مشارکت مردمی، رسالت این مقاله بر آن است تا ظرفیت کنونی و آینده مشارکت را بسنجد. به همین دلیل، سؤال این مقاله این است که آیا قانون‌سپاری می‌تواند منجر به افزایش مشارکت در قانون‌گذاری شود؟ این پژوهش با به کار بستن روش مطالعه موردی، پدیده‌ای به نام «قانون‌سپاری» را مورد بررسی قرار داده است. همچنین با بهره‌گیری از روش تفسیری، نقش قانون‌سپاری در افزایش و توسعه مشارکت مردم در فرایند قانون‌گذاری را تشریح کرده است.

### پیشینه پژوهش

باتوجه به نوظهور بودن این موضوع، مقالات و آثار پژوهشی کمتری در این زمینه وجود دارد. با این حال، می‌توان ردی از این مسائل را در آثار پیش‌رو یافت: کتاب «دولت و دموکراسی در عصر جهانی‌شدن» توسط محمد توحیدفام، کتاب «روزنامه-نگاری سایبر»، توسط یونس شکرخواه، ترجمه کتاب «امپریالیسم سایبر» توسط بوسا ابو، مقاله‌ی «دموکراسی دیجیتال» توسط هادی خانیکی، «قابلیت‌های فناوری اطلاعات در اجرای دموکراسی مستقیم» اثر محمدرضا حافظ‌نیا، محمداقبر قالیباف و رضا ملاحسینی اردکانی، مقاله «شناسایی و اولویت‌بندی ارزش‌های حکمرانی الکترونیکی در شهرداری‌ها» اثر سیدمحمدباقر جعفری، حسن زارعی متین و شهناز جوکار، مقاله «ارتقای اعتماد عمومی و دموکراسی الکترونیکی؛ تبیین نقش دولت الکترونیک» اثر آرین قلی‌پور و علی پیران‌نژاد. در ادامه، تعدادی از مقالات انگلیسی‌زبان نیز مورد اشاره واقع شده است:

#### جدول ۱- آثار نویسندگان انگلیسی‌زبان در زمینه قانون‌سپاری

نام اثر	تاریخ	نویسنده	مطالب و نحوه نگاه به قانون‌سپاری
The Birth of the CrowdLaw Movement: Tech-Based Citizen Participation, Legitimacy and the Quality of Lawmaking	۲۰۱۸	Victòria Alsina and José Luis Martí	این مقاله بیشتر در پی احصاء جنبش‌های مربوط به قانون‌سپاری بوده است. همچنین، زیرساخت‌های فناورانه و اجرایی آن را محل بحث قرار نداده است.
Forging Smarter Cities through CrowdLaw	۲۰۱۸	Beth Simone Noveck	این مقاله ارتباط قانون‌سپاری و پیشرفت‌های مختلف جامعه را بررسی کرده است. به نحوی که قانون‌سپاری می‌تواند به کیفیت قانون‌گذاری در این زمینه‌ها کمک کند. همچنین، قانون‌سپاری امکان مشارکت همگان را در قانون‌گذاری فراهم می‌آورد.

این اثر به دنبال تشریح تکامل مرحله به مرحله قانون‌سپاری ناظر به تجربیات جنبش‌های اجتماعی مختلف در اقصی نقاط جهان بوده است.

Beth Simone Noveck ۲۰۱۸ Crowdlaw: Collective Intelligence and Lawmaking

در این اثر، ظرفیت‌های دموکراتیک قانون‌سپاری از منظر یک آمیختگی بررسی شده است:

نخست، نگاه فعالان این عرصه که به دنبال ایجاد مشارکت گسترده و تشویق انجمن‌ها به مشارکت هستند.

Helene Langlamet ۲۰۱۸ Can Digital Technologies Create a Stronger Model for Democratic Participation? The Case of CrowdLaw

دوم، طراحی پلتفرم‌هایی که نتوانسته مشارکت حداکثری را تأمین کند.

سؤال پژوهش فوق این است که آیا قانون‌سپاری می‌تواند در روند تحقق دموکراسی نقش‌آفرینی کند و دموکراتیزه شود؟

در مقالات و کتب پیش‌گفته، تعیین نقش و قابلیت‌های محصولات الکترونیک در اداره و حکمرانی دولت و همچنین، مزایا و معایب و فرصت‌ها و تهدیدهای دموکراسی الکترونیک ذکر شده است. نویسنده در این نوشتار بر آن است تا جایگاه محصولات الکترونیکی خاصی (قانون‌سپاری) را در مفاهیم و نظریات دموکراسی و نیز الگوهای اجرایی آن تبیین و تعیین نماید. تلاقی جمع‌سپاری و قانون‌سپاری با دموکراسی و چگونگی اجرای آن دستاورد این پژوهش است. گرچه پژوهشگران متعددی، آثاری در زمینه محصولات الکترونیک یا اندیشه‌ی سیاسی و رهیافت‌های اجتماعی آن به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند، لکن یافتن پژوهشی که تأثیر قانون‌سپاری بر روند حرکت دموکراسی و جلب مشارکت مردم را بررسی کرده باشد، دشوار است. به عبارتی، آن چه



ماحصل این پژوهش را منحصر به فرد می‌سازد، ارائه تصویری از قانون‌سپاری است و تأثیر آن در جلب مشارکت مردمی بررسی شده است.

### ۱- مبانی نظری قانون‌سپاری

پدیده‌ها ریشه در تفکرات دارند. قانون‌سپاری نیز محصول اندیشه‌هایی است که حاکمیت و حکومت مدرن را درانداخته‌اند. برای دستیابی به ادراک جامع‌تر و دقیق‌تر از محصول نهایی، یعنی قانون‌سپاری، باید با دموکراسی و نمایندگی آشنا شد. دموکراسی ارزشی تخطی‌ناپذیر است، در نتیجه نمایندگی با وارد کردن استثنائاتی، شیوهی اجرایی شدن آن را نشان داده است. در ادامه توضیحاتی در باب دموکراسی، نمایندگی و نهایتاً قانون‌سپاری بیان شده است.

#### ۱-۱- دموکراسی

دموکراسی<sup>۱</sup> شیوه‌ای از حکمرانی است که به دنبال رواج آرمانی خاص است. دموکراسی، به دنبال حکومتی است که در آن به جای زمام‌داری یک یا چند نفر خاصی، مردم بر مردم حکمرانی کنند. بسیاری از کشورها الگوی دموکراسی را در نظام حقوق سیاسی خود اعمال کرده‌اند و بسیاری دیگر در صف اجرایی‌ساختن آن هستند. از جمله مقومات دموکراسی، تحمل در برابر آراء متضاد است؛ آرائی که میان دو انسان یا دو گروه از انسان‌ها مورد توافق نیست. بدین ترتیب، دموکراسی تنها با کمک سوق دادن به مسامحه‌گرایی است که می‌تواند در جامعه محقق شود (جلایی م.، ۱۳۸۰، صص. ۴۹-۵۰) (هوئرتا، ۱۳۹۵، صص. ۳۲-۳۵).

به اعتقاد برخی نویسندگان، نمی‌توان زمان خاصی را برای شروع دموکراسی در نظر گرفت؛ بلکه این فرهنگ مردم است که آنان را به حضور در تصمیم‌گیری‌های جمعی دعوت می‌کند. این دسته، قدمت دموکراسی را تا تاریخ باستان پی می‌گیرند. البته مشخص است که شکل امروزی دموکراسی مدنظر نیست و همچنین می‌توان آثار دموکراسی را از شهرهای بزرگ تا روستاهای کم‌جمعیت پیگیری کرد. با تمام این‌ها،

دیرپای‌ترین مدلی که برای دموکراسی پیشنهاد شده است، مدل آتنی یا یونانی است. در یونان، تاریخ همچون رم نبود؛ در رم، اختلاف میان طبقات به جنگ انجامید، اما در یونان، این اختلاف به واسطه دموکراسی از جنگ دور شد. و البته این الگوی دموکراسی، با استیلای اسکندر بر یونان، پایان یافت و هیچ‌گاه تکرار نشد. ارسطو با ارائه دیدگاه خود در زمینه‌ی انواع حکومت، به دموکراسی پرداخته است. وی حکومت را براساس «تعداد حاکمان» به سه دسته تقسیم می‌کند؛ این حکومت‌ها توسط یک نفر، یک گروه و یا مردم اداره می‌شوند و در حالتی که مردم حاکم‌اند، دموکراسی ظاهر می‌شود (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۲، صص. ۱۰۳-۱۲۴) (کیا و عبدالله، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۷).

منبع مشروعیت‌بخشی دموکراسی، مردم هستند. در دموکراسی این مردم‌اند که تشخیص می‌دهند خوب چیست و چه چیزی خوب نیست. خود دموکراسی نیز مشروعیتش را از مردم می‌گیرد. به‌همین دلیل می‌توان مشروعیت مردمی را یکی از ارکان دموکراسی دانست. رکن دیگر را نیز بر اساس این، باید نسبی‌گرایی دانست؛ چرا که دموکراسی، خود را والاترین ارزش می‌داند و نمی‌توان پیش از ورود دموکراسی به جز مردم ارزشی تعریف کرد؛ ارزشی که قابلیت انتخاب شدن از سوی مردم را داشته باشد. به همین دلیل، باید بدون هیچ زمینه خاصی، مردم، نظر و رأی ایشان را مبنا قرار داد. از آنجا که این مبنا، به شدت تغییرپذیر است، باید نسبی‌گرایی را پذیرفت (جلایی م.، ۱۳۸۰، ص. ۵۳) (وحیدی منش، ۱۳۹۳، ص. ۸۲).

آن چه که صاحب‌نظران اصلی دموکراسی مانند ارسطو<sup>۱</sup>، روسو و مونتسکیو<sup>۲</sup> و غیره بیان آن را مدنظر داشته‌اند، دموکراسی مستقیم است. در واقع دموکراسی مستقیم، حالتی آرمانی است که علاوه بر نبود تفاسیر اجرایی مناسب از این نظریه، به دلیل کمبود امکانات و زیرساخت‌ها، فرصت اجرایی و عملیاتی شدن نیافت. به اعتقاد صاحب‌نظران

1 - Aristotle

2 - Baron de Montesquieu

دموکراسی، ارزش و اعتبار و مشروعیت یک حکومت از مردم و همراهی مردم است. در واقع این نظر و رأی عموم مردم است که سرمنشأ مشروعیت است و حکومت باید همان را سرلوحه قرار دهد؛ در این صورت، از سوی دیگر، مردم نیز مشروعیت این حکومت را می‌پذیرند (دانلی، ۱۳۸۱، صص. ۵۲-۵۴). این که دموکراسی، تبلور اراده‌ی عموم مردم است، در بدو صدور، حالتی شعارگونه را همراه داشته است، اما همان «دموکراسی مستقیم» را افاده می‌کند. دموکراسی، در ابتدای پیدایش و حتی امروزه، در برابر استبداد حکمرانان به کار گرفته می‌شود. در برابر این استبداد، مردم قرار دارند (Miller, 2003, pp. 37-53).

#### ۱-۲- نمایندگی<sup>۱</sup>

به صورت کلی، حقوق به عنوان لگامی برای قدرت سرکش شناخته می‌شود. سازوکار این لگام زدن، ایجاد نهادهایی است که قواعدی خاص بر آن‌ها حاکم است. البته حقوق در برابر این محدودیتی که به قدرت وارد می‌کند، به آن مشروعیت می‌بخشد؛ به طوری که می‌توان از قدرت حاکم تبعیت کرد. قسمت عظیمی از این مشروعیت‌بخشی در حقوق، توسط نهاد نمایندگی تأمین می‌گردد. در واقع، در پارادایم مدرن حقوقی، اگر قدرتی با نهاد نمایندگی همراه و موافق باشد، مشروع است و در غیر این صورت، نامشروع شناخته می‌شود. در فرض عدم وجود نمایندگی، هیچ یک از انواع دموکراسی نیز قابل تصور نیست. حکومت با به دست گرفتن اقتداری که مردم بدان واگذار کرده‌اند، نوعی از قدرت تأسیس شده است. حاکمیت امری ربطی است و حاصل رابطه سیاسی مردم و دولت است. پایه و اساس قدرت عمومی بر نمایندگی استوار است؛ چرا که تنها در نمایندگی است که می‌توان حکمرانان را دارای مسئولیت برشمرد. (لاگلین، ۱۳۹۳، صص. ۱۵۳-۱۵۹) (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۲، صص. ۲۳-۲۶).

بدون وجود مفهوم و نهاد نمایندگی، نمی‌توان ساختار دولت‌های چند سده اخیر غرب و مخصوصاً دولت‌ها و قدرت‌های مدرن را درک و تحلیل کرد. تمامی قوانین

اساسی مدرن نیز این مفهوم را مبنا قرار داده‌اند (استوارت میل، ۱۳۸۹، صص. ۳۹-۴۰) (ویژه، ۱۳۸۷، ص. ۷۸). اهمیت نمایندگی در تشکیل دولت‌های مدرن به حدی است که نمی‌توان دموکراسی را بدون آن درک کرد. دموکراسی بدون وجود نمایندگی، قابلیت ادامه حیات خود را از دست می‌دهد.

نمایندگی در حقوق غرب، نهادی بسیار نزدیک با وکالت در حقوق ایران است.<sup>۱</sup> ساخت قدرت و حکومت در غرب، منطبق بر آموزه‌های نهاد نمایندگی است. تمام مجموعه‌ی سیاسی-حقوقی حاکمیت، به عنوان نماینده تمام ملت شناخته می‌شوند (آهنگران و صادق پور، ۱۳۹۳، صص. ۷۱۱-۷۱۴). از جمله ساختارهای جزئی‌تری که به تثبیت این نهاد، یعنی نمایندگی، منجر می‌شود، «رای‌گیری» و «انتخابات» است. البته می‌توان تجلی نمایندگی را در ساختارهای دیگری نیز جستجو کرد؛ انواع همه‌پرسی نظیر تله‌بیسیت<sup>۲</sup> و غیره. اما این انتخابات است که بیشترین رواج را داراست

(Gerber & Morton, 1998, pp. 304-307).

در تفسیر مفهوم نمایندگی و نهادها و ساختارهای منبعث از آن، نظرات به دو دسته-ی اصلی تقسیم می‌شوند؛ دسته نخست، نمایندگی را دارای شأن تخصص می‌دانند. بدین معنا که نمایندگان (علی‌الخصوص نمایندگان مجلس)، به‌خاطر تخصص‌شان در پارلمان یا قدرت، نماینده مردم شده‌اند؛ لذا موظف‌اند که از این تخصص خود به تمام وجه استفاده نمایند. اما عده‌ای دیگر نظری متفاوت دارند و نماینده را تنها نماینده‌ی مردم می‌دانند که باید انعکاس نظرات آن‌ها را ارائه دهند و پیگیر مطالبات و اراده ایشان باشند. علی‌الاصول، نگاه دوم همخوانی بیشتری با دموکراسی دارد؛ چرا که در نگاه دوم، اصالت اراده‌ی مردم تجلی فراوانی می‌یابد. این درحالی است که در نگاه نخست، مردم تخصص و اراده‌ی فردی دیگر را برمی‌گزینند (جواهری طهرانی، ۱۳۹۴، صص. ۷-۱۵).

۱ - منظور، فقه و حقوق ایران، تا پیش از ورود حقوق مدرن به کشور و تأثیرات گسترده آن است.

۲ - به آن نوعی از همه‌پرسی گفته می‌شود که طی آن مقامات و زمامداران در موارد تردید، برنامه‌ها و ایده‌های خود را به نظرسنجی عمومی مردم می‌سپارند و از این طریق به دنبال کسب مسئولیت یا نوکردن مسئولیت دولت و نظام سیاسی می‌گردند.

دموکراسی نمایندگی، از مهم‌ترین این دسته نظریات است و نمایندگی را می‌توان مفهومی برگرفته از این نظریات و پدیده‌ای منبعث از این دیدگاه دانست. بدون در نظر گرفتن دموکراسی نمایندگی، نمی‌توان درک صحیحی از نمایندگی داشت؛ به عبارتی، این نظریه، پشتوانه مفهوم و پدیده نمایندگی بوده است. دموکراسی نمایندگی، برهه‌ای طولانی را در عمر دموکراسی، از آن خود کرده است.

دموکراسی شورایی را می‌توان به‌نوعی نمایندگی نسبت داد. دموکراسی شورایی، متکی بر نمایندگانی است که اگر آنان تصور نشوند، استبداد شروع خواهد شد. بسیاری اوقات، حکومتی که از سوی مردم و برای مردم است، تنها در دست یک نفر قرار می‌گیرد و استبداد به وجود می‌آید. اما با وجود دموکراسی شورایی، از احتمال استبداد می‌توان چشم‌پوشی کرد. جمهوری‌خواهی را می‌توان در اندیشه‌های مخالف توتالیتریزم و تمامیت‌خواهی یافت (شیرازی، ۱۳۹۸، صص. ۹۳-۹۴).

در مورد نمایندگانی که در سیاست برگزیده می‌شوند، چنین تصور می‌شود که نمونه‌هایی از گروه‌هایی خاص هستند و در عمل، نمایندگی از آنان را یدک می‌کشند. برای مثال، وقتی در مجامع نمایندگی وجود کارگران احساس می‌شود، نماینده‌ای از کارگران انتخاب می‌شود تا مقاصد آنان را اعمال کند. در این برداشت، نماینده کسی است که بهترین فرد اعضای یک گروه باشد و بارزترین ویژگی‌های اساسی آنان را در خود داشته باشد. بدین معنا، می‌توان این برتری را به عنوان «خاص» بودن نیز تعبیر کرد؛ در این صورت، می‌توان نماینده را به عنوان «نمونه‌ی خاص» تلقی کرد. برداشت دیگر این است که نماینده، حتماً نباید خودش عضوی از گروهی باشد که نمایندگی آنان را پذیرفته است؛ بلکه همین که نسبت به منافع آن گروه اطلاع داشته باشد و بتواند آن منافع را تأمین کند، می‌تواند نماینده آنان باشد. این تلقی از نمایندگی، «نمایندگی منافع» برشمرده شده است.

### ۳-۱- قانون سپاری

برخی با پیش فرض گرفتن پارادایم حقوقی غربی، چنین عنوان داشته‌اند که نهادهایی برای مشارکت مردمی و دموکراسی در نظام‌های حقوقی غربی وجود داشته است؛ اما تمام مردم توان حضور در آن را نداشته‌اند و انبوه خلق و جمعیت از این توفیق، بی‌بهره بوده‌اند. با ایجاد سامانه‌های الکترونیکی از جمله اینترنت، چنین قابلیت‌ای ایجاد شد که از سویی مردم در امور جاری حاکمیت مشارکت کنند و از سوی دیگر، دولت این مشارکت مردمی را رسمیت ببخشد تا این که نهایتاً منجر به افزایش اعتماد عمومی گردد. در این میان ابزار کار، دموکراسی الکترونیکی است که در بستر اینترنت و فضای مجازی محقق می‌گردد (قلی پور و پیران نژاد، ۱۳۸۷، صص. ۲۲۴-۲۲۸).

تنوع شناخت و انبوه خلق دو فضیلت موجود در سیاست‌گذاری<sup>۱</sup> تلقی می‌شود که بعضاً دارای تضاد منطقی هستند. منطق انبوه توده‌ها در سیاست‌گذاری، متفاوت با روش‌های مرسوم سیاست‌گذاری است. به صورتی که در قانون‌سپاری، انبوه توده‌ها دارای اعضای نامشخص، غیرمتخصص و پراکنده‌اند. حال آن که در روش‌های مرسوم، عده‌ای متخصص به صورت منسجم اقدام به تدوین سیاست‌ها (و قوانین) می‌کنند

(Aitamurto، 'Collective Intelligence in Law Reforms: When the Logic of the Crowds and the Logic of Policymaking Collide'، 2016، pp. 2780-2781).

در تنقیح تجربه فنلاند در اصلاح قوانین ترافیکی، می‌توان اصول پنجگانه قانون‌سپاری را برشمرد که عبارتند از: مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، هم‌پیمانه‌سازی، ترکیب. در این میان، سه اصل نخست یعنی، مشارکت، پاسخگویی و شفافیت، بنیادین محسوب می‌گردند

(Aitamurto & Landemore، 'Five design principles for crowdsourced policymaking: Assessing the case of crowdsourced off-road traffic law in Finland'، 2015، pp. 8-11).

---

1 - Policymaking

قانون‌سپاری به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی جمع‌سپاری شناخته می‌شود که در حوزه‌های حقوقی و مدیریت (از جمله سیاست‌گذاری) پرکاربرد جلوه کرده است. جمع‌سپاری که در حوزه‌های گوناگونی از نظارت عمومی تا تأمین مالی وسعت یافته است، یک ابزار یا وسیله نیست. نباید جمع‌سپاری را یک ابزار دانست، بلکه جمع-سپاری روش و فرایندی نوظهور است. لذا قانون‌سپاری نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ یعنی قانون‌سپاری را نیز می‌توان یک روش و فرایند دانست. ویژگی منحصر به فرد این روش، استفاده از ظرفیت عامه‌ی مشارکت‌جویان است. مشارکت‌جویان می‌توانند افراد صاحب‌نظر، متخصص، مجرب، مداخله‌کننده و ذی‌نفع و غیره باشند (Aitamurto, 2012, pp. 18-29).

برای مثال، مشارکت‌جویان حوزه محیط زیست عبارتند از: ساکنان زیست‌بومی خاص، شکارچیان، جنگل‌بانان، مسئولان محلی و ملی مرتبط، پژوهشگران و استادان، بازرگانان وابسته به زیست‌بوم، متصدیان حمل و نقل و غیره. روشی که بتوان این طیف‌های متنوع را یکجا جمع کرد، جمع‌سپاری است.

قانون‌سپاری ترجمه‌ای از اصطلاح<sup>۱</sup> Crowd-Law است. این اصطلاح، قرین اصطلاح Policymaking قرار می‌گیرد. لذا باید دانست که قانون‌سپاری علاوه بر حوزه‌ی قانون‌گذاری، شامل حوزه‌ی سیاست‌گذاری نیز می‌گردد و نمی‌توان مرزی میان این دو کشید. استفاده از این روش، به قدری شایع و پر دامنه است که حتی با پلت‌فرم‌های مشابه این، می‌توان کاربردهای متفاوتی در حوزه‌هایی دورتر، نظیر دایره‌المعارف‌های همگانی و بانک‌های داده‌باز راه‌اندازی کرد. گرچه ساحت سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری هم‌اکنون فرایندهای متفاوتی را تجربه می‌کنند، اما با نگاه جمع‌سپارانه، این دو، شباهتی عظیم دارند. چرا که باید در هر دو ساحت مذکور، در مرحله‌ی نخست، یک متن ایجاد شود و مرحله‌ی دوم، اعتباربخشی و مشروعیت‌بخشی به آن است.

---

1 - Crowdsourced Lawmaking

قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در این دو کاملاً مشترک هستند؛ تنها تفاوت مربوط به نهادهای متولی این ساحت برمی‌گردد که از کشوری تا کشور دیگر متفاوت است. هم-اکنون کارکرد اصلی قانون‌سپاری در ایجاد متن پیش‌نویس خلاصه می‌شود، نه متن نهایی که در آستانه‌ی تصویب قرار دارد.

یکی از ارکان اساسی قانون‌سپاری، «انبوه خلق و جمعیت<sup>۱</sup>» است. در صورتی که مشارکت پایینی در قانون‌سپاری انجام پذیرد، در واقع فرایند قانون‌سپاری شروع نشده است. این تنها انبوه خلق و جمعیت است که می‌تواند برآیند قابل‌قبولی از آنچه را که مدنظر تمام ذی‌نفعان است، به دست دهد؛ در صورتی که نتوان مشارکت‌جویان را «انبوه» دانست، نمی‌توان حاصل را منتج از فرایند قانون‌سپاری - در یک زمان منقطع و محدود- دانست (Noveck, 2018, pp. 361-364).

گرچه هم‌اکنون در جهان از پلت‌فرم‌هایی استفاده می‌شود که از یک نوع هستند، اما به نظر می‌رسد که پلت‌فرم‌های کنونی، دارای دو تاریخچه و پیشینه جداگانه‌اند. تاریخ نخست، مربوط به انگلستان است و دیگری مربوط به آمریکا. اجرای طرح Red Tape در دولت کامرون و نیز وجود نهادهایی شبیه به E-Petition نوید تفاوت قانون‌سپاری انگلیسی از همانند آمریکایی‌اش را می‌دهد؛ همانندی که نخست از دفاتر دولت فدرال نشأت گرفته است (Clark, Morris & Lomax, 2018, pp. 1-3).

دولت الکترونیک در ایالات متحده آمریکا، حداقل بیش از سه دهه قدمت دارد. یکی از نخستین اهداف دولت الکترونیک در ایالات متحده، قانون‌گذاری است. این قانون‌گذاری که به واسطه دفاتر دولت فدرال صورت می‌پذیرفت، در حوزه‌های سلامت عمومی و نیز مقررات امنیت و اقتصاد و حوزه‌های مشابه بود. بدین دلیل که قانون‌گذاری نوعی فرایند تصمیم‌گیری مستقیم بود (که به شفافیت، مشارکت عمومی و پاسخگویی نیازی رسمی و عمده داشت) به نظر می‌رسید که هدف بسیار مناسبی برای سیاست‌گذاری متکی به فناوری است. این گونه برداشت می‌شد که فناوری‌های نوین با



اتکا به گسترش مشارکت افراد و گروه‌ها، می‌توان قانون‌گذاری را دگرگون کرد، دموکراسی در قانون‌گذاری را بالا برد و خروجی سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را بهبود بخشید. در فرایند قانون‌گذاری الکترونیک، نقش دفاتر قانون‌گذاری بیش از پیش کاهش می‌یافت. برای چندین دهه، قانون‌گذاری به عنوان تنها حقوق مشارکت عمده‌ی ذی‌نفعان و شهروندان تلقی می‌شد. پس از دهه نود میلادی، ظهور فناوری‌های دیجیتال، نوید تغییرات گسترده در طریقه پیشین را سر داد. این به معنای حرکت به سمت آینده-ای متکی بر فناوری‌های دیجیتالی و الکترونیک بود. اجرایی شدن افق دولت باز، که سراسر آن همکاری و گفتگو میان حاکمیت و شهروندان بود به تغییرات ریشه‌ای در ساختار نیاز داشت

(Newhart & Brooks, 2017, p. 1). (Farina, Epstein, Heidt & Newhart, 2012, pp. 104-111).

در انگلیس، پلت‌فرم عریضه‌نویسی پارلمان انگلیس<sup>۱</sup> در نوامبر ۲۰۰۶ ایجاد و در ژوئیه ۲۰۱۵ بازراه‌اندازی شد تا اعضای جامعه بتوانند عریضه‌ها و خواسته‌های خود را در پارلمان مطرح کنند (Find out more about e-petitions.n.d) در این پلت‌فرم این اجازه داده شد تا شهروندان و ساکنان بریتانیا، آن چه را که می‌خواهند به مسئولان گوشزد نمایند، مطرح کنند. سپس اگر این عریضه‌ها و خواسته‌ها، امضا و موافقت بیش از ده هزار نفر دیگر را به‌دست آورد، دولت بریتانیا مسئول رسیدگی و پاسخگویی می‌شود. اگر امضاها به بیش از صد هزار رسید، در این صورت، این پارلمان بریتانیاست که به این عریضه و خواسته رسیدگی می‌کند.

## ۲- روش پژوهش

روش این پژوهش ترکیبی از دو روش مختلف است، به‌گونه‌ای که در هر مرحله، مشخصاً از روشی خاص بهره برده است. در مواجهه با پدیده قانون‌سپاری باید از روش «مورد کاوی» استفاده می‌شد. چرا که براساس گفته‌های پیشین، پدیده‌ی قانون‌سپاری

---

1 - E-petitions

یک پدیده‌ی نوآورانه است که پیش از آن که در کتاب‌ها به آن پرداخته شود، در فضای جامعه مورد آزمون و خطا واقع شده است. به همین دلیل، نمی‌توان ردی از آن را در نظر اندیشمندان صاحب‌نام یافت؛ همچنین اکثر آثاری که در خصوص قانون‌سپاری وجود دارد، گزارشی از فعالیت‌های انجام شده است، نه نظریه‌پردازی واقعی و البته، بیشتر این آثار، نه به شکل مقاله و کتاب، بلکه در صفحات فضای مجازی جای گرفته‌اند. بدین خاطر، استفاده از منابعی که حاوی گزارشی از نحوه ایجاد یا توسعه‌ی پلت‌فرم‌های قانون‌سپاری بودند نیز نتوانست روش مقاله را در این مرحله تغییر دهد، و روش مقاله در این مرحله، «مورد کاوی» است که در تقسیم‌بندی‌ها، ذیل روش‌های کیفی قرار می‌گیرد. باید سعی کرد، تا از پدیده به مفهوم رسید، و از نتیجه آن در مرحله‌ی پایانی پژوهش بهره برد.

مرحله دوم، مرور ادبیات مفهوم نمایندگی است. مطالعه آثار اندیشمندان که در این زمینه قلم فرسوده‌اند، روش حاکم بر این مرحله را «تفسیری» می‌کند. با این حال در این مرحله، بستری برای مقایسه میان نمایندگی و قانون‌سپاری نیز فراهم می‌آید. بدین ترتیب، می‌توان جایگاه نمایندگی و قانون‌سپاری را در کنار دموکراسی فهم کرد؛ دو مفهومی که ریشه در جایی به نام دموکراسی دارند. در این مرحله، می‌توان به‌شناختی از قانون‌سپاری رسید که آن را برای انجام تغییراتی جهت بومی‌سازی این محصول، آماده خواهد کرد.

### ۲-۱- روش قانون‌سپاری

قانون‌سپاری به عنوان پدیده‌ای نوظهور است که مسبوق به امواج خروشان فکری اندیشمندان نیست. اساساً جمع‌سپاری بیشتر دارای جنبه‌ی نوآوری و ابتکار است و تنها پس از ترویج و توسعه‌های فراوان، تئوریزه شده است. هم‌اکنون نیز بیشترین مقالات و یادداشت‌هایی که در خصوص این پدیده موجود است، حالت گزارشی دارد. به عبارتی، غالب پژوهش‌ها و مطالعات در این حوزه، با هدف توسعه و کاربردی‌سازی بیشتر صورت پذیرفته است و از تعمق در مبانی آن چشم‌پوشی شده است. پس وقتی سخن

از قانون سپاری به میان می‌آید، در واقع، مواجهه‌ای با یک «پدیده» ایجاد شده است. تلاش این مقاله آن است تا با ارائه تحلیلی مختصر از مفهوم قانون سپاری، آن را قابل مقایسه با تئوری نمایندگی کند، و سپس آن را در بستر دموکراسی به بوته نقد آورد. قانون سپاری پدیده‌ای نوین و مبتنی بر پدیده‌ها و روش‌هایی است که از پیش، امکان راه‌اندازی چنین پلت‌فرم‌هایی را فراهم آورده‌اند. برای درک بهتر قانون سپاری، باید جمع سپاری، شفافیت و نوآوری باز را به عنوان مبانی عملیاتی قانون سپاری مورد بررسی قرار داد.

#### ۱- نوآوری باز<sup>۱</sup>

در میانه قرن نوزدهم، شرکت‌های خصوصی برای افزودن بر توان تجاری و رقابتی خود، به سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات و توسعه خود اقدام کردند. بودجه‌های کلانی که شرکت‌ها به تحقیقات و توسعه اختصاص دادند، نشان‌گر این رویکرد در آن‌ها بود. یک شرکت خصوصی برای حفظ بقا و برتری خود، اقدامات امنیتی را به گونه‌ای لحاظ می‌کرد که هیچگونه اطلاعاتی از شرکت نشت نکند و به دست رقبا نیفتد. به این مدل نوآوری، «نوآوری بسته» گفته می‌شد. پس از چندی، چنین نتیجه‌ای گرفته شد که می‌توان از طرح‌ها و ابتکارات نوآوران و محققان استفاده کرد، بدون آن که روند قبلی در پیش گرفته شود و بودجه‌های کلانی خرج آن‌ها گردد. روش جدید بدین گونه بود که درصد استفاده از تمامی انسان‌های باهوش و مستعد بود. ایده‌های انتخاب‌شده، از افرادی بیرون سازمان خریداری می‌شد. بهترین نمونه از این روش که به «نوآوری باز» شناخته می‌شود، برگزاری برخی مسابقات است. در این مسابقات، مسأله‌ای که شرکت یا مجموعه‌ی تحقیقاتی با آن روبه‌رو است، به تمام مخاطبان ارائه می‌شود. سپس بهترین ایده‌ها انتخاب می‌شوند. نتیجه‌ها، برخلاف انتظار، غیرقابل باور است. به طوری که هزینه‌ها بسیار کاهش یافته و کیفیت ایده‌ها به حداکثر رسیده و بدین ترتیب، بهره‌وری

به حداکثر می‌رسد. با کمک این روش، می‌توان از توان تمام متخصصان استفاده کرد، و محدود به جمعی محدود نشد (حورعلی، منتظری و الیاسی، ۱۳۹۴، صص. ۶۰-۶۳). (Allio, 2005, p. 21).

## ۲- شفافیت<sup>۱</sup>

شفافیت از جمله ملاک‌هایی است که به کمک آن می‌توان حاکمیت را ارزیابی کرد. آثار شفافیت را می‌توان در بهبود تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، حذف ریشه‌های فساد، افزایش پاسخگویی مسئولان و افزایش آگاهی و فهم شهروندان و بسیاری موارد دیگر شاهد بود. شفافیت به عنوان زیرساخت اصلی ایجاد دولت و حتی پیش از آن، شکل‌گیری جامعه دانست. چرا که جامعه، حاوی تصمیماتی آگاهانه از سوی اعضای آن است و نیز پاسخگویی قشر خاصی از آن اعضا را نیز طلب می‌کند. مبارزه شفافیت با فساد، نیز باعث رشد و توسعه جامعه و بقای آن می‌گردد. شفافیت بستری برای حضور و مشارکت فعال شهروندان در انجام امور اجتماعی، شهری، سیاسی، اقتصادی و غیره است. چنانچه شفافیت وجود نداشته باشد، نه می‌توان ساختارهای مشارکتی مبتنی بر آن را ایجاد کرد و نه می‌توان انتظار همراهی از جانب مردم را داشت. به طور کلی، شفافیت روشی است که می‌توان به کمک آن در عارضه‌یابی و شناخت مسائل، در تدوین خط‌مشی و قوانین، در حل مسائل و در ارزیابی قوانین و سیاست‌ها نتایج بسیار مطلوبی کسب کرد (عبدالحسین‌زاده و ثنائی، ۱۳۹۴) (نرگسیان، جمالی، هراتی و آذری، ۱۳۹۷، صص. ۲۹۲-۲۹۳).

شفافیت در برابر پنهان‌کاری به کار می‌رود. هرچیز را که از دید عامه مردم پنهان نباشد، در اینجا می‌توان شفاف دانست. شفافیت به این معنا است که تمام تصمیماتی که توسط نهادها و مؤسسات عمومی و دولتی گرفته می‌شود بر اساس پروسه قوانین و مقررات صورت گرفته باشد و تمام اطلاعات آن به راحتی در دسترس افرادی قرار بگیرد

که از این تصمیمات متأثر می‌شوند. شفافیت یکی از اصول حکمرانی خوب است و لازمه آن آزادی اطلاعات و پاسخگویی است.

### ۳- جمع‌سپاری

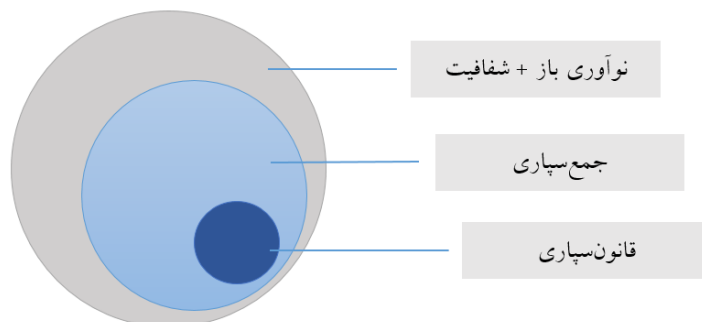
جمع‌سپاری را به نوعی می‌توان حاصل پیوند شفافیت و نوآوری باز تلقی کرد؛ چرا که این دو، زیرساخت‌های اساسی جمع‌سپاری را فراهم می‌آورند. برای تجربه یک جمع-سپاری خوب، باید بتوان یک کار را به تعداد بسیار زیادی کار و فعالیت جزئی‌تر خرد کرد، تا مشارکت‌جویان در تعداد بالا، بتوانند حضور خود را عملی سازند. جمع‌سپاری گونه‌ای از توسعه اجتماعی است که حاوی گستردگی بالایی است، به حدی که شهروندان می‌توانند، به راحتی و در نزدیکی هم به نقش‌آفرینی بپردازند

(Aitamurto, 'Crowdsourcing for Democracy: A New Era in Policy-Making', 2012, pp. 30-33).

جمع‌سپاری مدلی برای مشارکت مردمی است که در بستر اینترنت و فضای مجازی مستقر می‌شود. مشارکتی که منتهی به حل مسائل شخصی، سازمانی و مسائل عمومی خواهد شد. وصف دیگر این مشارکت این است که جمعیتی انبوه را در قالبی پویا برای حل مسائل خود در اختیار دارد. در بطن انبوهی جمعیت آن چه که مدنظر است، خرد جمعی است. اتکا به خرد جمعی، هسته اصلی مدل‌های مبتنی بر جمع‌سپاری است. پیشینه بهره‌برداری از جمع‌سپاری در فعالیت‌های مالی است که سود فراوانی را برای صاحبان فعالیت‌ها به ارمغان می‌آورد

( Pedersen, Kocsis, Tripathi, & Tarrell, 2013, p. 9) .

قانون‌سپاری را می‌توان در انتهای سیری از نوآوری باز و شفافیت تا جمع‌سپاری دانست.



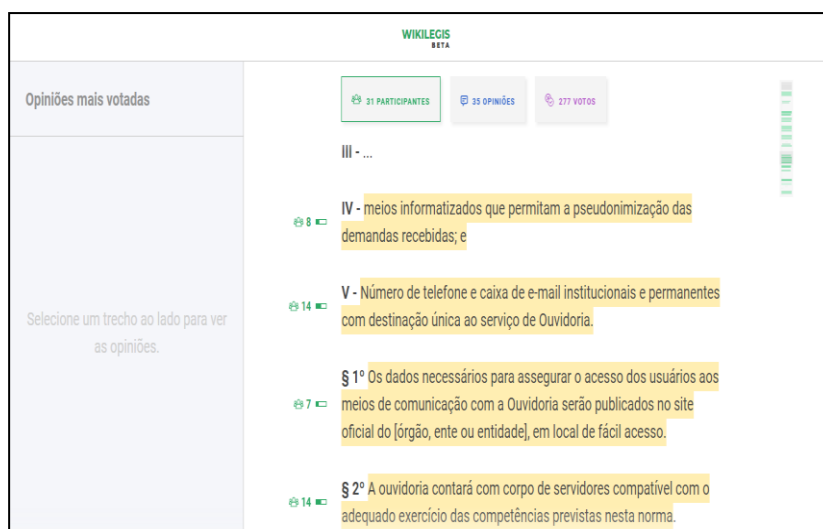
تصویر ۱- قانون‌سپاری، نمونه‌ای از محصولات جمع‌سپاری و زیرساخت‌های آن

#### ۴- قانون سپاری

جمع سپاری در حوزه‌های مختلف، از نظارت و بودجه‌ریزی تا تأمین مالی و غیره ورود داشته است. یکی از این حوزه‌ها، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری است که در این حوزه، به «قانون‌سپاری» شناخته می‌شود. قانون‌سپاری جایگزینی است برای روش‌های پیش از خود، در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری. در روش‌های پیشین، مرجع سیاست‌گذار یا قانون‌گذار برای تهیه پیش‌نویس موردنظر خود به عده‌ای از استادان و پژوهشگران سفارشی ارائه می‌کرد. این روش، علاوه بر آن که به عده‌ای خاص این امکان را می‌دهد تا همیشه قوانین و سیاست‌ها را با رویکردی خاص تدوین، و احتمالاً دست رقا را از تدوین پیش‌نویس کوتاه کنند، به‌علاوه به‌طور ناخواسته‌ای قدرتی بی‌منشأ را برای آنان به همراه داشت و درصد تشکیل گروه‌های ذی‌نفوذی که جایگاه قانونی ندارند، بالا رفته و در آستانه‌ی ایجاد فساد قرار می‌گرفت (رنجبر، ۱۳۸۴، صص. ۴۲۵-۴۲۸). از دیگر معایب این‌گونه تهیه پیش‌نویس، هزینه‌های بالای این روش است. برای هر طرح و پیش‌نویسی، بایستی مبالغی هنگفت اختصاص یابد. در عرصه اجرا، مشکلات دوچندان خواهد بود. استادان و پژوهشگرانی که مورد انتخاب مراجع قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری واقع شده‌اند، اغلب آن‌قدر به‌نام مشهور هستند که فرصتی برای نگارش دقیق متن پیش‌نویس ندارند و غالباً این کار را به دانشجویان دکتری خود واگذار می‌کنند. همچنین مدت تهیه پیش‌نویس نیز بسیار طولانی است و از دیگر معایب است (عبدالاحد، و غیره، ۱۳۹۷، صص. ۴۲-۴۵).

از سویی، در روش مبتنی بر جمع‌سپاری، یعنی قانون‌سپاری، نه‌تنها معایب فوق مرتفع می‌گردد، بلکه دستاوردهای فراوانی با به‌کار بسته‌شدن این روش به‌دست خواهد آمد. هیچگاه گروهی خاص بر مسند قانون‌گذاری یا سیاست‌گذاری مسلط نخواهند بود و نمی‌توان رویکردی خاص را به پیش‌نویس تدوین‌شده نسبت داد؛ بلکه، عموم ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران و عامه مشارکت‌جویان می‌توانند دیدگاه‌های خودشان را بیان دارند. در قانون‌سپاری، قراردادی برای تدوین پیش‌نویس بسته نمی‌شود، بلکه جایزه‌ای

برای بهترین پیش‌نویس(ها) در نظر گرفته می‌شود و این جایزه، هزینه به‌مراتب کمتری نسبت به آنچه را که یک قرارداد به دولت تحمیل می‌کند، در بردارد. مشارکت‌جویان هیچ‌گاه نسبت به نگارش جملات و حتی واژگان پیش‌نویس، سهل‌انگاری نخواهند کرد، چرا که مستقیماً منافع و منابع آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. علاوه بر آن در این روش، می‌توان از تمام مزایای موجود در خرد جمعی بهره برد، نظیر: تجارب، اندوخته‌های پراکنده دانش، منافع اقشار مختلف و غیره (Aitamurto، Collective Intelligence in Law Reforms: When the Logic of the Crowds and the Logic of Policymaking Collide، 2016، p.2784). قانون‌سپاری به دلیل مشارکت بخشیدن به شهروندان، آنان را در مسائل و امور حیاتی و مهم جامعه دخیل می‌کند، و این دخالت<sup>۱</sup>، منجر به رشد آگاهی‌ها و شعور سیاسی-حاکمیتی آن شهروندان خواهد شد.



شکل ۱- تصویری از مشارکت شهروندان برزیلی در پلت‌فرم Wikilegis و ویژگی‌های آن

**موردکاوی؛** نکته‌ی اساسی دیگر در مورد قانون‌سپاری، قرارگرفتن آن بر بستر فضای مجازی، در قالب پلت‌فرم<sup>۱</sup> است. به‌عنوان مثال Wikilegis<sup>۲</sup> به‌عنوان خدمتی از سوی پارلمان برزیل، در مجموعه خدمات اینترنتی e-Democracia ارائه می‌شود. شهروندان برزیلی می‌توانند با ورود به این پلت‌فرم (سایت)، نظرات خود را در مورد تمام طرح‌هایی که به تفکیک در صفحه‌ی نخست این سایت قرار دارد، ابراز دارند. هر شهروند می‌تواند پیش‌نویس قوانین و طرح‌های موجود را ببیند، نظرات و پیشنهادهای خود را به روی هر پیش‌نویس ثبت کند و در فرآیند قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری کشور خود شرکت کند. با بازکردن صفحه مربوط به پیش‌نویس هر یک از طرح‌ها و لوایح و سیاست‌ها، می‌توان در متن آن تغییر به‌وجود آورد و نظر خود را به صورت کلی بیان کرد. یکی از قابلیت‌های این پلت‌فرم، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نظرات شهروندان است. بدین ترتیب، یک نماینده می‌تواند تمام نظرات را به سرعت بررسی کند و در جلسات مربوطه از آن استفاده کند (مرتب، ۱۳۹۶).

در نتیجه می‌توان قابلیت‌های یک پلت‌فرم قانون‌سپاری را در این خلاصه کرد که تمام ابتکارات مردمی در سطح پیش‌نویس، جمع‌آوری خواهد شد و احتمال تبدیل این نوآوری‌ها به قانون، وجود خواهد داشت. این ابتکارات می‌تواند از ایده شروع یک پیش‌نویس تا مهر ختام یک پیش‌نویس را در برگیرد؛ مراحل از قبیل: پیشنهاد ایده کلی قانون، تصحیحات ظاهری در لغات، اصطلاحات، عبارات، جملات و بندها و ماده‌ها و تبصره‌ها و یا توضیحات، افزودن یا کاستن از متن پیشنهادی، بیان نظر کلی، گفت‌وگو با سایر مشارکت‌جویان و اعلام نظر مثبت یا منفی در خصوص کلیت طرح و غیره. در این صورت، امکان استفاده یک‌جا از دانش‌ها و تجربیات پراکنده در میان مردم به‌وجود

---

1 - Platform

2 Wiki Legislation - مخفف



خواهد آمد. کارایی یک پلت‌فرم به میزان زیادی وابسته به سطح برنامه‌نویسی آن است؛ سطوحی از قبیل وب<sup>۱۲</sup> و وب<sup>۳</sup>.

مثالی دیگر از پلت‌فرم‌های قانون‌سپاری LegislationLab پایگاهی اینترنتی است. علت تأسیس این پلت‌فرم این است که شهروندان بتوانند در فرایندهای قانون‌گذاری سهیم باشند. Legislation Lab به عنوان بستری برای تشویق مردم به آگاهی یافتن از قوانین و نقش‌آفرینی در قانون‌گذاری مطرح شده است. این پلت‌فرم در پی ارائه راه‌های دسترسی آسان به قانون‌گذاری است. به علاوه، برای جمع‌آوری بازخوردهای مردمی نیز مهیاست. در این پلت‌فرم، اطلاعات کاربران پردازش شده و میزان مشارکت در اقشار مختلف اعم از زن و مرد و یا به تفکیک بازه‌های سنی و مناطق جغرافیایی و یا صاحبان مشاغل گوناگون قابل‌رؤیت است. شهروندان می‌توانند هرگونه تغییری در متن‌های پیشنهادی اعمال کنند، از جمله: تغییر در واژگان، اصطلاحات، عبارات، جملات و همچنین مواد پیش‌نویس قانون، بحث‌هایی چندجانبه پیرامون مواد قانونی و نظردهی، حاشیه‌نویسی بر پیش‌نویس و بیان دیدگاه‌ها، تعیین قسمت‌های ویژه، پیشنهاد جایگزین‌های مدنظر و غیره (حاکمی، ۱۳۹۶).



شکل ۲- نمایی از پلت‌فرم Legislation Lab

- ۱- در وب<sup>۲</sup>، کاربران می‌توانند شخصا محتوایی را به‌وجود آورند، و به محتوای خود نظم و سامان بخشند، اطلاعات و دانش خود را با دیگران سهیم شوند یا تبادر به انتقاد و پیشنهاد ورزند.
- ۲- در وب<sup>۳</sup>، یک ماشین می‌تواند همانند یک انسان محتوا را خوانده، تحلیل و طبقه‌بندی نماید، در آن به کاوش و جستجو پردازد و نتایجی با دقت بیشتر را ارائه دهد.

نتیجه آن که، قانون‌سپاری را می‌توان تجلی مشارکت<sup>۱</sup> و همکاری مردم در حکومت-داری دانست؛ مشارکتی که نقش واسطه‌ها را به حداقل رسانده و شهروندان یک دولت را قادر به آن می‌سازد تا نظرات و اراده‌ی خود را مستقیماً اعمال کنند، بدون آن که شائبه‌ی اعمال نظرات شخصی نمایندگان وجود داشته باشد. بدین ترتیب، ادعا می‌شود تبلور دموکراسی مستقیم در عصر فضای مجازی «قانون‌سپاری» است. لذا تعاملات اجتماعی در زمینه‌ی سیاسی به گونه‌ای سامان‌یافته‌تر شکل می‌گیرد و دولت‌ها، مستقیماً پاسخگوی شهروندان خود خواهند بود و این‌ها، آرمان دموکراسی‌خواهان را به تحقق نزدیک‌تر می‌کند. پس مطابق این مدعا، این قانون‌سپاری است که تطابق بیشتری با نظریه اصیل و متقدم دموکراسی، دموکراسی مستقیم، داشته و با هم‌افزایی مستقیمی بقای خود و دموکراسی مستقیم را تداوم می‌بخشد.

#### ۴- پیشنهادی برای الگوی بومی قانون‌سپاری

در جوامع اسلامی، مردم به دنبال پیشبرد اهداف دینی‌اند که متأثر از اسلام است. لذا، باید وجود تفاوت‌هایی میان الگوی بومی‌شده پلت‌فرم قانون‌سپاری و سایر الگوهای موجود را پذیرفت. لذا برای به کار بستن محصول چنین تفکری، باید حداقل تغییراتی در آن ایجاد کرد که سازگاری بیشتری داشته باشد. از آنجا که در نظام جمهوری اسلامی (و به طور کل، جوامع مسلمان)، فرض بر آن است که مردم مسلمان به دنبال حرکت در مسیر تحقق اسلام هستند، لذا می‌توان در مدل بومی پلت‌فرم‌های قانون‌سپاری، به ایده‌ها و نکته‌ها و غیره که دارای سنخیت بیشتر با معارف اسلامی است، اهمیت بیشتری داد. به طوری که در صورت همخوانی ایده با معارف اسلامی (شامل آیات، روایات معصومین (علیهم‌السلام)، اندیشه صاحب‌نظران اسلامی، رهنمودها و مطالبات رهبران انقلاب اسلامی و مواردی از این قبیل) از امتیاز بیشتری برای دیده‌شدن در پلت‌فرم و نیز، انتخاب شدن بهره‌مند می‌شود. اولویت‌بخشی به مشارکت‌های کاربران، امری متداول در این پلت‌فرم‌ها است و از آن به عنوان

<sup>۱</sup> - Engagement

بازی‌وارسازی<sup>۱</sup> یاد می‌شود. به کمک بازی‌وارسازی می‌توان مشارکت و دسترسی کاربران را سامان بخشید و کنترل کرد. همچنین با این روش، می‌توان جذابیت‌هایی ایجاد کرد تا کاربر مشارکت‌جو، در مسیری جذاب‌تر به ایفای نقش خود بپردازد. آخرین ویژگی الگوهای بازی‌وارسازی نیز توان عملیاتی کردن ارزش‌ها است. در اینجا، ارتباط هرچه وثیق‌تر با منابع اسلامی را می‌توان با استفاده از این الگوها عملیاتی کرد. پر واضح است که در مرحله‌ی تصمیم، عالمانه بودن مشارکت، حائز اهمیت است. لذا، در الگوی بومی قانون‌سپاری، عالمانه بودن و معقولیت مشارکت از اولویت برخوردار است؛ یعنی دیدگاه‌ها و نظرانی که دارای پشتوانه‌های عقلانی و دینی باشند، دارای اولویت خواهند بود. با بهره‌گیری از روش‌های بازی‌وارسازی می‌توان اولویت مشارکت‌های برخوردار از پشتوانه‌های علمی و متنعم از عقلانیت و انگیزه‌های دینی را محقق کرد. با بهره‌گیری از بازی‌وارسازی می‌توان قواعدی را در امکانات موجود در پلت‌فرم‌ها ایجاد کرد. برای مثال، نظرانی که از پشتوانه‌های علمی و دینی بیشتری برخوردار باشند، بیشتر دیده خواهند شد و در نتیجه نهایی مشارکت، تأثیری تعیین‌کننده‌تر خواهند داشت.

در واقع می‌توان با برخی گرده‌بردارها از آموزه‌های اسلامی، به بازسازی تئوریک جنبه‌هایی از جمع‌سپاری و به تبع آن، قانون‌سپاری همت گماشت. از جمله تعالیم اسلام که ارتباطی با موضوع پژوهش حاضر دارد، می‌توان به شورا و مشورت اشاره کرد. مسأله‌ی شورا، یکی از دقیق‌ترین و در عین حال، بحث‌انگیزترین موضوعاتی است که پیوند تنگاتنگی با بعضی از مهمترین مسائل از قبیل: امامت، حکومت، رهبری و قانون‌گذاری اکثریت مسلمانان داشته و دارد (خان محمدی و جعفری، ۱۳۹۷، ص. ۳۰). در این میان، دو آیه قرآن کریم نظر بسیار از اندیشمندان این حوزه را جلب کرده است که عبارتند از «و شاورهم فی الامر» (آل عمران: ۱۵۹) و نیز «و امرهم شوری بینهم» (شوری: ۳۸). شورای مسلمین در خصوص مسائلی است که حکم آن را نمی‌توان در

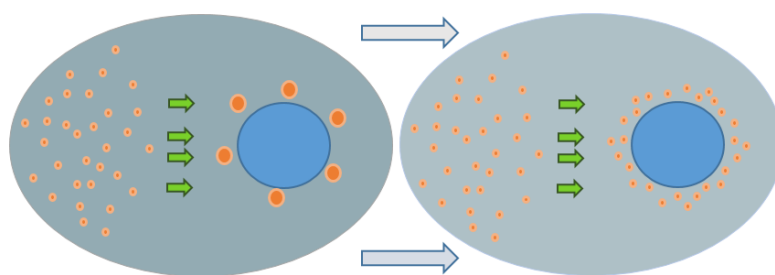
---

<sup>۱</sup> - Gamification

قرآن و سیره معصومین سلام الله علیهم اجمعین یافت. همچنین امکان دارد که شور و مشورت در خصوص نحوه اقامه حکم الهی یا عملیاتی ساختن دستورات دینی باشد. یکی از مزایای شورا در جامعه اسلامی عبارت است از ایجاد آمادگی در میان اعضای جامعه در جهت تحقق اوامر و فرمان‌های دینی. این بدان دلیل است که با انجام صحبت و گفتگو پیرامون یک مسأله، توجهات به آن جلب می‌شود و به تدریج زمینه‌ی اجرایی‌سازی آن فراهم می‌آید. همچنین، مسئولیت اجتماعی نیز یکی از مسائلی است که در تبیین و توصیف جامعه اسلامی، مورد اهتمام و توجه بوده است. چرا که منابع اصیل اسلامی همواره بدین اصل، رهنمون بوده‌اند. از آن جا که در قرآن کریم امت‌ها و گروه‌های انسانی دارای اثر برشمرده شده‌اند، می‌توان دریافت که در ادبیات دینی، اصالت داشتن جامعه امری پذیرفته شده است. این بدان معناست که امت (یا جامعه) دارای وجودی عینی است که آن را دارای سرنوشت، شعور، فهم، طاعت و عصیان و امثالهم می‌کند. در چنین جامعه‌ای، انسان در برابر خود، خانواده و اجتماع مسئول است (حاجی‌زاده و آورجه، ۱۳۹۳، صص. ۱۳۱-۱۴۵). پدیده‌هایی همچون جمع‌سپاری و قانون‌سپاری را می‌توان دارای برخی ویژگی‌ها دانست که آن را به دو مؤلفه فوق نزدیک می‌کند. بدین ترتیب، نقش‌آفرینی مشارکت‌جویان را می‌توان بر اساس انجام شور و مشورت و نیز ایفای مسئولیت اجتماعی دانست.

### نتیجه‌گیری

«قانون‌سپاری» پدیده‌ای فراگیر و برپایه دموکراسی مستقیم است که شاهد اقبال اندیشمندان و عامه مردم بوده است. پارلمان‌ها می‌توانند از کمک پلت‌فرم‌های قانون‌سپاری بهره‌مند شوند. البته می‌توان احتمال داد که قانون‌سپاری، در مواردی جایگزین صلاحیت «قانون‌گذاری» هم بشود و از صرف تهیه و تدوین پیش‌نویس فراتر رود. این به آن دلیل است که قانون‌سپاری از اندیشه‌های مربوط به دموکراسی مستقیم برخاسته است. البته جوامع مختلف حاوی دیدگاه‌های مختلفی درخصوص پارلمان‌اند. لذا نمی‌توان پارلمان را در آینده نادیده گرفت. بدین ترتیب اگر با قانون‌سپاری تصویب قانون نیز انجام شود و نتوان کارکرد خاصی برای پارلمان یافت، باز هم به‌سختی می‌توان پارلمان را حذف‌شده فرض کرد. اما کارکردهای پارلمان نیز پرشمار است.



تصویر ۲- گذار دموکراسی از نمایندگی به قانون‌سپاری

اکثر فرایند قانون‌گذاری در پارلمان انجام می‌شود؛ مخصوصاً «تصویب». تصویب یک پیش‌نویس، یعنی الزام‌آور شدن و شروع اجرایی ساختن آن دستور. این، همان معنای قانون‌شدن است. در معنای کلی‌تر، قانون‌شدن، یعنی مشروعیت‌یافتن. مشروعیت-بخشیدن نیز از کارکردهای نظام حقوقی است. با قانون‌شدن یک پیش‌نویس، چیزی که تا پیش از این تنها یک «نوشته» بود، تبدیل به قسمتی از یک نظام حقوق می‌شود.

قانون‌سپاری می‌تواند علاوه بر تهیه‌ی پیش‌نویس، رأی‌گیری و حتی تصویب را نیز متقبل گردد؛ چرا که مطابق نظریه دموکراسی مستقیم است. اما هیچ‌گاه نمی‌توان نظر عامه‌ی مردم را در خصوص نظام حقوقی مجری دانست؛ چرا که تنها حقوقدانان از پس این کار برمی‌آیند. عامه‌ی مردم، دانش لازم برای دست‌بردن و یا افزودن و کم‌کردن در نظام حقوقی را ندارند. پس باید در مشارکت مردم، تفکیکی میان مرزهای دسترسی آنان به تصویب قوانین دلخواه و حفظ نظام حقوقی ایجاد کرد.

کارکرد دیگر پارلمان، شأن نظارتی آن است. بدین ترتیب، پارلمان صلاحیت‌های پرشماری برای نظارت در تمام قسمت‌های حکومت دارد. کنترل پارلمانی عهده‌دار بررسی میزان اجرایی‌شدن قواعد و نرم‌هایی است که پیش‌از این در مجلس تصویب شده‌اند و بدین ترتیب، یکی دیگر از جلوه‌های حاکمیت مردمی تجلی خواهد یافت.

نظارت پارلمانی در نظام‌های پارلمانی با سهولت بیشتری نسبت به نظام‌های ریاستی انجام می‌پذیرد. از جمله ابزارهای پارلمان در شأن نظارتی می‌توان به استیضاح و رأی اعتماد یا عدم اعتماد، تصویب مصوبات سانسور دولت و همچنین طرح سؤال از وزیران و رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر اشاره کرد. با این حال، قانون‌سپاری نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای انجام فعالیت‌های مرتبط با نظارت پارلمانی باشد و نهایتاً نمی‌توان شأن نظارت پارلمان را به آن واگذار کرد. در نتیجه، دو کارکرد اساسی پارلمان را می‌توان قانون‌گذاری و نظارت دانست که قانون‌سپاری به صورت مستقیم به بهبود فرایند قانون‌گذاری منجر می‌شود و به نحوی غیرمستقیم، بر فرایند نظارت تأثیر می‌گذارد.

آن چه در استفاده از قانون‌سپاری باید محل توجه قرار گیرد، اعمال پاره‌ای تغییرات است که آن را مناسب استفاده در جامعه و نظام اسلامی می‌سازد. با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی می‌توان این تغییرات را اعمال کرد و الگوهای قانون‌سپاری را مورد بازسازی و مناسب‌سازی قرار داد. چنین امری، به بومی‌تر شدن دستاوردهای جوامع غربی کمک می‌کند. شورا و مشورت، نخستین آموزه‌ای است که چنین امری را تسهیل می‌سازد. همچنین، اهتمام به مسئولیت اجتماعی اعضای جامعه اسلامی در قبال یکدیگر نیز می‌تواند به نفع این تغییرات باشد. استفاده از ظرفیت‌های بازی‌وارسازی نیز می‌تواند کاربران و مشارکت‌جویان در پلت‌فرم‌ها را به سمت اهداف از پیش تعیین‌شده سوق دهد؛ این موارد را می‌توان منطبق بر ارزش‌ها طراحی کرد. برای مثال می‌توان شاخصی نظیر میزان بهره‌گیری از معارف کتاب و سنت معصومین (علیهم‌السلام) را ملاک قرار داد. در نهایت باید چنین گفت که قانون‌سپاری به نحوی به افزایش مشارکت منتهی می‌شود که می‌توان آن را دارای مقادیر فراوانی از همسویی با اندیشه‌های اسلامی تلقی کرد.

### کتابنامه

۱. آهنگران، م. و صادق پور، م. (۱۳۹۳). بررسی و نقد نظریه وکالت در عرصه ماهیت نمایندگی مجلس. پژوهش‌های فقهی، ۷۰۷-۷۳۰.
۲. استوارت میل، ج. (۱۳۸۹). حکومت انتخابی. (علیه‌السلام) رامین، Trans، تهران: نشر نی.
۳. بیثام، د. (۱۳۹۰). مشارکت شهروندان در روند قانون‌گذاری. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
۴. جلائی، م. (۱۳۸۰). مقومات دموکراسی. بازتاب اندیشه، ۴۷-۵۴.
۵. جلائی، م. (۱۳۸۰). مقومات دموکراسی. بازتاب اندیشه، ۴۷-۵۴.
۶. جواهری طهرانی، م. (۱۳۹۴). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی؛ بررسی مفهوم «نمایندگی سیاسی». تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان.
۷. حافظ‌نیا، م.، قالیباف، م. و ملاحسینی اردکانی، ر. (۱۳۹۱). قابلیت‌های فناوری اطلاعات در اجرای دموکراسی مستقیم. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۲۳-۱۵۴.
۸. حاکمی، م. (۱۳۹۶، ۱۳۰۵). معرفی سایت Legislation Lab؛ کارگاهی برای قانون‌نویسی. Retrieved from <http://blog.tp.ir/post/4>: ۵۲۹
۹. حورعلی، م.، منتظری، ع. و الیاسی، م. (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت‌بندی اصول مورد نیاز برای بهبود فضای نوآوری بنگاه‌های دفاعی ایران با رویکرد باز. مدیریت نوآوری، ۵۷-۸۶.
۱۰. دانلی، ج. (۱۳۸۱). دموکراسی، توسعه و حقوق بشر. راهبرد، ۵۱-۷۸.
۱۱. رنجبر، ا. (۱۳۸۴). نقش لابیگری در فرایند قانون‌گذاری و امکان قانونمند کردن آن. مجلس و راهبرد، ۴۲۳-۴۳۶.
۱۲. شیرازی، ع. (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای جایگاه مشورت در نظریه‌های مردم‌سالاری دینی و دموکراسی مشورتی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۸۹-۱۱۰.
۱۳. عبدالاحد، ع.، درویشوند، ا.، حسینی پور اردکانی، س.، ناظمی، ح.، راجی، س. و بهادری جهرمی، ع. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۴. عبدالحسین زاده، م. و ثنائی، م. (۱۳۹۴). توانمندسازی خط‌مشی‌های عمومی، با رویکرد شفافیت و مشارکت. نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۱۵. قاضی شریعت پناهی، س. (۱۳۹۲). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: میزان.
۱۶. قلی پور، آ. و پیران نژاد، ع. (۱۳۸۷). ارتقای اعتماد عمومی و دموکراسی الکترونیکی: تبیین نقش دولت الکترونیک. مدرس علوم انسانی، ۲۱۹-۲۵۶.
۱۷. کیا، ع. و عبدالله، ع. (۱۳۸۸). دموکراسی در فضای وب؛ زمینه‌ها و چالش‌ها. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۴۶-۱۵۵.
۱۸. لاگین، م. (۱۳۹۳). مبانی حقوق عمومی (چهارم) ed، تهران: نی.
۱۹. مرتب، ی. (۱۳۹۶، ۲۳۰۳) WikiLegis، بستری برای مشارکت مردم در فرآیند قانون گذاری برزیل Retrieved from <http://blog.tp.ir/post/4/75>
۲۰. نرگسیان، ع.، جمالی، ق.، هراتی، م. و آذری، ح. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط فساد و اعتماد در رابطه بین شفافیت و رضایت شهروندان. نشریه مدیریت دولتی، ۲۸۹-۳۱۰.
۲۱. نوری، م. و توسلی رکن‌آبادی، م. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی اندیشه‌ها هابز، لاک و راولز در پرتو موقعیت فرضی قرارداد اجتماعی. پژوهش سیاست نظری، ۱۱۱-۱۵۱.
۲۲. هوثرتا، ا. (۱۳۹۵). ۱۰۰ سال دگر؛ اقتصاددانان پیشرو آینده را پیش‌بینی می‌کنند In صد سال دگر (آ. پورابراهیمی، Trans.، ۳۵-۳۲pp) تهران: کارآفرین.
۲۳. وحیدی منش، ح. (۱۳۹۳). دموکراسی و اخلاق لیبرالی. معرفت سیاسی، ۷۹-۱۰۲.
۲۴. ویژه، م. (۱۳۸۷). نمایندگی یا وکالت (اشتراک و افتراق نهاد «نمایندگی» و «وکالت»). خردنامه همشهری، ۷۸.
25. Pedersen, J., Kocsis, D., Tripathi, A., & Tarrell, A. (2013). Conceptual Foundations of Crowdsourcing: A Review of IS Research. 2013 46th Hawaii International Conference on System Sciences, (pp. 579-588). Hawaii.
26. Aitamurto, T. (2012). Crowdsourcing for Democracy: A New Era in Policy-Making. Publication of the Committee for the Future, Parliament of Finland.
27. Aitamurto, T. (2016). Collective Intelligence in Law Reforms: When the Logic of the Crowds and the Logic of Policymaking Collide. System Sciences, (pp. 2780-2789). hawaii.



28. Aitamurto ،T. ،& Landemore ،H. (2015). Five design principles for crowdsourced policymaking: Assessing the case of crowdsourced off-road traffic law in Finland. *Journal of Social Media for Organizations* ،1-19.
29. Allio ،R. (2005). Interview with Henry Chesbrough: innovating innovation. *Strategy and Leadership* ،19-24.
30. Clark ،S. ،Morris ،M. ،& Lomax ،N. (2018). Estimating the outcome of UKs referendum on EU membership using e-petition data and machine learning algorithms. *Journal of Information Technology & Politics* ،1-14.
31. Dimba ،M. (2018 ،March 22). CrowdLaw as a tool for open governance. Retrieved from GovLab Blog: <http://thegovlab.org/crowdlaw-as-a-tool-for-open-governance/>
32. Farina ،C. ،Epstein ،D. ،Heidt ،J. ،& Newhart ،M. (2012). Knowledge in the People: Rethinking "Value" in Public Rulemaking Participation. *Wake Forest* ،1185.
33. Find out more about e-petitions. (n.d.). Retrieved from UK Parliament: <https://www.parliament.uk/get-involved/sign-a-petition/e-petitions/>
34. Friess ،D. (2015). Online Deliberation Complete. *International Communication Association Conference* ،(pp. 1-38). Puerto Rico.
35. Gerber ،E. ،& Morton ،R. (1998). Primary election systems and representation. *Journal of Law ،Economics & Organization* ،304-324.
36. HanYou ،K. ،KyuLee ،J. ،Kang ،H. ،& Go ،E. (2015). Participatory or deliberative democracy? Exploring the mediation effects of perceived online deliberation and online interactive activities on social outcomes. *Telematics and Informatics* ،205-214.
37. Miller ،D. (2003). *Political Philosophy: A Very Short Introduction*. (ک. . Trans.) New York: Oxford University Press.
38. Newhart ،M. ،& Brooks ،J. (2017). Barriers to Participatory eRulemaking Platform Adoption: Lessons Learned from RegulationRoom. *Cornell e-Rulemaking Initiative Publications* ،1-28.
39. Noveck ،B. (2018). CrowdLaw: Collective Intelligence and Lawmaking. *Analyse & Kritik* ،359-380.
40. Pfoser ،D. ،Crooks ،A. ،& Jenkins ،A. (2015). Crowdsourcing urban form and function. *International Journal of Geographical Information Science* ،720-741.



## الگویابی ساختاری - تفسیری از عوامل درک فناوری به عنوان یک سیستم دانشی عمل‌پذیر در صنعت مطبوعات

مهدی حمزه پور \*

عارفه‌السادات نصراللهی \*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

### چکیده

مفهوم فناوری در حال تغییر از فناوری با زمینه محدود به فناوری با زمینه گسترده و از فناوری سخت به فناوری نرم است. در پرتو درک فناوری به عنوان یک سیستم دانشی عمل‌پذیر، می‌توان گفت انواع مختلف دانش، مبنا و زمینه را برای انواع مختلف فناوری نرم ایجاد می‌کند. تحقیقات فناوری نرم می‌تواند در نظام‌های فرهنگی مختلفی جای گرفته و توسعه پایدار و تحقیقات میان‌رشته‌ای را ترویج دهد تا به آگاهی‌های گسترده و راهکارهای اثربخش برای حل مسائل جهانی، ملی، سازمانی و فردی دست یابیم؛ حال پژوهش حاضر به دنبال استخراج عناصر اصلی پذیرش فناوری نرم در صنعت مطبوعات به منظور ارائه بستری اطمینان‌بخش برای استقرار فناوری نرم است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی - بنیادی بوده و با رویکرد ترکیبی انجام شد. در بخش کیفی، از روش تحلیل مضمون و در بخش کمی، از روش ساختاری - تفسیری استفاده کرده است. جامعه پژوهش در بخش کیفی خبرگان سازمانی و دانشگاهی صنعت مطبوعات و در بخش کمی مدیران و کارشناسان ارشد حاضر در مؤسسه مطبوعاتی ایران بودند. در گام اول پژوهش، پس از مصاحبه با ۱۱ نفر از خبرگان و فعالان حوزه رسانه و فناوری و رسیدن به اشباع نظری و تحلیل و بررسی مصاحبه به روش تحلیل مضمون، ۱۰۵ مضامین پایه و ۳۲ مضامین سازمان‌دهنده و در نهایت ۹ مضمون فراگیر شناسایی شد. در گام دوم پژوهش با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM)، بعد از تکمیل پرسشنامه مدل ساختاری-تفسیری (ISM) توسط ۱۱ نفر از مدیران و کارشناسان حاضر در مؤسسه مطبوعاتی ایران و تحلیل پرسشنامه‌ها در نرم‌افزار MATLAB، موقعیت، میزان اهمیت، اثرگذاری (نفوذ) و اثرپذیری (وابستگی) عناصر استخراج شده در پنج سطح ارائه شد؛ که در سطح اول انگیزش و نگرش مثبت نیروی انسانی، در سطح دوم تحول‌گرایی سیستم مدیریت، در سطح سوم پویایی ساختار سازمانی، توانمندسازی منابع انسانی و گستردگی شبکه ارتباطات داخلی و خارجی، در سطح چهارم رقبا و متغیر بودن محیط، یادگیرنده بودن فرهنگ سازمانی و مشتری محور بودن استراتژی سازمان و در نهایت در سطح پنجم ماهیت کاربردی پذیرش فناوری نرم شناسایی شده است.

**واژگان کلیدی:** فناوری نرم، مدل‌سازی ساختاری - تفسیری (ISM)، سیستم دانش، صنعت مطبوعات.

---

\* عضو هیأت علمی گروه مدیریت صنعتی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، جمهوری اسلامی ایران، (نویسنده مسئول).  
m.hamzehpoor@isu.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد، مدیریت رسانه، دانشگاه سوره، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، تهران، جمهوری اسلامی ایران.  
arefeh.s.nasrollahi@gmail.com

#### مقدمه

امروزه رسانه‌های اجتماعی در کلیه سطوح زندگی روزمره نفوذ کرده‌اند (Allard, 2014)؛ بر نحوه تعامل با دوستان، همکاران و مشتریان و حتی مسائل اجتماعی، سیاسی تأثیر می‌گذارند (جهانشاهی، ۱۳۹۴). در میان این رسانه‌های اجتماعی نه تنها باعث بهبود جنبه‌های عملکردی می‌شوند، بلکه جنبه‌های اجتماعی عاطفی مانند ارتباطات، اعتمادسازی و تقویت ارتباطات میان اعضای شبکه‌های اجتماعی را بهبود می‌بخشند (تقوی و همکاران، ۱۳۹۶). اولین و مهم‌ترین عنصر در پیشرفت و به‌کارگیری رسانه اجتماعی، درک روشن از نیازها و دغدغه‌های سازمان و استفاده‌کنندگان از خدمات در بستر رسانه اجتماعی است (بخشی و پیش‌نمازی، ۱۳۸۹). وجود رسانه‌های اجتماعی سازمانی در دنیای امروز نشانه آزادی بیان و اندیشه و سنگری محکم برای دفاع از حقوق کارکنان است و احساس مسئولیت آن موجب بیداری جامعه و پاسخ‌گویی سازمان‌ها خواهد شد (بیابانی، ۱۳۹۶).

رسانه‌های اجتماعی سازمانی در حقیقت خود، سازمان‌هایی پیچیده و نهادهای مهم اجتماعی هستند که با مخاطب سازمان‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حوادث به‌طور وسیع و گسترده در تعامل هستند (Monika, 2014). رسانه‌های اجتماعی در کلیه سطوح زندگی روزمره نفوذ کرده و تعریف جامعه و رسانه را تغییر داده‌اند. رسانه‌های اجتماعی در سازمان بر نحوه تعامل با دوستان و همکاران و حتی مسائل اجتماعی، سیاسی تأثیر می‌گذارند (Hinton, 2013). مدیران رسانه باید همواره با آینده‌نگری، محیط رسانه‌ای را به‌خوبی مورد تحلیل قرار دهند و از روندها و تغییرات پیش‌رو، اطلاعات دقیق حاصل کنند تا بتوانند برای منطبق کردن سیاست‌ها و راهبردهای رسانه‌ای با شرایط آینده برنامه‌ریزی کنند (فرهنگی، ۱۳۸۸). با توجه به تغییرات ژرفی که انفجار اطلاعات در ابعاد زندگی انسان به وجود آورده است، بی‌شک در ماهیت رسانه‌ها و چگونگی اداره آن‌ها تغییرات ژرفی رخ خواهد داد.

بشر هزاران سال در حال ایجاد، استفاده و کسب منفعت از فناوری نرم بوده است. باوجوداین، فناوری نرم به‌ندرت به‌طور سیستماتیک و آگاهانه به‌عنوان شکلی از فناوری توسعه یافته است. به دلیل تأثیر زیاد صنعتی شدن، دستاوردهای درخشان علوم طبیعی و فناوری و دستیابی مفرط به ثروت مادی موجب شده است که تأکید زیادی بر فناوری «بازسازی» و کنترل طبیعت صورت پذیرد و نهایتاً باعث شده از انجام تحقیقات کافی در خصوص فناوری‌هایی که دربرگیرنده خود بشر و رفتارهای انسانی هستند غافل شویم؛ به‌علاوه تا حدی که فناوری نرم به رسمیت شناخته‌شده، به‌نوعی به‌عنوان یک عامل غیر فناوری به تصویر کشیده شده یا در دهه‌های اخیر از آن به‌عنوان جعبه سیاهی یاد شده که همه‌چیز را تحت پوشش قرار می‌دهد. این کوتاهی در درک ماهیت راستین فناوری‌های نرم ما را از فهم و رفع چالش‌های پیش‌روی بشر در جامعه مدرن بازداشته است (حمزه‌پور و خطیبی، ۱۳۹۷).

انجام هر کاری در سازمان، مستلزم یک فناوری و یک سیستم اجتماعی است. فناوری، ابزار، فنون، رویه‌ها، مهارت‌ها، دانش و شیوه‌های مورد‌استفاده‌ی کارکنان برای انجام مشاغلشان را در برمی‌گیرد. فناوری یک سیستم دانش عملی است که عمدتاً از دانش علوم طبیعی نشأت می‌گیرد. فناوری به‌طورکلی به دودسته نرم و سخت تقسیم می‌شود؛ فناوری سخت عمدتاً در قالب‌های مادی تجسم می‌یابد، درحالی‌که فناوری نرم اغلب در رفتار و روان‌شناسی نمایان می‌شود. می‌توان گفت: واژه‌ی «سخت» به جستارهای فیزیکی برمی‌گردد که کنش‌ها از طریق آن‌ها صورت می‌گیرد. در مقابل واژه‌ی «نرم» به جستارهایی بدون قالب فیزیکی اطلاق می‌شود؛ بنابراین فناوری نرم باید دو مجموعه ویژگی داشته باشد: نخست آن‌که باید خلق‌و‌خو و سرشت فناورانه داشته باشد و دیگر آن‌که باید نرم باشد. از دیدگاه فناورانه درباره فناوری نرم می‌توان گفت، باید یک سیستم دانش عملی از ابزارها، رویه‌ها و قوانین برای حل مسأله باشد. فناوری نرم در یک‌زمان معین، در خلال فرایند و به خاطر وجود اهداف عملیاتی متفاوت، جلوه‌های متفاوتی از خود به‌جا می‌گذارد. در نتیجه می‌توان بیان داشت عوامل انسانی و

محیط اجتماعی بر شکل‌گیری، آرایش، نوآوری و عرضه‌ی فناوری نرم تأثیر دارند (دیاز و همکاران، ۱، ۲۰۰۵). جین (۲۰۱۱) فناوری نرم را به‌منزله دانش برگرفته از علوم اجتماعی، علوم غیرطبیعی و دانش غیرعلمی (سنتی) برای حل مسائل علمی مختلف تعریف می‌کند. این همان حیطه فناوری غیرفیزیکی و ورای ماشین‌آلات و ابزارهای فناوری فیزیکی است. این نوع فناوری بر اندیشه انسان متمرکز است و نه اشیاء (حمزه‌پور و خطیبی، ۱۳۹۷). فناوری نرم شاید قدیمی‌تر از فناوری سخت باشد لیکن فناوری سخت به‌طور نظام‌مندتری مدون و درک شده است. فناوری سخت به‌واسطه اختراع وجود پیدا می‌کند، اما خود فرآیند اختراع و استفاده‌هایی که از فناوری سخت به عمل می‌آیند از سمت نرم حاصل می‌شوند. ملاحظات اخلاقی و معنوی جزء فناوری سخت نیستند؛ لذا ضروری است به‌منظور تأمین نیازهای مخاطبان و مدیریت بهینه رسانه‌های نوین، مدل مناسبی معرفی گردد تا زمینه سیاست‌گذاری کلان در سپهر رسانه‌ای کشور میسر شود، در این تحقیق با بررسی تأثیر محتوا، مخاطب و فناوری بر پذیرش فناوری‌های نرم، مدلی متناسب علایق، تمایلات و نگرش مخاطبان پیشنهاد خواهد شد که درنهایت از دستاوردهای نظری این پژوهش مدلی جامع درزمینه پذیرش فناوری‌های نرم رسانه‌ای در کشور می‌تواند ارائه شود که با شناسایی عوامل مؤثر بر ابعاد فناوری‌های نرم و تطبیق آن با نیازهای کاربران ایرانی تدوین خواهد شد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

#### فناوری

واژه فناوری از ریشه یونانی «Techne» به معنای «ساختن» مشتق شده و با واژه مورد استفاده برای هنر مرتبط است که از واژه‌ی لاتین «Art» گرفته شده است که آن‌هم به معنای «ساختن» است. این دو واژه با واژه «صنعت» در فارسی و «صناعه» در عربی ارتباط دارند که هنوز در فارسی و عربی در مورد هنر و فناوری به کار می‌روند

(کاظمی، ۱۳۹۵). در لغت‌نامه آریان‌پور تکنولوژی با واژه‌های معادل فن‌شناسی و فناوری و تکنولوژی ذکر شده است (پورکاشانی، ۱۳۸۸). «Techno» به معنای هنرها و مهارت انسانی هم آمده است و «logy» به معنی دانش ساخت‌یافته، سیستماتیک و هدفمند است. تکنولوژی یعنی کاربرد علوم در طراحی و ساخت ابزارها، فرآیندها و محصولات (دراکر و پیتر، ۱۳۹۷). هوج (۱۹۹۸) تکنولوژی را این‌گونه تعریف می‌کند: «هنر و علم به‌کاربرده شده در تولید و توزیع کالاها و خدمات» (Hodge, 1998). «تکنولوژی را از این‌رو هنر و علم دانسته‌اند که در بعضی موارد اصول علمی و فنی همراه با هنر به کار گرفته می‌شود» (بیگی، ۱۳۹۳). تکنولوژی ابزاری است که افراد را برای انجام کارها توانمند می‌سازد و مدیران باید فهم و مهارت‌های چگونگی بهترین استفاده از فناوری در سازمان را دارا باشند (Mullins, 1999). گیسون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) تکنولوژی را اقدامات ذهنی و فیزیکی فرد برای تغییر شکل یا محتوای یک شیء یا یک ایده می‌دانند (گیسون و همکاران، ۲۰۰۹). در تعریف دیگری تکنولوژی کاربرد علم است (ون هاوس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). تکنولوژی دانش، ابزارها و یا تکنیک‌های مورد استفاده برای تبدیل ورودی‌ها به خروجی‌هاست (اوتمن و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱).

### فناوری نرم

تمایز اصلی انسان‌ها و نیز سازمان‌ها «مزیت معنوی<sup>۴</sup>» است. این مهم بر مبنای مدل‌های ذهنی<sup>۵</sup> افراد و در بستر فناوری‌های مرتبط با آن شکل می‌گیرد و به تعالی می‌رسد. عده‌ای از اندیشمندان حوزه فناوری مدیریت فناوری‌ها را به دودسته فناوری «سخت<sup>۶</sup>»

---

1-Gibson et al

2-Van House

3-Othman

4-Spiritual Advantage

5-Mental Models

6-Hard Technology

و «نرم»<sup>۱</sup> تقسیم می‌کنند. آن‌ها علم را از جنس دانایی<sup>۲</sup>، عرفان را از جنس دارایی<sup>۳</sup> و فناوری را از جنس توانایی<sup>۴</sup> می‌دانند (حمزه‌پور و خطیبی، ۱۳۹۷). به بیانی دیگر، فناوری را می‌توان با عبارت «توانایی تبدیل ورودی معین به خروجی مطلوب» یا «توانایی کسب خروجی مطلوب از ورودی معین» تعریف کرد. حال اگر در تعاریف فوق؛ ورودی موردنظر فاقد «اراده و هوشمندی» باشد؛ مانند مواد اولیه، تجهیزات؛ سلول و ... می‌توان از آن فناوری به فناوری سخت تعبیر کرد؛ اما چنانچه ورودی در تعریف فناوری؛ دارای «اراده یا هوشمندی» باشد (مانند فرد؛ شرکت؛ سازمان؛ نهاد و...) می‌توان از آن فناوری به فناوری نرم تعبیر کرد. در فناوری سخت به‌طور معمول، محصول فناورانه مانند تجهیزات، دارو و مواد پیشرفته و... قابل لمس<sup>۵</sup> است؛ اما در مقابل، فناوری نرم، محصولات فناورانه غیرقابل لمس<sup>۶</sup> است. توانایی‌هایی چون واکاوی شخصیت افراد با استفاده از داده‌کاوی<sup>۷</sup> و متن‌کاوی<sup>۸</sup> شبکه‌های اجتماعی؛ تعیین حوزه‌های علاقه‌مندی افراد با استفاده از موتورهای جستجو؛ طراحی سازوکارهای خودکنترلی پیشگیری از جرم یا تخلف؛ جلب اعتماد دیگران برای دستیابی به هدف؛ توانایی ایجاد کودتا یا انقلاب‌های رنگین، توانایی ترویج شایعه در سطح وسیع؛ توانایی ایجاد آن در مدیران برای موفقیت سازمان؛ جنگ روانی؛ لابی و مانند آن، نمونه‌هایی از فناوری هستند که شاید به‌طور طبیعی در فرایندهای تولید؛ انتقال؛ توسعه؛ انتشار و تجارت فناوری‌های سخت و مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد استفاده

---

1-Soft Technology

2-Wisdom

3-Asset

4-Ability

5-Tangible

6-Intangible

7-Data Mining

8-Text Mining



قرار می‌گیرد اما به‌طور طبیعی مبنای دانشی این‌گونه فناوری‌ها به‌صورت ضمنی در ذهن افراد قرار دارد و استخراج، تدوین، تعمیم و تطبیق آن با مسائل موجود و مشکلات روز جامعه ضروری است (حمزه‌پور و خطیبی، ۱۳۹۷)؛ از ابتدای دهه ۱۹۸۰ تاکنون توجه علمی بین‌الملل بر یک پدیده جدید معطوف بوده است: اقتصاد دانش‌بنیان؛ محققان از کشورهای مختلف تحقیقات تجربی زیادی انجام داده‌اند که ثابت می‌کند دانش، نیروی محرک توسعه اجتماعی و اقتصادی است و به ما امکان تجدید درک ارزش دانش به‌عنوان یک نیروی مولد مهم را می‌دهد. به‌علاوه، این تحقیقات درک جامع ما از دانش را از منظر منابع، صاحبان آن، کسانی که آن را در اختیاردارند، کارکردها، سطوح و عملیاتی بودن آن عمیق کرده‌اند (جین، ۲۰۱۱). آگاهی از منابع و اجرایی بودن دانش برای تحقیقات فناوری نرم اهمیت زیادی دارد؛ بنابراین: فناوری نرم یک پارادایم فناورانه نوین است که نگرش ما را نسبت به فضای مدیریت، کارآفرینی، تجارت، امنیت، دفاع، صنعت، آموزش، پژوهش و ... تغییر داده است (حمزه‌پور و خطیبی، ۱۳۹۷). در ادامه تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با حوزه فناوری نرم تشریح شده است.

رنجبر (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر مصادیق فناوری نرم بر چابکی نیروی انسانی در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران پرداخت. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - علی مقایسه‌ای است. تعداد اعضای نمونه انتخابی ۲۰۰ فرد شامل کارشناسان شرکت است که به روش سرشماری انتخاب شدند و جهت گردآوری اطلاعات موردنیاز از پرسش‌نامه استفاده شده است. جهت روایی پرسش‌نامه از تحلیل عاملی تأییدی و جهت سنجش پایایی از فن آلفای کرونباخ استفاده شده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است. پژوهش دارای مدل مفهومی برآمده از ادبیات تحقیق بر اساس ابعاد متغیرهای مستقل و وابسته طراحی شد. همچنین یک فرضیه اصلی و شش فرضیه فرعی مطرح

شد که تمام فرضیات نشان دادند که تأثیر معناداری ابعاد در نظر گرفته شده فناوری نرم تجاری در این تحقیق که شامل استقرار مدیریت کیفیت جامع، استقرار نظام ایزو، اتوماسیون، سیستم مدیریت مالی کارآمد، سیستم بهبود مستمر، مدیریت عملکرد، بر جابجایی منابع انسانی از طریق ضریب مسیر آزمون t تأیید شدند.

صفایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تبیین توصیفی فرایند اشاعه فناوری نرم تجاری در صنعت نفت ایران: با استفاده از نظریه زمینه‌ای پرداختند. هدف پژوهش مذکور، تبیین توصیفی فرایند اشاعه فناوری نرم تجاری در صنعت نفت ایران است. بدین منظور، از نظریه زمینه‌ای با نوزده نفر از خبرگان مسلط به فرایندهای اشاعه فناوری نرم تجاری در صنعت نفت ایران مصاحبه عمیق انجام شد. پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده و با انجام کدگذاری‌های لازم شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی، در مجموع ۷۸۵ کد نهایی، ۱۸۴ مفهوم و ۷۱ مقوله فرعی استخراج شدند. فرایند اشاعه فناوری نرم تجاری صنعت نفت ایران (در قالب شرایط علی: نیاز و الزام‌های صنعت، الزام‌های اقتصاد دانش‌بنیان و الزام‌های مدیریتی؛ مقوله محوری: فرایند اشاعه فناوری نرم تجاری؛ شرایط زمینه‌ای: بسترهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، فناوری، نوآوری و زیست‌محیطی؛ شرایط مداخله‌گر: حمایت مدیریت ارشد، نیروی جوان و دانش‌آموخته، مدل ذهنی کارکنان صنعت و سبک مدیریتی؛ راهبردها: فرهنگ‌سازی، اقدام‌های آموزشی، برون‌سپاری و خدمات مشاوره؛ و در نهایت، نتایج و پیامدها: سرآمدی نیروی انسانی، بهبود بهره‌وری، بهبود وضعیت رقابتی صنعت و بهبود وضعیت کلان کشور) تبیین شدند.

عالی‌پور (۱۳۹۷) در پژوهشی به ارائه مدل فناوری‌های نرم در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پرداخت. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که متأسفانه در ایران کمتر مورد توجه واقع شده است، تجاری‌سازی علوم انسانی و یا به اصطلاح، «فناوری‌های نرم» است. با ارائه ایده الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، توسط مقام معظم رهبری، مسأله علوم انسانی و فناوری‌های نرم مورد تأکید خبرگان فرهنگی،

نظامی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است. به همین منظور محقق، به دنبال بررسی جایگاه فناوری‌های نرم (تجاری‌سازی علوم انسانی) در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی بوده که با رویکرد تفسیری، مسأله تحقیق موردبررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش کیفی؛ تعداد ۱۲ نفر از اساتید علوم انسانی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شمال کشور بودند که با مصاحبه‌های انفرادی عمیق و اکتشافی با مصاحبه‌شوندگان، جایگاه فناوری‌های نرم در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، موردبحث قرار گرفت؛ سپس با استفاده از الگوی اسمیت و روش تحلیل تم، تم‌های اصلی مشخص و تم‌های فرعی در یکدیگر ادغام شدند و در نهایت فناوری‌های نرم مورد تأکید در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که باید مسئولین علوم انسانی پیاده‌سازی نمایند، شناسایی شدند؛ این فناوری‌ها شامل: فناوری نرم تولید فکر، فناوری نرم اجتماعی، فناوری نرم فرهنگی و سبک زندگی و فناوری نرم نظامی بودند؛ که پس از مشخص شدن این فناوری‌ها، مؤلفه‌های هر فناوری از نتایج مصاحبه با خبرگان استخراج گردید که در انتهای پژوهش به‌عنوان یک مدل پارادایمی ارائه شده است.

اخارافو و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله خود به بررسی چالش‌های مدیریت روزنامه در عصر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی پرداختند. این مقاله به بررسی چالش‌های مدیریت روزنامه در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات و با توجه به وضعیت نیجریه پرداخته شده است. این مطالعه به دنبال دستیابی به اهداف زیر است: یافتن چالش‌های مدیریت روزنامه در عصر دیجیتال، تغییر امکانات ICT<sup>1</sup> در روزنامه‌های منتخب، تأثیر پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات در هزینه و درآمد عملیاتی و روش‌های مقابله با چالش‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات. روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایشی بوده است و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. یافته‌ها نشان

---

1-Information and Communications Technology

می‌دهد که چالش‌های مدیریت روزنامه از نظر هزینه عملیاتی، امنیت، کاهش درآمد و چالش‌های اداری روبرو هستند. یک مسأله مهم در مدیریت روزنامه‌ها، ترکیب تصمیمات تحریریه با تصمیمات فنی برای ایجاد چاپ باکیفیت است. از طرف دیگر به دلیل وضعیت زیرساخت‌های اجتماعی، از جمله برق و نفوذ اینترنت است که این فشار ناخواسته به مدیریت وارد می‌کند. هزینه‌های نگهداری از این امکانات به میلیون‌ها دلار می‌رسد. این مقاله نتیجه می‌گیرد که اگرچه ممکن است فناوری اطلاعات و ارتباطات بر عملکرد روزنامه‌نگاری به‌طور اساسی تأثیر بگذارد، اما مدیریت را با چالش‌های اساسی روبرو کرده است؛ بنابراین توصیه می‌شود اگر دولت زیرساخت‌های اجتماعی موردنیاز را فراهم کند که رسانه‌ها به فعالیت پردازند، تعداد زیادی از چالش‌های اداری برطرف می‌شود.

سانی، پاتریک و روب<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر پذیرش فناوری و آمادگی فناورانه پرداختند. این پژوهش، هدف تأثیر ارزش‌های فرهنگی افراد بر پذیرش تکنولوژی را بررسی کرده است. جامعه آماری این پژوهش کارکنان هتل هستند. نتایج نشان داد که برجسته نمودن مزایای بلندمدت فناوری هتل از قبیل کاهش بارکار و افزایش عملکرد می‌تواند در جهت بهبود سودمندی و سهولت درک شده در نظر گرفته شود. معرفی یک فناوری جدید در هتل در محیط فرهنگی کمتر مردانه می‌تواند به کارکنان هتل کمک کند تا ناراحتی خود را به حداقل برسانند. بر اساس این، می‌توان یک فناوری مؤثر و موفق در هتل دست یافت.

در پیشینه پژوهش، به کرات درباره اهمیت موضوع فناوری نرم و تأثیر آن بر کسب‌وکارها در عصر پویا و متغیر امروزی، تأکید شده است. اکثر تحقیقات انجام‌شده، به اهمیت موضوع فناوری نرم و اشاعه آن در حوزه‌های مختلف، از جمله بهداشت و درمان، حسابداری و... پرداخته است؛ اما در هیچ پژوهشی به بررسی تأثیر فناوری نرم

در رسانه‌ها پرداخته نشده است. از سوی دیگر، مطالعات اندکی با رویکرد آمیخته به بررسی موضوع فناوری‌های نرم پرداخته‌اند، از این رو، محققان با شناسایی شکاف موجود و در نظر گرفتن اهمیت بسیار زیاد کاربرد فناوری نرم در رسانه و عدم به-کارگیری آن‌ها در سازمان‌ها و همچنین، نبود ساختار منسجم و متداول در این حوزه، ضرورت انجام این پژوهش را بیش‌ازپیش مهم کرده است.

### چارچوب نظری

مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد، فناوری اطلاعات به‌عنوان عاملی مؤثر برافزایش کارایی و اثربخشی سازمان‌ها محسوب می‌شود. به همین دلیل صنایع مختلف به‌منظور حفظ بقای خویش در محیط پرقابیت کنونی و بهبود بازده خود در جهت استفاده از این فناوری گام‌های مؤثری برداشته‌اند. صنعت رسانه‌ای نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در کشورهای مختلف با توجه به نقش و اهمیت این صنعت و تأثیر آن در ابعاد مختلف توسعه جامعه، مقوله فناوری اطلاعات را برای گسترش اطلاعات و بهبود بازده صنعت رسانه‌ای مدنظر قرار داده‌اند (Grood et al, 2016). کاربرد اقدامات الکترونیک در بخش صنعت رسانه‌ای، مزایای بسیاری همچون ارتقاء کیفیت خدمات، افزایش کارایی، کاهش هزینه و افزایش درآمد را دربردارد (De Rosi & Seghieri, 2015). با پیشرفت روزافزون فناوری، شبکه‌های ارتباطی و انتقال داده، هم‌اکنون از لحاظ کیفیت و هم‌گسترده‌گی، دچار تحولات شگرفی شده‌اند؛ شیوه‌های انتقال خدمات و ارائه اخبار و اطلاعات نیز متأثر از آن‌ها، تغییرات چشمگیری داشته‌اند (Wing et al, 2002).

رسانه‌ها بسیاری در زمان‌های گوناگون، برای بهره‌گیری از فناوری‌ها جهت خودکار کردن فعالیت‌های سازمانشان و یا سایر امور برنامه‌ریزی می‌کنند اما وسط راه به دلیل به وجود آمدن بحران‌ها و مشکلاتی از این کار بازمی‌مانند (Pizzi & Mittal, 2017). محمد و یافوز<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) برخی دیگر از مشکلات را به دلیل عدم وجود استراتژی

---

1 Muhammad & Yafooz

مناسب برای پذیرش تغییر در فناوری‌ها می‌دانند. بدین ترتیب ممکن است که برخی رسانه‌ها نتوانند حداکثر بهره‌برداری را از مزایای فناوری اطلاعات نمایند. در کشورهای مختلف این مشکلات به شکل‌های گوناگون ظاهر می‌شوند و برای حل آن‌ها نیاز است که راه‌های مختلفی در نظر گرفته شود (Muhammad & Yafooz, 2018).

فناوری و رسانه‌ها با هم آمیخته شده‌اند و هیچ‌کدام را نمی‌توان در اکثر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از جامعه معاصر جدا کرد. رسانه اصطلاحی است که به تمام وسایل ارتباطی چاپی، دیجیتالی و الکترونیکی اشاره دارد. از زمان ایجاد ماشین چاپ (و حتی قبل از آن)، فناوری بر نحوه و مکان به اشتراک‌گذاری اطلاعات تأثیر گذاشته است. امروزه نمی‌توان در مورد رسانه‌ها و شیوه‌های ارتباط جوامع بدون پرداختن به سرعت سریع تغییرات فناوری بحث کرد. دایره ارتباطات گسترده‌تر از همیشه است و وقتی در مورد نحوه تعامل جوامع با فناوری صحبت می‌کنیم، باید رسانه‌ها را در نظر بگیریم و برعکس. فناوری رسانه ایجاد می‌کند. کتاب طنزی که برای دخترتان خریدید، یک رسانه است، همان‌طور که فیلمی را که در شب برای خانواده پخش کردید، وب سایتی که برای سفارش غذا در آن استفاده می‌کردید، بیلبوردی که در راه برای تهیه غذای خود استفاده کردید و روزنامه‌ای که می‌خوانید همه و همه در حوزه رسانه قرار دارد. بدون فناوری، رسانه‌ها وجود نخواهند داشت، اما به یاد داشته باشید، فناوری چیزی فراتر از رسانه‌ای است که ما در معرض آن هستیم (Griffiths et al, 2012). امروزه کشف شده است که برخی فناوری‌های پیشرفته که نیروهای محرکه بزرگی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شوند، با فناوری‌های سنتی تفاوت دارند. اکنون به‌طور گسترده مشخص شده است که بیشترین ارزش افزوده برخی محصولات فناوری‌های پیشرفته غالباً از فعالیت‌های خدماتی مرتبط با محصولات حاصل می‌شود نه خود فناوری. در نتیجه، صنایع فناوری پیشرفته به تدریج به صنایع

خدمت‌مندی تکامل می‌یابند که برخی فناوری‌های برگرفته از علوم طبیعی در فرآیند نرم شدن قرار دارند، زیرا هر چه عوامل انسانی بیشتر در فناوری دخیل باشند، فناوری‌ها بیشتر نرم می‌شوند (حمزه پور و خطیبی، ۱۳۹۷). فناوری‌ها در جهان امروز توانسته‌اند در بخش‌های مختلف جامعه تأثیرگذار باشند که مهم‌ترین این تأثیرات را می‌توان در رسانه‌ها به‌عنوان ابزار مهم در پرورش افکار عمومی مشاهده کرد. اهمیت و جایگاه رسانه‌ها، به‌خصوص شبکه‌های خبری در جهان امروز بر هیچ‌کس پوشیده نیست. رسانه‌ها چنان در تاروپود زندگی بشر رخنه کرده‌اند که زندگی امروزی به‌نوعی کاملاً به آن وابسته شده است. بسیاری از مردم به‌وسیله رسانه‌ها با اطراف‌واکناف خود ارتباط برقرار کرده و به زندگی خویش معنی می‌دهند (Kümpel et al, 2015). پیشرفت‌های صورت گرفته در فناوری نرم یک حوزه پژوهشی جدید به وجود آورده است که ویژگی بارز آن یک پارادایم کاملاً متفاوت برای فرآیند ارزش‌آفرینی است. به‌موجب این پارادایم، تحقیقات میان‌رشته‌ای در کنار درک جامع و عمیق‌تر سیستم دانش انسان ترویج پیدا می‌کنند. بر همین اساس، این موضوع ما را به تغییر طرز فکر، دیدگاه ما نسبت به امور دنیا و گرایش افراد به حل مسأله سوق می‌دهد. مطالعه فناوری نرم ما را قادر به جفت کردن نیمه گم‌شده تاریخچه فناوری می‌کند که فقدان آن تاکنون به‌شدت مانع توانایی ما در درک مسائل شده است (Jin, 2011).

ظهور فناوری رایانه‌ای به همراه مفاهیمی از قبیل جامعه اطلاعاتی، اقتصاد اطلاعاتی و سواد اطلاعاتی و رایانه‌ای موجب تحولاتی شگرف در محیط‌های رسانه‌ای و کاری شده است. سازمان‌های امروزی هزینه‌های فراوانی را صرف فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی می‌کنند، با این امید که ضمن ارتقاء کارایی و بهره‌وری خود منافع بلندمدتشان را نیز تضمین کنند (Sobhani et al, 2009). این اهداف، زمانی محقق خواهد شد که استفاده از فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی به نحو احسن صورت گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد، عاملی که موجب می‌شود سرمایه‌گذاری‌های سازمان‌ها در این زمینه بازگشت کمتری داشته باشد، استفاده کم و نامناسب از دستگاه‌های اطلاعاتی در سازمان است

(Dewan & Min, 1997). به‌رغم سرمایه‌گذاری زیاد در این زمینه، گاهی اوقات کاربران تمایلی به استفاده از سیستم‌هایی که این مؤسسات در اختیار آن‌ها قرار داده‌اند، ندارند (Igarria and Iivari, 1995). این امر نیز موجب بازگشت کمتر سرمایه سازمان‌ها می‌شود؛ بنابراین، ضروری است، به عواملی که بر مقاومت افراد در پذیرش و استفاده از فناوری تأثیر می‌گذارد، توجه خاصی مبذول شود. با شناخت عوامل مؤثر بر استفاده موفقیت‌آمیز از فناوری رایانه‌ای در محیط کاری می‌توان در جهت تسهیل یکپارچه‌سازی فناوری در سازمان گام مهمی برداشت (Akour, 2010). این گام در دهه اخیر توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران حوزه مدیریت رسانه و فناوری‌های سخت و نرم را به خود جلب کرده است.

برخی از پژوهشگران استدلال می‌کنند که کارایی فناوری سخت تا حد زیادی به تجربه، دانش و مهارت وابسته است که جزئی از فناوری نرم است (Burgess & Gules, 1998). موضوع فناوری‌های نرم یکی از نقاط ضعف سازمان‌ها است؛ بنابراین، توجه به فناوری نرم و اشاعه آن می‌تواند به ارائه راهکار عملی برای حل مشکل واحدهای صنعتی یاری برساند. از آنجایی که سطح فناوری سخت عموم سازمان‌های رسانه‌ای نزدیک به هم بوده و فقط مهارت‌های مدیریتی، توانمندی نیروی انسانی، داشتن افق بلندمدت و ...، یعنی فناوری‌های نرم، می‌تواند باعث تمایز سازمانی شود، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (مصلح و نظری، ۱۳۹۵). بیشتر پژوهش‌های آینده‌نگاری فناوری در اروپا، نیاز به فناوری نرم را به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم مورد تأیید قرار دادند. موضوع فناوری نرم به‌عنوان یکی از اولویت‌های مهم علم و فناوری اروپا یادشده که اشاعه آن در صنایع مختلف از جمله رسانه یکی از مهم‌ترین وعده‌های سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا بوده است (Durand & Dubreuil, 2001). توسعه فناوری نرم مستلزم به دست آوردن دانش تعبیه‌شده در فناوری سخت خواهد بود (Dobler et al. 1990; Lamming, 1993). دانشی که استفاده از آن کلید رشد سازمان و جامعه است (Jansen et al., 2007). متأسفانه سیاستمداران،



تصمیم‌گیران کلان و مدیران ارشد، منابع تحقیق و توسعه را به فناوری‌هایی از قبیل بیوتکنولوژی، ریزپردازنده‌ها، پردازش داده‌ها، علم مواد و ... تخصیص می‌دهند؛ اما در قرن اخیر به پارادایم جدیدی نیاز است که اهمیت اقتصادی علوم انسانی و اجتماعی را به رسمیت بشناسد (Durand & Dubreuil, 2001). از طرفی، برای سال‌های زیادی فناوری مترادف با فناوری سخت در نظر گرفته شده و فناوری‌های نرم مخصوصاً برای کشورهای درحال توسعه کمتر موردتوجه قرار گرفته است (Botchie et al., 2018). در نتیجه موضوع فناوری نرم و مسائل مبتلابه آن کمتر موردتوجه پژوهشگران بوده است (مصلح و نظری، ۱۳۹۵).

دانش و منابع رسانه‌ای مانند همه دانش‌های علوم دیگر به‌طور طبیعی به محصولات و خدمات ارزشمند تبدیل نمی‌شوند؛ فقط به واسطه بازآفرینی، توسعه، فرآوری و تولید است که می‌توانیم دانش، منابع و ارزش‌های فرهنگی را به محصولات، کالاها و خدماتی تبدیل کنیم که توسط مصرف‌کننده نهایی قابل درک و مصرف باشند و آنگاه به ارزش‌های واقعی آن‌ها دست یابیم، در این خصوص فناوری‌های نرم رسانه‌ای اشاره به تجدید و توسعه منابع و ارزش‌های فرهنگی جدید دارد که منجر به توسعه اجتماعی می‌شوند و از سوی دیگر نوآوری رسانه‌ای اشاره به تبدیل مضامین و منابع فرهنگی به محصولات و خدمات دارای ارزش اقتصادی و اجتماعی یعنی همان بهبود ارزش افزوده در جامعه است (Jin, 2011). هم‌اینک بسیاری از مشکلات سازمان‌ها و نهادهای رسانه‌ای شامل روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و ... از جنس فنون مدیریتی و نرم می‌باشند. باید اذعان کرد که هنوز نگاه سخت‌افزاری و محصولی نگاه حاکم بر هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هاست. اگرچه با تأکیدات مقام‌های ولایت، در چند سال گذشته، تغییر نگاه از فناوری‌های سخت به فناوری‌های نرم تا حدی تحقق یافته است، با این حال بسیاری از مشکلات کنونی سازمان‌های رسانه‌ای در حوزه فناوری‌های نرم است، زیرا با وجود توجه نسبتاً زیادی که در چند سال اخیر به موضوع فناوری‌های نرم صورت پذیرفته است، هنوز مسیری طولانی برای توسعه فناوری‌های نرم و تحقق اهداف آن

پیش رو قرار دارد. با توجه به مستندات موجود می‌توان اظهار داشت که کارهای تحقیقاتی میدانی صورت گرفته در این مورد بسیار محدود است.

### **روش پژوهش**

در این پژوهش به دلیل پیچیدگی مفهومی و ذهنی سازه پذیرش فناوری نرم و لزوم رمزگشایی ساختاری از روابط آشکار و پنهان میان متغیرها و نیز طبقه‌بندی این متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری و اثرپذیری، از روش رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری<sup>۱</sup> (ISM) که زیرمجموعه‌ای از فن‌های پژوهش عملیاتی نرم<sup>۲</sup> است، استفاده شده است. در این پژوهش، پژوهشگران با استفاده از پرسشنامه اکتساب شده از نظر خبرگان سعی در توصیف نگرش، افکار یا ویژگی‌های مفهوم پذیرش فناوری نرم داشته و به همین منظور، پژوهش از نوع کمی و بر مبنای پارادایم اثبات‌گرایی است.

### **مدل ساختاری - تفسیری**

مدل‌سازی ساختاری - تفسیر (ISM) که توسط وارفیلد<sup>۳</sup> (۱۹۷۴) مطرح شد یک متدولوژی برای ایجاد و فهم روابط میان عناصر یک سیستم پیچیده است. این روش یک فرآیند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و به هم مرتبط در یک نظام جامع، ساختاردهی می‌شوند. این روش‌شناسی به ایجاد و جهت دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می‌نماید. یکی از اصلی‌ترین منطبق‌های این روش آن است که همواره عناصری که در یک سیستم اثرگذاری بیشتری بر سایر عناصر دارند، از اهمیت بالاتری برخوردارند (Bhasin & Burcher, 2006).

برای انجام مدل‌سازی به روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری باید از مراحل زیر تبعیت کرد (Siddiqui, 2016).

---

1-Interpretive structural modeling

2-Soft Operational Research

3-Warfield

۱. شناسایی متغیرهای مرتبط با مسأله در یک زمینه مشخص اجتماعی
۲. ماتریس خودتعاملی ساختاری تا بتوان متغیرهای مسأله را به صورت زوجی بررسی کرد.
۳. تشکیل ماتریس دسترسی اولیه: در این مرحله ماتریس خودتعاملی به ماتریسی بولی تبدیل می‌شود.
۴. تشکیل ماتریس دسترسی نهایی: تا بتوان لایه‌های مختلف مدل را از روی آن تشخیص داده و ضریب وابستگی و نفوذ هر متغیر را بررسی نمود.
۵. بخش‌بندی سطح: در این مرحله ماتریس دسترسی نهایی به سطوح مختلفی تقسیم می‌شود. معمولاً در سیستم‌های بزرگ روابط شبکه‌ای بین عناصر سیستم بر پیچیدگی آن می‌افزاید که با سطح‌بندی مدل می‌توان این پیچیدگی را کاهش داد.
۶. رسم مدل: در این مرحله با توجه به سطح‌بندی متغیرها و ماتریس دسترسی نهایی مدل نهایی متغیرها رسم می‌شود.
۷. تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (نمودار MICMAC): در این مرحله متغیرها در چهار دسته طبقه‌بندی می‌شوند که می‌توان آن‌ها را به صورت زیر نمایش داد:

جدول ۲. انواع متغیرهای جدول MICMAC

وابستگی قوی	وابستگی ضعیف	
نیوندی	نفوذ	نفوذ قوی
وابسته	خودمختار	نفوذ ضعیف

در این پژوهش برای پیاده‌سازی گام اول این پژوهش (شناسایی متغیرهای مرتبط با مسأله) یک پژوهش از نوع تحلیل مضمونی<sup>۱</sup> صورت گرفته است. در تعریفی خلاصه می‌توان تحلیل مضمونی را به این صورت تعریف کرد: تحلیل مضمونی «روش شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها یا مضامین داده‌ها است». این روش از روش‌های

پایه‌ای در تحلیل داده‌ها شمرده می‌شود و نقطه قوت آن است که محدودیت‌های مفروضات روش‌هایی همانند نظریه‌پردازی داده بنیاد ۱ و تحلیل گفتمان انتقادی ۲ را ندارد (Braun et.al, 2006).

گام‌های انجام یک تحلیل مضمونی به‌طور خلاصه به شرح زیر است (Braun et.al, 2006).

۱. آشنایی با داده‌ها: پیاده‌سازی داده‌ها، مطالعه مکرر و نگارش برداشت‌های اولیه
۲. تدوین کدهای اولیه: کدگذاری موارد جالب‌توجه به‌صورت سیستمی در کل متن و انتساب بخش‌های مرتبط از متن به هر یک از کدها.
۳. جستجو برای مضامین: تلفیق کدهای مختلف برای دستیابی به کدهای احتمالی و جمع‌آوری داده‌های مرتبط با آن مضمون ذیل هر یک.
۴. بازبینی مضمون‌ها: کنترل مضمون‌ها با کدهای استخراج‌شده و مجموعه داده‌ها که منتج به ترسیم «نقشه مضمونی» تحلیل می‌شود.
۵. تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها: تحلیل مکرر به‌منظور تحدید ویژگی‌های هر مضمون و مجموعه مضامین. این مرحله به تعریف روشن و نام‌گذاری دقیق هر مضمون منجر می‌شود.
۶. تدوین گزارش: آخرین مرحله تحلیل است که در آن مواردی از مضمون‌ها را انتخاب کرده و مورد تحلیل قرار داده و ارتباط آن‌ها با سؤالات و پیشینه پژوهش نشان داده می‌شود که در نتیجه گزارشی علمی از تحلیل حاصل شده است.

برای استخراج مضامین پذیرش فناوری نرم از ۱۱ نفر از خبره‌های حوزه مطبوعات و اساتید دانشگاهی مصاحبه به عمل آمد و پس از مصاحبه به دلیل جدید بودن موضوع

و محدودیت دسترسی به خبرگان از ادبیات پژوهش هم کمک گرفته شده است و در نتیجه مصاحبه‌ها و متون کدگذاری گردیدند و مضامین پایه و سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج شده است. فرآیند ظهور ۱۰۵ مضامین پایه و ۳۲ مضامین سازمان‌دهنده از مجموع ۱۰۵ نکته کلیدی به تفکیک مصاحبه‌ها در جدول فوق ارائه شده و در نهایت ۹ مضمون فراگیر در این پژوهش شناسایی شده است.

جدول ۳. عنوان مضامین فراگیر ظهور یافته در جریان تحلیل مصاحبه‌ها به روش تحلیل مضمون

ردیف	عنوان مضامین فراگیر	مخفف در مدل‌سازی ساختاری - تفسیری
۱	تحول‌گرایی سیستم مدیریتی	MSS
۲	پویایی ساختار سازمانی	OSD
۳	توانمندسازی منابع انسانی	HRME
۴	یادگیرنده بودن فرهنگ سازمانی	LOC
۵	انگیزش و نگرش مثبت نیروی انسانی	PMA
۶	مشتری محور بودن استراتژی سازمان	OSCO
۷	ماهیت کاربردی فناوری نرم	PNST
۸	گسترده‌گی شبکه ارتباطات داخلی و خارجی	IECN
۹	رقبا و متغیر بودن محیط	CEC

در گام بعدی پژوهش این مضمون‌ها به‌عنوان متغیرهای مرتبط با مسأله وارد روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری گردیدند. به‌عبارت‌دیگر این ۹ مضمون به‌عنوان گویه‌های

پرسش‌نامه استاندارد مدل‌سازی ساختاری تفسیری تلقی گردیدند. برای جمع‌آوری داده‌های لازم برای مدل‌سازی ساختاری - تفسیری ۱۵ پرسشنامه بین خبرگان این حوزه پخش شد که از بین آن‌ها ۱۱ پرسشنامه بازگشت داده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری استفاده شد که در آن مجموعه متغیرهای مرتبط با مسأله در یک ماتریس قرار می‌گیرند و برای پر کردن آن از راهنمای ذیل استفاده می‌شود:

جدول ۴. راهنمای تکمیل پرسشنامه ISM

نماد	معنا
V	عامل سطر (i) می‌تواند زمینه‌ساز عامل ستون (j) باشد.
A	عامل ستون (j) می‌تواند زمینه‌ساز عامل سطر (i) باشد.
X	بین عامل سطر (i) و ستون (j) ارتباط دوطرفه وجود دارد.
O	هیچ نوع ارتباطی میان این دو عنصر i و j وجود ندارد.

پس از یکپارچه‌سازی پرسشنامه‌ها در نهایت ماتریس ساختاری روابط درونی متغیرها به صورت ذیل به دست آمد. سپس برای تبدیل این ماتریس به ماتریس دسترسی اولیه از قاعده ذیل استفاده شد (Faisal et al, 2006; Gorane and Kant, 2013)

- اگر خانه (i,j) در ماتریس SSIM نماد V گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد ۱ می‌گیرد و خانه قرینه آن یعنی (j,i) عدد صفر می‌گیرد.
- اگر خانه (i,j) در ماتریس SSIM نماد A گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد صفر می‌گیرد و خانه قرینه آن یعنی (j,i) عدد ۱ می‌گیرد.

• اگر خانه  $(i,j)$  در ماتریس SSIM نماد X گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد ۱ می‌گیرد و خانه قرینه آن یعنی  $(j,i)$  عدد ۱ می‌گیرد.

• اگر خانه  $(i,j)$  در ماتریس SSIM نماد O گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد صفر می‌گیرد و خانه قرینه آن یعنی  $(j,i)$  عدد صفر می‌گیرد.

### یافته‌های پژوهش

با تحلیل مضمون مصاحبه با خبرگان و هم‌چنین بررسی ادبیات پژوهش مرتبط با حوزه فناوری نرم در نهایت ۹ مضمون فراگیر به دست آمد که شبکه مضمونی پذیرش فناوری نرم را نشان می‌دهد. این مفاهیم عبارت‌اند از: تحول‌گرایی سیستم مدیریتی، پویایی ساختار سازمانی، توانمندسازی منابع انسانی، یادگیرنده بودن فرهنگ سازمانی، انگیزش و نگرش مثبت نیروی انسانی، مشتری‌محور بودن استراتژی سازمان، ماهیت کاربردی فناوری نرم، گستردگی شبکه ارتباطات داخلی و خارجی و رقبا و متغیر بودن محیط. ماتریس خودتعاملی ساختاری از ابعاد و شاخص‌های مطالعه و مقایسه آن‌ها با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل می‌شود. اطلاعات حاصله بر اساس متد مدل‌سازی ساختاری تفسیری جمع‌بندی و ماتریس خودتعاملی ساختاری نهایی تشکیل می‌گردد (اصغر پور، ۱۳۹۲). ماتریس خودتعاملی ساختاری مطالعه حاضر در ارائه شده است.

جدول ۵. ماتریس خودتعاملی ساختاری

CE	PNS	IEC	OSC	MS	LO	PM	HRM	OS	SSI
C	T	N	O	S	C	A	E	D	M
V	O	X	V	A	V	A	X		OSD
O	V	X	V	A	V	A			HRM

						E
V	V	V	O	V	O	PMA
X	V	A	V	A		LOC
V	V	V	V			MSS
O	O	A				OSC
						O
V	V					IEC
						N
A						PNS
						T
						CEC

### تشکیل ماتریس دستیابی<sup>۱</sup>

ماتریس دستیابی (RM) از تبدیل ماتریس خود تعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست می‌آید. در ماتریس دستیابی درایه‌های قطر اصلی برابر یک قرار می‌گیرد. همچنین برای اطمینان باید روابط ثانویه کنترل شود. به این معنا که اگر A منجر به B شود و B منجر به C شود در این صورت باید A منجر به C شود؛ یعنی اگر بر اساس روابط ثانویه باید اثرات مستقیم لحاظ شده باشد اما در عمل این اتفاق نیفتاده باشد باید جدول تصحیح شود و رابطه ثانویه را نیز نشان داد؛ بنابراین ماتریس دستیابی تکنیک ISM در جدول زیر ارائه شده است.

---

1- Reachability matrix



جدول ۶. ماتریس دستیابی متغیرهای پذیرش فناوری های نرم

CE	PNS	IEC	OSC	MS	LO	PM	HRM	OS	RM
C	T	N	O	S	C	A	E	D	
1	0	1	1	0	1	0	1	1	OSD
0	1	1	1	0	1	0	1	1	HRM
									E
1	1	1	0	1	0	1	1	1	PMA
1	1	0	1	0	1	0	0	0	LOC
1	1	1	1	1	1	0	1	1	MSS
0	0	0	1	0	0	0	0	0	OSC
									O
1	1	1	1	0	1	0	1	1	IEC
									N
0	1	0	0	0	0	0	0	0	PNS
									T
1	1	0	0	0	1	0	0	0	CEC

#### ایجاد ماتریس دسترسی نهایی

پس از آنکه ماتریس دسترسی اولیه به دست آمد، با وارد نمودن انتقال پذیری<sup>۱</sup> در روابط متغیرها، ماتریس دسترسی نهایی به دست می آید. این یک ماتریس مربعی است که هر یک از درایه های آن هنگامی که عنصر به عنصر با هر طولی دسترسی داشته باشد یک و در غیر این صورت برابر صفر است. روش به دست آوردن ماتریس دسترسی با استفاده از نظریه اویلر<sup>۲</sup> است که در آن ماتریس مجاورت را به ماتریس واحد اضافه

1- Transitivity

2- Euler

می‌کنیم. سپس این ماتریس را در صورت تغییر نکردن درایه‌های ماتریس به توان  $n$  می‌رسانیم. فرمول زیر روش تعیین دسترسی را با استفاده از ماتریس مجاورت نشان می‌دهد:

رابطه ۱: تعیین ماتریس دسترسی نهایی

ماتریس  $A$  ماتریس دسترسی اولیه ماتریس همانی و ماتریس دسترسی نهایی است. عملیات به توان رساندن ماتریس طبق قوانین بولین ۱ (رابطه ۲) صورت می‌گیرد.

رابطه ۲: قوانین بولینی

$$1 \times 1 = 1; 1 + 1 = 1$$

(آذر و خسروانی، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۰)

بنابراین برای اطمینان باید روابط ثانویه کنترل شود. به این معنا که اگر  $A$  منجر به  $B$  شود و  $B$  منجر به  $C$  شود در این صورت باید  $A$  منجر به  $C$  شود؛ یعنی اگر بر اساس روابط ثانویه باید اثرات مستقیم لحاظ شده باشد اما در عمل رخ نداده باشد باید جدول تصحیح شود و رابطه ثانویه را نیز نشان داد. ماتریس دسترسی نهایی متغیرهای پذیرش فناوری‌های نرم در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۷. ماتریس دسترسی نهایی متغیرهای پذیرش فناوری‌های نرم

CE	PNS	IEC	OSC	MS	LO	PM	HRM	OS	TM
C	T	N	O	S	C	A	E	D	
1	1*	1	1	0	1	0	1	1	OSD
1*	1	1	1	0	1	0	1	1	HRM
									E
1	1	1	1*	1	1*	1	1	1	PMA
1	1	0	1	0	1	0	0	0	LOC
1	1	1	1	1	1	0	1	1	MSS

1*	1*	0	1	0	1*	0	0	0	OSC
									O
1	1	1	1	0	1	0	1	1	IEC
									N
0	1	0	0	0	0	0	0	0	PNS
									T
1	1	0	1*	0	1	0	0	0	CEC

#### تعیین روابط و سطح بندی ابعاد و شاخص ها

برای تعیین روابط و سطح بندی معیارها باید مجموعه خروجی ها و مجموعه ورودی ها برای هر معیار از ماتریس دستیابی استخراج شود.

❖ مجموعه دستیابی (عناصر سطر، خروجی یا اثرگذاری ها): متغیرهایی که از

طریق این متغیر می توان به آنها رسید.

❖ مجموعه پیش نیاز (عناصر ستون، ورودی یا اثرپذیری ها): متغیرهایی که از

طریق آنها می توان به این متغیر رسید.

مجموعه خروجی ها شامل خود معیار و معیارهایی است که از آن تأثیر می پذیرد. مجموعه ورودی ها شامل خود معیار و معیارهایی است که بر آن تأثیر می گذارند. سپس مجموعه روابط دو طرفه معیارها مشخص می شود.

برای متغیر مجموعه دستیابی (خروجی یا اثرگذاری ها) شامل متغیرهایی است که از طریق متغیر می توان به آنها رسید. مجموعه پیش نیاز (ورودی یا اثرپذیری ها) شامل متغیرهایی است که از طریق آنها می توان به متغیر رسید.

پس از تعیین مجموعه دستیابی و مجموعه پیش نیاز، اشتراک دو مجموعه حساب می شود. اولین متغیری که اشتراک دو مجموعه برابر با مجموعه قابل دستیابی (خروجی ها) باشد، سطح اول خواهد بود؛ بنابراین عناصر سطح اول بیشترین

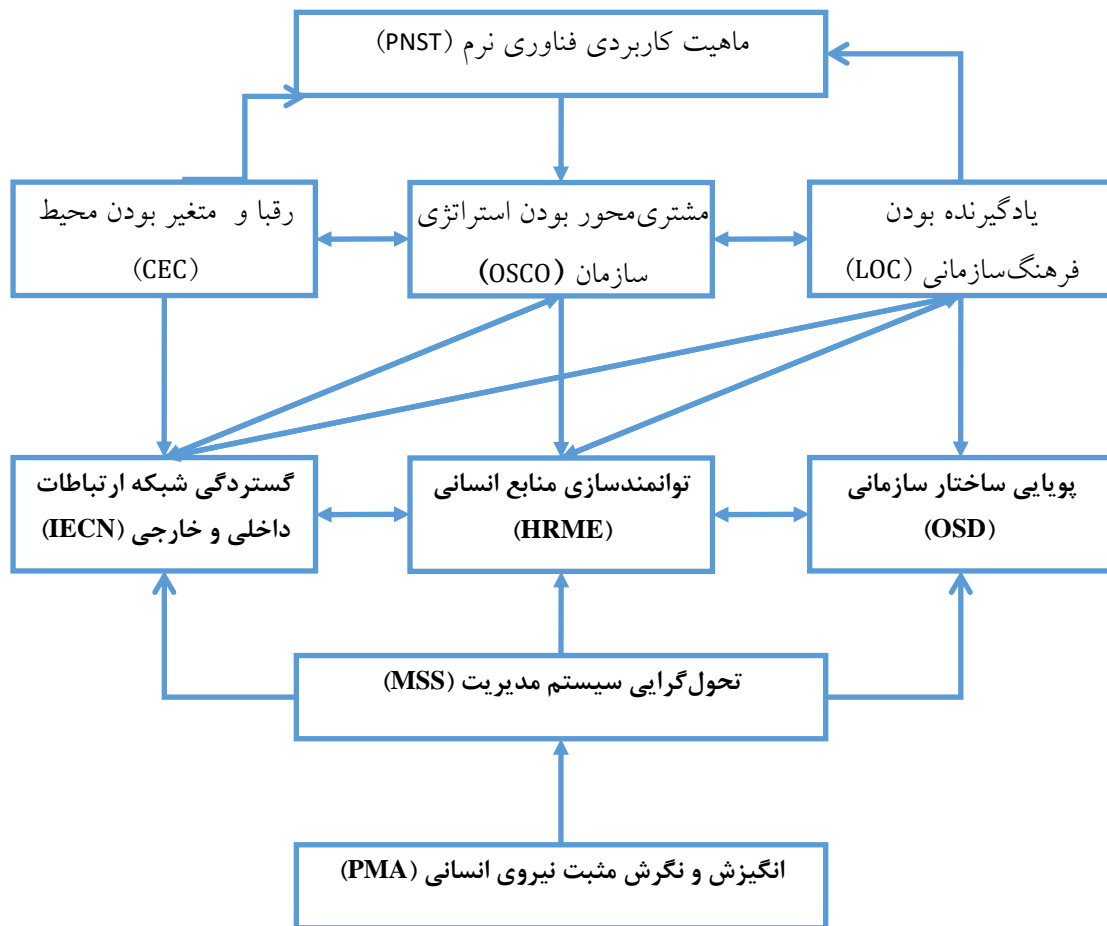
تأثیرپذیری را در مدل خواهند داشت. پس از تعیین سطح، معیاری که سطح آن معلوم شده از تمامی مجموعه حذف شده و مجدداً مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها را تشکیل داده و سطح متغیر بعدی به دست می‌آید (اصغرپور، ۱۳۹۲).

**جدول ۸. تعیین سطح متغیرهای پذیرش فناوری‌های نرم**

اشتراک	ورودی: اثرپذیری	خروجی: اثرگذاری	متغیرها
OSD,HRME,IECN	OSD,HRME,PMA, MSS,IECN	OSD,HRME,LOC,OSC O,IECN,PNST,CEC	OSD
OSD,HRME,IECN	OSD,HRME,PMA, MSS,IECN	OSD,HRME,LOC,OSC O,IECN,PNST,CEC	HRME
PMA	PMA	OSD,HRME,PMA,LOC, MSS,OSCO,IECN,PNS T,CEC	PMA
LOC,OSCO,CEC	OSD,HRME,PMA, LOC,MSS,OSCO,I ECN,CEC	LOC,OSCO,PNST,CEC	LOC
MSS	PMA,MSS	OSD,HRME,LOC,MSS, OSCO,IECN,PNST,CEC	MSS
LOC,OSCO,CEC	OSD,HRME,PMA, LOC,MSS,OSCO,I ECN,CEC	LOC,OSCO,PNST,CEC	OSCO
OSD,HRME,IECN	OSD,HRME,PMA, MSS,IECN	OSD,HRME,LOC,OSC O,IECN,PNST,CEC	IECN
PNST	OSD,HRME,PMA, LOC,MSS,OSCO,I ECN,PNST,CEC	PNST	PNST
LOC,OSCO,CEC	OSD,HRME,PMA, LOC,MSS,OSCO,I ECN,CEC	LOC,OSCO,PNST,CEC	CEC

بنابراین ماهیت کاربردی فناوری نرم (PNST) در سطح نخست قرار دارد. متغیرهای رقبا و متغیر بودن محیط (CEC)، یادگیرنده بودن فرهنگ‌سازمانی (LOC) و مشتری‌محور بودن استراتژی سازمان (OSCO) در سطح دوم قرار دارند. متغیرهای پویایی ساختار سازمانی (OSD)، توانمندسازی منابع انسانی (HRME) و گستردگی

شبکه ارتباطات داخلی و خارجی (IECN) در سطح سوم دارند. متغیر تحول‌گرایی سیستم مدیریت (MSS) در سطح چهارم قرار دارد. متغیر انگیزش و نگرش مثبت نیروی انسانی (PMA) در سطح پنجم قرار دارد. الگوی نهایی سطوح متغیرهای شناسایی شده در شکل نمایش داده شده است. در این نگاره فقط روابط معنادار عناصر هر سطح بر عناصر سطح زیرین و همچنین روابط درونی معنادار عناصر هر سطر در نظر گرفته شده است.



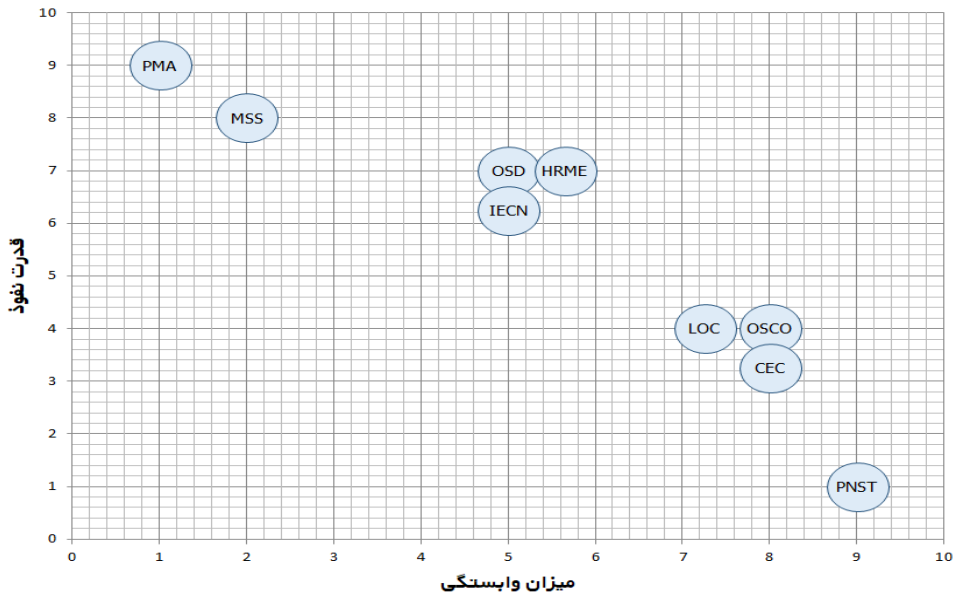
شکل ۱. الگوی اولیه عملیاتی پذیرش فناوری‌های نرم

### تحلیل قدرت نفوذ- وابستگی (نمودار MICMAC)

در مدل (ISM) روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف به خوبی نشان داده شده است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری به وسیله مدیران می‌شود. برای تعیین معیارهای کلیدی قدرت نفوذ و وابستگی معیارها در ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود. نمودار قدرت-وابستگی برای متغیرهای مورد مطالعه در شکل را نشان می‌دهد.

#### جدول ۹. قدرت نفوذ و میزان وابستگی متغیرهای پذیرش فناوری‌های نرم

متغیرهای پذیرش فناوری‌های نرم	میزان وابستگی	قدرت نفوذ	سطح
پویایی ساختار سازمانی (OSD)	۵	۷	۳
توانمندسازی منابع انسانی (HRME)	۵	۷	۳
انگیزش و نگرش مثبت نیروی انسانی (PMA)	۱	۹	۵
یادگیرنده بودن فرهنگ سازمانی (LOC)	۸	۴	۲
تحول‌گرایی سیستم مدیریت (MSS)	۲	۸	۴
مشتری محور بودن استراتژی سازمان (OSCO)	۸	۴	۲
گسترده‌گی شبکه ارتباطات داخلی و خارجی (IECN)	۵	۷	۳
ماهیت کاربردی فناوری نرم (PNST)	۹	۱	۱
رقبا و متغیر بودن محیط (CEC)	۸	۴	۲



شکل ۲. نمودار قدرت نفوذ و میزان وابستگی (خروجی میک-مک)

بر اساس نمودار قدرت نفوذ- وابستگی متغیرهای تحول‌گرایی سیستم مدیریت (MSS) و انگیزش و نگرش مثبت نیروی انسانی (PMA) قدرت نفوذ بالایی داشته و تأثیرپذیری کمی دارند و در ناحیه متغیرهای مستقل قرار می‌گیرند. متغیرهای ماهیت کاربردی فناوری نرم (PNST)، رقبا و متغیر بودن محیط (CEC)، یادگیرنده بودن فرهنگ‌سازمانی (LOC) و مشتری‌محور بودن استراتژی سازمان (OSCO) نیز از وابستگی بالا اما نفوذ اندکی برخوردار است، بنابراین متغیرهای وابسته محسوب می‌شوند. متغیرهای پویایی ساختار سازمانی (OSD)، توانمندسازی منابع انسانی (HRME) و گستردگی شبکه ارتباطات داخلی و خارجی (IECN) نیز قدرت نفوذ و میزان وابستگی بالایی دارند بنابراین جزء متغیرهای پیوندی هستند. هیچ متغیری نیز در ربع اول یعنی ناحیه خودمختار قرار نگرفته است.

در این پژوهش عوامل تحول‌گرایی سیستم مدیریت (MSS) و انگیزش و نگرش مثبت نیروی انسانی (PMA) عناصری بانفوذ و با اثرگذاری بالا شناخته شده‌اند. این

عوامل کاملاً بر دیگر عناصر مدل نفوذ و اثرگذاری دارند و با تغییر کیفیت اجرای این عناصر در پژوهش‌های پذیرش فناوری نرم، کیفیت اجرای عناصر دیگر مدل هم تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال اگر پژوهشگری بخواهد یک پژوهشی باکیفیت پیرامون این موضوع ارائه دهد باید نسبت به خبرگانی که برمی‌گزیند، حساسیت بسیار بالایی داشته باشد؛ چراکه با توجه به نظرات و پیشنهادها این خبرگان است که پژوهشگر اقدام به تحلیل آینده خواهد کرد، پس میزان خبرگی و شناخت خبرگان از موضوع موردپژوهش اثرات بسیار مستقیم و قابل توجهی در نتیجه پژوهش‌های پذیرش فناوری نرم خواهد گذاشت. مدیران و پژوهشگرانی که به دنبال پذیرش فناوری نرم در سازمان‌های خود هستند باید به مضامینی مانند عدم پایبندی به رویه‌های سنتی، نگرش مثبت به فناوری نرم، آشنایی با مزایای فناوری نرم، انتظار کسب مزایای فردی، انتظار سودآوری سازمانی، تمایل به یادگیری، مسئولیت‌پذیری، علاقه‌مندی به سازمان و هویت‌یابی با سازمان توجه کنند؛ از طرف دیگر این عناصر به‌عنوان عناصر مستقل نیز محسوب می‌شوند چراکه از وابستگی پایینی برخوردار هستند و کیفیت دیگر عناصر تأثیر چندانی بر این عناصر ندارد، ولی عکس این موضوع کاملاً برقرار است؛ و عدم توجه به این عناصر بر کیفیت دیگر عناصر و درنهایت پذیرش فناوری نرم اثر خواهد گذاشت. عنصر بانفوذ دیگر در این پژوهش اشاره به نقش کلیدی مدیریت در سازمان دارد؛ مدیریت سازمان اگر به دنبال تحول‌گرایی از طریق ترغیب تغییر بین کارکنان، انعطاف‌پذیری شناختی و رفتاری، انگیزش الهامی، واقع‌بینی، دوراندیشی و آینده‌نگری، توانایی شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها، کل‌نگری، ایجاد احساس تغییر در سازمان، ایجاد شرایط و زیرساخت تغییر، مدیریت مقاومت اعضا، بازنگری ذهنیات، تحمل ابهام، توانایی مدیریت ریسک، حمایت مالی، الگوی تغییر بودن و مشارکت کارکنان در تصمیم‌پذیرش فناوری را فراهم کند می‌تواند نقشی کلیدی را در پذیرش فناوری در سازمان ایفا کند.



در نهایت باید اشاره کرد که دو تحول‌گرایی سیستم مدیریت (MSS) و انگیزش و نگرش مثبت نیروی انسانی (PMA) که در سطوح چهارم و پنجم مدل قرار دارند، عناصر کلیدی پذیرش فناوری نرم به حساب می‌آیند و از چنان نفوذ و اهمیت بالایی برخوردار هستند که اگر صنعت مطبوعات نسبت به این دو عنصر توجه نماید، می‌توان گفت در حوزه پذیرش فناوری نرم موفقیت حاصل خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

تحقیقات نشان می‌دهد که فناوری عاملی مؤثر برای بهبود کارایی و اثربخشی سازمانی است؛ بنابراین، صنایع مختلف اقدامات مؤثری را برای استفاده از این فناوری برای حفظ بقای خود و بهبود کارایی در فضای رقابتی کنونی انجام داده‌اند. صنعت رسانه نیز از این قاعده مستثنی نیست و در کشورهای مختلف با توجه به نقش و اهمیت صنعت رسانه و تأثیر آن بر همه جنبه‌های توسعه اجتماعی، استفاده از دسته‌های فناوری اطلاعات برای گسترش اطلاعات و بهبود کارایی صنعت رسانه مورد توجه قرار گرفته است (Grood et al, 2016). کاربرد فناوری در بخش صنعت رسانه‌ای، مزایای بسیاری همچون ارتقاء کیفیت خدمات، افزایش کارایی، کاهش هزینه و افزایش درآمد را دربردارد. پیشرفت‌های صورت گرفته در فناوری نرم یک حوزه پژوهشی جدید به وجود آورده است که ویژگی بارز آن یک پارادایم کاملاً متفاوت برای فرآیند ارزش‌آفرینی است. به موجب این پارادایم، تحقیقات میان‌رشته‌ای در کنار درک جامع و عمیق‌تر سیستم دانش انسان ترویج پیدا می‌کنند. بر همین اساس، این موضوع ما را به تغییر طرز فکر، دیدگاه ما نسبت به امور دنیا و گرایش افراد به حل مسأله سوق می‌دهد. مطالعه فناوری نرم ما را قادر به جفت کردن نیمه گم‌شده تاریخچه فناوری می‌کند که فقدان آن تاکنون به شدت مانع توانایی ما در درک مسائل شده است. برخی از محققان معتقدند که کارایی فناوری‌های سخت تا حد زیادی به تجربه، دانش و مهارت‌های فناوری‌های نرم بستگی دارد (Burgess & Gules, 1998). موضوع فناوری‌های نرم یکی از نقاط ضعف سازمان‌ها است؛ بنابراین، توجه به فناوری نرم و اشاعه آن می‌تواند

به ارائه راهکار عملی برای حل مشکل واحدهای صنعتی یاری برساند. از آنجایی که سطح فناوری سخت عموم سازمان‌های رسانه‌ای نزدیک به هم بوده و فقط مهارت‌های مدیریتی، توانمندی نیروی انسانی، داشتن افق بلندمدت و ...، یعنی فناوری‌های نرم، می‌تواند باعث تمایز سازمانی شود، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با توجه به جدید بودن فناوری نرم، به‌ویژه در ایران، تمایز و تفکیک فناوری نرم از پژوهش‌های فناوری سخت، امری تخصصی و حرفه‌ای است که نیاز به احصاء عوامل اندازه‌گیری کیفیت و نوع موضوعات آن دارد که این پژوهش با طراحی مدل اندازه‌گیری پذیرش فناوری نرم و تجزیه و تحلیل عوامل آن متناسب با درجه نفوذ و وابستگی آن‌ها دست به نوآوری بالایی زده است. همان‌طور که در دیاگرام مشخص است، مهم‌ترین اثرگذارترین و پرنفوذترین عامل کلیدی پذیرش فناوری نرم در صنعت مطبوعات، انگیزش و نگرش مثبت کارکنان صنعت مطبوعات و در گام بعدی تحول‌گرایی سیستم مدیریت است. سایر عوامل شامل پویایی ساختار سازمانی، توانمندسازی منابع انسانی (HRME)، گستردگی شبکه ارتباطات داخلی و خارجی (IECN)، رقبا و متغیر بودن محیط (CEC)، مشتری‌محور بودن استراتژی سازمان (OSCO) و یادگیرنده بودن فرهنگ سازمانی (LOC) از سطح متعادل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری برخوردار هستند. بر اساس این دیاگرام، بهبود عامل تحول‌گرایی سیستم مدیریت به‌طور مستقیم بر سه عامل پویایی ساختار سازمانی، توانمندسازی منابع انسانی (HRME)، گستردگی شبکه ارتباطات داخلی و خارجی (IECN)، اثر می‌گذارد. این بدین معنی است که اگر دغدغه مدیریت صنعت مطبوعات، بهبود پویایی ساختار سازمانی، توانمندسازی منابع انسانی و گستردگی شبکه ارتباطات باشد، باید تحول‌گرایی در اولویت قرار گیرد. بر همین منوال بر اساس دیاگرام واضح است که تنها یک عامل وجود دارد که بهبود آن باعث بهبود کل مؤلفه‌های پذیرش فناوری نرم خواهد بود. به عبارت دیگر برای پذیرش فناوری نرم، یک عنصر کلیدی وجود دارد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر روی تمام عوامل پذیرش فناوری نرم اثر می‌گذارد و آن عامل عبارت از انگیزش و نگرش مثبت

نیروی انسانی به فناوری است. بعد دیگر از نتایج این دیاگرام این است که برای استقرار هر یک از عوامل پذیرش فناوری یا تقویت آن، نگاه تک‌بعدی کفایت نمی‌کند. به عبارت دیگر برای اصلاح یا اجرای یک عامل، باید عوامل اثرگذار بر آن عامل هم مورد توجه مدیر قرار بگیرد. به طور مثال اگر مدیریت صنعت مطبوعات خواستار تغییر و بهبود فرهنگ سازمانی یادگیرنده باشد، باید نقش سه عامل پویایی ساختار سازمانی، توانمندسازی منابع انسانی و گستردگی شبکه ارتباطات داخلی و خارجی را هم در نظر داشته باشد؛ زیرا این سه عامل به عنوان عوامل اثرگذار مستقیم بر عامل فرهنگ سازمانی یادگیرنده است. به همین ترتیب برای اصلاح و تغییر در استراتژی سازمانی مشتری‌محور، لازم است سه عامل پویایی ساختار سازمانی، توانمندسازی منابع انسانی و گستردگی شبکه ارتباطات داخلی و خارجی در نظر گرفته شود.

بنابراین برای تقویت یکی از عناصر دخیل پذیرش فناوری نرم در صنعت مطبوعات، دو راه وجود دارد. راه حل اول این است که مدیریت شرکت اقدام به تقویت یا اصلاح مستقیم آن عامل کند. این کار ممکن است در زمان مورد نیاز برای مدیریت شرکت امکان پذیر نباشد که در این صورت مدیریت سازمان اقدام به اصلاح یا تقویت غیرمستقیم آن عامل می‌کند که در واقع راه حل دوم برای تقویت آن عامل است. به طور مثال اگر مدیریت سازمان دغدغه بهبود وضعیت فرهنگ سازمانی یادگیرنده را در سازمان داشته باشد ولی در زمان کنونی راه حل مستقیم برای این کار پیدا نکند و یا علی‌رغم داشتن راه حل، بودجه کافی برای این کار را نداشته باشد، می‌تواند با تقویت یا تغییر یکی از عوامل اثرگذار بر فرهنگ سازمانی یادگیرنده باشد که عبارت‌اند از تقویت توانمندسازی منابع انسانی.

#### کتابنامه

- ۱- آذر، عادل؛ خسروانی، فرزانه؛ جلالی، رضا. (۱۳۹۷)، تحقیق در عملیات نرم، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

- ۲- اصغرپور، محمدجواد. (۱۳۹۲)، تصمیم گیری‌های چند معیاره. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- بخشی، بهاره و پیشنمازی، پروانه. (۱۳۸۹). ساختار شکنی ارتباطات انسانی در شبکه وب. کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی ایران. دوره ششم. تهران. شرکت زیراکس ایران.
- ۴- بیابانی، غلامحسین. (۱۳۹۶). بررسی واکاوی مسئولیت‌های اجتماعی رسانه. مطالعات رسانه ای. سال دوازدهم. شماره اول. صص ۵۵-۶۷.
- ۵- تقوی، محمدتقی؛ زیادخانی قاسمی، احد؛ ارجمندفر، سجاد؛ آقای، مجتبی (۱۳۹۶). تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر خلاقیت کارکنان با رویکرد مدیریت دانش (مطالعه موردی: کارکنان شرکت مخابرات استان تهران). سومین کنفرانس بین‌المللی خلاقیت و نوآوری. شهریور ۱۳۹۶. شیراز.
- ۶- جهانشاهی، امید (۱۳۹۴). رسانه‌های اجتماعی و استراتژی‌های نوظهور. مجله رسانه. سال بیست و ششم. شماره ۴. صص ۳۳-۴۷.
- ۷- حمزه‌پور، مهدی؛ خطیبی، علیرضا (۱۳۹۷). فناوری نرم تحول جهانی فناوری، جین زوینگ، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام). تهران.
- ۸- فرهنگ، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۸۸). طراحی مدل تعامل مدیریت رسانه و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۶ شماره ۴.
- ۹- مصلح، علی‌نقی؛ نظری، محمد (۱۳۹۵). طراحی مدل انتقال فناوری نرم تجاری با رویکرد برنامه‌ریزی تعاملی (مورد کاوی: بنگاه‌های کوچک و متوسط شهرک صنعتی آق‌قلا). رساله دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشگاه شیراز.
- ۱۰- Ahmad, N., & Siddiqui, J. (2016). IT/IS issues and challenges in Indian SMES: An interpretive structural modeling (ISM) approach. *International Journal* 4(1), 408-419.
- ۱۱- Akour, J. (2010). Factors influencing faculty computer Literacy and use in Jordan: A multivariate analysis.
- ۱۲- Allard, Matt (2014). Comment: Social Media And The Future of TV News. *social-media-and-the-future-of-journalism*. No 42. PP 89 – 112.

- ۱۳- Bhasin .S. & Burcher .P. (2006). Lean viewed as a philosophy. Journal of manufacturing technology management.
- ۱۴- Botchie .D. ,Sarpong .D. & Bi J. (2018). A comparative study of appropriateness and mechanisms of hard and soft technologies transfer. Technological Forecasting and Social Change ,131 ,214-226.
- ۱۵- Braun J. ,Van Der Beek .P. & Batt .G. (2006). Quantitative thermochronology: numerical methods for the interpretation of thermochronological data. Cambridge University Press.
- ۱۶- Burgess .T. F. & Gules .H. K. (1998). Buyer-Supplier Relationships in Firms Adopting Advanced Manufacturing Technology: an Empirical Analysis of the Implementation of Hard and Soft Technologies. Journal of Engineering and Technology Management ,15(2) ,pp. 127-152.
- ۱۷- De Grood .C. ,Raissi .A. ,Kwon .Y. & Santana .M. J. (2016). Adoption of e-health technology by physicians: a scoping review. Journal of multidisciplinary healthcare ,9 ,335.
- ۱۸- De Rosis .S. & Seghieri .C. (2015). Basic ICT adoption and use by general practitioners: an analysis of primary care systems in 31 European countries. BMC medical informatics and decision making ,15(1) ,1-16.
- ۱۹- Dewan .S. & Min .C. K. (1997). The substitution of information technology for other factors of production: A firm level analysis. Management science ,43(12) ,1660-1675.
- ۲۰- Diaz .M. S. ,Gil .M. J. Á. & Machuca J. A. D. (2005). Performance measurement systems ,competitive priorities and advanced manufacturing technology: some evidence from the aeronautical sector. International Journal of Operations & Production Management ,25(8) , 781-799.
- ۲۱- Dobler .D. W. ; Burt .D. & Lee Jr .L. (1990). Purchasing and Materials Management: Text and Cases .NY: McGraw-Hill Companies.
- ۲۲- Durand .T. & Dubreuil .M. (2001). Humanizing the future: managing change with soft technology. Foresight-The journal of future studies , strategic thinking and policy ,3(4) ,285-295.

- ۲۳- Gibson J. ,Savalani M. M. ,Christopher X. L. ,Olkowski R. ,Ekaputra A. K. ,Tan K. C. & Hutmacher D. W. (2009). Towards a medium/high load-bearing scaffold fabrication system. *Tsinghua Science and Technology* ,14(S1) ,13-19.
- ۲۴- Griffiths H. ,Keirns N. ,Strayer E. ,Sadler T. ,Cody-Rydzewski S. , Scaramuzzo G. .... & Jones F. (2012). *Media and Technology in Society. Introduction to Sociology 2e*.
- ۲۵- Hinton ,Larissa. (2013). *Understanding Social Media*. SAGE Publication.
- ۲۶- Hodge J. (1998). The Midrand area: An emerging high-technology cluster?. *Development Southern Africa* ,15(5) ,851-873.
- ۲۷- Igarria M. & Iivari J. (1995). The effects of self-efficacy on computer usage. *Omega* ,23(6) ,587-605.
- ۲۸- Jensen M. B.; Johnson B.; Lorenz E. & Lundvall B. Å. (2007). *The Learning Economy and the Economics of Hope* Anthem Press.
- ۲۹- Jin Z. (2011). *Global technological change: From hard technology to soft technology*. Intellect Books.
- ۳۰- Kümpel A. S. ,Karnowski V. & Keyling T. (2015). News sharing in social media: A review of current research on news sharing users , content and networks. *Social media+ society* ,1(2) ,2056305115610141.
- ۳۱- Ma H. ,Oxley L. ,Gibson J. & Kim B. (2008). China's energy economy: Technical change ,factor demand and interfactor/interfuel substitution. *Energy Economics* ,30(5) ,2167-2183.
- ۳۲- Monika K& Mahesh J & Gurdip S. (2014). Determinants of corporate social responsibility disclosures: Evidence from India. *Advances in Accounting. incorporating Advances in International Accounting*. vol30,pp 217 - 229
- ۳۳- Muhammad H. H. & Yafooz W. M. (2018). Factors Affecting Strategic Planning of Information and Communication Technologies Use by Academic Libraries. *International Journal of Data Science Research* , 1(1) ,8-14.

- ۳۴- Mullins .B. & Crowe J. (1999). Technology transfer: a roadmap. College and University Auditor .43(1) .4-17.
- ۳۵- Othman .M. F. I. .Chan .T. .Foo .E. .Nelson .K. J. & Timbrell .G. T. (2011 .August). Barriers to information technology governance adoption: a preliminary empirical investigation. In Proceedings of 15th International Business Information Management Association Conference (pp. 1771-1787).
- ۳۶- Pizzi .A. & Mittal .K. L. (2017). Handbook of adhesive technology. CRC press.
- ۳۷- Sobhani Nezhad .M. .Norouzi .A. .Amani J. & Hayat .A. (2009). Role of organizational support .computer experience .anxiety and self efficacy in predicting computer use. Journal of educational psychology studies . 11 .45-68.
- ۳۸- Van House .N. A. (2004). Science and technology studies and information studies. Annual Review of Information Science and Technology (ARIST) .38 .3-86.
- ۳۹- Wing .P. .Langelier .M. .Continelli .T. & Armstrong .D. (2003). Data for decisions: The HIM workforce and workplace—2002 member survey. American Health Information Management Association.





## مروری تحلیلی انتقادی بر نظریات حوزه فرهنگ و فناوری

سیدمجید امامی \*

ابراهیم خرم‌نژاد \*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

### چکیده

فناوریها جزء جدانشدنی زندگی امروزی ما هستند. به این ترتیب زیست اجتماعی جامعه امروز ما خواه ناخواه درگیر با مفهوم فناوری و تعاملات آن با فرهنگ است. تعاملاتی که قطعا یکسویه نیست. زندگی انسان در این فضا وابسته به تحلیل فرهنگی او از این پدیده است و این تحلیل نیز برخاسته از فهم فرهنگی فناوری.

سؤال اساسی این پژوهش رابطه بین فرهنگ و فناوری است، موضوعی که دغدغه بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و فرهنگ بوده و نظریات متعددی در توصیف این رابطه به ویژه در چند دهه اخیر در ادبیات علمی تولید شده است. متن حاضر نگاهی است بر گفتمانها و نظریات مهم و جریان‌ات تأثیرگذار در این حوزه. نقد و بررسی گفتمان جبرگرایی و تأمل در ابعاد آن اولین بخش متن را تشکیل می‌دهد و با مرور گفتمان برساختگرایی، نگاه مقابل جبرگرایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. سپس از منظر تن‌زدودگی و تن‌یافتگی به‌عنوان انسان‌شناسی فناوری به شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های شبکه‌ای خواهیم نگرست. پس‌از آن نظریه مشهور و میان‌رشته‌ای شبکه‌کنشگران را به‌عنوان پدیدارشناسی فناوری جدید مطرح نموده و در نهایت نظریات انتقادی فینبرگ را به‌عنوان نقد فلسفی بر ماهیت فناوری بررسی خواهیم کرد.

پس از هر فصل سعی شده است از منظر کاربردی و از زاویه نگاه بومی به تأمل درباره مطالب مطروحه پرداخته شود. و در انتها به جمع‌بندی راهبردهای فرانظری و لزوم پرداخت نظری در چارچوب فرانظری اسلامی ایرانی پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** جامعه‌شناسی فناوری، فرهنگ فناوری، برساختگرایی، تن‌زدودگی، شبکه‌کنشگران.

\* استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

s.m.emamy@isu.ac.i

\*\* دانشجو دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

ebkh2010@gmail.com

#### مقدمه

زندگی روزمره در عصر ما با فناوری عجین شده است. به گونه‌ای که بدون فناوری‌های مدرن تصور زندگی برای ما بسیار دشوار است. این موضوع نه تنها سبک زندگی بلکه تا عمیق‌ترین مفاهیم ذهنی بشر را نیز تحت تأثیر قرار داده است. اصولاً بشر امروز در بستر فناوری زندگی می‌کند، می‌اندیشد و می‌میرد (مهدی‌زاده و توکل، ۱۳۸۶). از منظر دانشمندان علوم مختلف، تکنولوژی‌ها بازتاب‌ها و تأثیرات و کارکردهای متفاوتی دارند: از سبک زندگی تا روحيات و تعاملات انسانی و تا حوزه‌هایی مثل سیاست و فرهنگ در دایره تأثیرات فناوری قرار می‌گیرند. این زاویه نگاه عمق تداخل علوم و تکنولوژی با زندگی و تاریخ بشر را نشان می‌دهد.

از منظر فرهنگ و تعاملات فرهنگی، فناوری اهمیت ویژه‌ای دارد. به ویژه وقتی این فناوری با ابزاری مثل رسانه معنی شده و در اجتماع بروز می‌کند. نگاه فرهنگی به فناوری هرچند فرازوفرودهای متعددی را پشت سر گذاشته است، اما معمولاً متأخر بر نگاه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی به این پدیده بوده و در بسیاری از موارد درهم‌آمیخته با آنهاست.

فناوری به ویژه در سده اخیر دچار تحول و دگرگونی جدی است و از این منظر تعاملات فرهنگی و اجتماعی آن نیز به نحوی تازه بروز کرده است. به خصوص رسانه‌های مبتنی بر شبکه داده و رسانه‌های دیجیتال در این خصوص گوی سبقت را ربوده‌اند (خانیک و بابایی، ۱۳۹۰).

مطالعات فرهنگ و تکنولوژی فرع بر مطالعات علم است. مطالعات علم و فناوری سعی در بررسی رابطه دوطرفه بین علوم و فناوری‌ها و جامعه انسانی دارد: علم و فناوری نهادهایی انسانی هستند که در بسترهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی جوامع انسانی متولد می‌شوند. از این رو تعاملات این دو، هم جامعه و هم علم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مهدی‌زاده و توکل، ۱۳۸۶، ص. ۸۷).

در واقع می‌توان این‌گونه بیان کرد که اکثر مطالعات این حوزه از یکی از مجرای این سه منظر به موضوع نگریسته‌اند:

- منظر شناختی: به‌مثابه نگاه فلسفی که به تعریف علم و فناوری و ترسیم رابطه این دو و شناخت ماهیت آن‌ها می‌پردازد.
- منظر ابزاری: به‌عنوان نگاه کاربردی که در آن فناوری به‌عنوان ابزاری برای رفع نیازهای بشر دیده شده و معمولاً از این لایه عمیق‌تر نمی‌شود.
- منظر کارکردی<sup>۱</sup>: در این نگاه فناوری هم از لحاظ کارکردهای مادی و هم از نظر کارکردهای غیرمادی و مفهومی مورد مذاقه قرار می‌گیرد. فناوری در این نگاه یک مصنوع ساده نیست، بلکه محصول نظام‌های تعاملی پیچیده‌ای است (Quintanilla, 1998).

از منظر نخست فیلسوفان و متفکران از مارکس گرفته تا هایدگر و وبر به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. از دومین منظر نیز مهندسی و دانشمندان حوزه فنی به توسعه دانش پرداخته‌اند. در این مقاله قصد داریم برخی رویکردها مبتنی بر منظر سوم را مرور کنیم. از نگاه کارکردی، فناوری دارای دو جنبه مادی و غیر مادی است. از یکسو تعاملات فیزیکی بشر را تغییر می‌دهد و معمولاً آسان می‌کند. مثلاً لوکوموتیو زمان پیمودن مسیری طولانی را به شدت کاهش داد و خستگی بسیار کمتری نیز برای مسافر خود به همراه داشت. از سوی دیگر بر مفاهیم، ادبیات، تعاملات انسانی و فرهنگ آدمی تأثیر عمیق خواهد داشت. مثلاً همان لوکوموتیو رابطه بین زمان و مکان را بهم می‌ریزد و در تعاملات انسانی سرعت و کثرت ایجاد می‌کند. فامیلی که در دوردست‌ها توقعی برای دیدن دیگر فامیل خود نداشت، اینک منتظر رؤیت آنها خواهد بود.

---

<sup>1</sup>- Praxiological

### ۱- پیشینه پژوهش

در تعامل بین فرهنگ و فناوری در موضوعات و نگرش‌های مختلف انبوهی از مقالات و آثار دانشگاهی وجود دارد. هرکدام از منظری به این موضوع نگریسته‌اند و در خصوص زاویه نگاه ویژه خود پژوهش انجام داده‌اند. اما کمتر مقاله‌ای به جمع‌آوری نظرات مختلف در این خصوص و تحلیل آن‌ها و نیز مروری بر مهم‌ترین آن‌ها پرداخته است.

در فضای مقالات فارسی، جستجو در منابع مختلف نشان می‌دهد که بیش از ۳۰۰ پایان‌نامه در مقاطع مختلف در ده سال گذشته در خصوص موضوعات مختلف در حوزه فناوری و فرهنگ در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در کشور کار شده است. این موضوع نشان می‌دهد که مناقشه فرهنگ و فناوری از زوایای مختلف مورد توجه جامعه علمی کشور قرار دارد.

نتیجه جستجوی نگارنده در مقالات فارسی در این موضوع نیز حدود ۴۰ مقاله در دو دهه گذشته بود که اکثر آن‌ها نیز مانند پایان‌نامه‌ها به موضوع فرهنگ و فناوری از یک منظر خاص پرداخته‌اند. اکثراً در یک موضوع خاص فناوری به‌ویژه فناوری اطلاعات و یا از یک منظر خاص فرهنگی مانند فرهنگ‌سازمانی موضوع را کنکاش کرده‌اند.

در این میان چند مقاله مروری هرچند مختصر و بعضاً از زاویه‌های نسبتاً محدود بر ادبیات نظری ارتباط داشتند که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

مقاله «فناوری، فرهنگ و تمدن» نوشته محمد آسیایی که در سال ۱۳۸۸ در نامه پژوهش فرهنگی به چاپ رسیده است، با مروری فلسفی بر برخی نظریات این حوزه را مورد بررسی قرار داده است. زاویه نگاه این پژوهش مرور بر نظریات و نقد آن‌ها نیست، بلکه استفاده از برخی نگرش‌ها برای همگرایی مفهومی به جهت پاسخ به سؤالات محقق است. از این جهت نقد و تحلیلی در خصوص نظریات در این مکتوب مشاهده نمی‌شود.

مقاله «علم و فرهنگ: تأملی بر مهم‌ترین تحلیل‌های فرهنگی در جامعه‌شناسی علم و فناوری» نوشته علی ربانی و زهرا ماهر، دومین مقاله‌ای است که مروری کلی بر برخی نظریات فرهنگ و فناوری دارد. این پژوهش نیز مانند مقاله پیشین از منظری خاص یعنی جامعه‌شناسی به موضوع ورود کرده است. به عبارت دقیق‌تر تحلیل فرهنگی ارائه‌شده توسط جامعه‌شناسان علم در این پژوهش روندنگاری شده و خود را ذیل مطالعات علم معرفی می‌کند. هرچند طبقه‌بندی ارائه‌شده در این مقاله از منظر نگارنده در نوع خود مفید و قابل‌مطالعه است، اما نگاه از منظر خاص باعث شده است که برخی از نظریات مهم در حوزه فرهنگ و فناوری مغفول واقع شود. از سوی دیگر تفاوت بین علم و فناوری نیز موجب عدم تمرکز نگارندگان بر موضوع فناوری بوده است.

آخرین مقاله‌ای که در این بخش به نقد آن خواهیم پرداخت، مقاله «مطالعات علم و فناوری: مروری بر زمینه‌های جامعه‌شناسی فناوری» نوشته محمدرضا مهدی‌زاده و محمد توکل است. این مقاله نیز مانند مقاله پیش‌گفته از منظر جامعه‌شناسی به موضوع نگاه کرده و تقسیم‌بندی‌های خود را ارائه می‌دهد. این پژوهش نیز هرچند تقسیم‌بندی‌های قابل‌استفاده‌ای ارائه کرده و به‌مرور به یکی از منابع در این موضوع تبدیل شده است اما مشکلات مربوط به مقاله پیشین را در بردارد.

درنهایت در این مقاله سعی شده است اولاً فناوری و فرهنگ نه از منظری خاص بلکه به‌طور مطلق مدنظر قرار گیرد و مهم‌ترین نظریات مربوط به آن در دیدگاه‌های مختلف موردبررسی قرار گیرد. بدیهی است مکتوب حاضر امکان ارائه تمامی نظریات را ندارد، اما در حد بضاعت و نیز بر اساس نظر صاحب‌نظران امر، سعی شده است مهم‌ترین نظریات در این حوزه موردبررسی و نقد واقع شود.

## ۲- روش پژوهش

این پژوهش به روش گروه کانونی انجام شده است. طبق تعریف مرسوم، این روش شیوه‌ای برای جمع‌آوری داده‌های کیفی است که افراد را در یک بحث گروهی پیرامون موضوع یا موضوعات خاص وارد می‌کند (Wilkinson, 2004, p.177).

برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از گروهی متشکل از یک نفر از اعضای هیئت‌علمی و ۶ نفر از دانشجویان مقطع دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) استفاده شد. ابتدا نظریات مختلف در این گروه مطرح شده و به بحث و تبادل نظر در خصوص نظریه پرداخته شد. سپس نتایج حاصله از گفتگوها توسط محقق جمع‌آوری، گویه‌بندی و تحلیل شد.

تعداد نظریات موردبررسی در جلسات مختلف گروه بیش از ۱۷ نظریه بود که از این میان، نظریات از منظر اعضا مهم‌تر تشخیص داده شد. در نهایت محتوای جمع‌آوری شده از این گروه به همراه محتوای جمع‌آوری شده به روش اسنادی از کتب و مقالات مرتبط، کدگذاری محوری و طبقه‌بندی شده و به صورت مکتوب حاضر ارائه گردید.

### ۳- گفتمان جبرگرای فناوری

به راحتی نمی‌توان کسی را یافت که به صورت مطلق عقیده بر جبر فناوری در جامعه انسانی داشته باشد. به نظر می‌رسد این رویکرد ریشه در نظرات مک لوهان در ارتباطات و تأکید جدی او بر رسانه‌ها به عنوان عامل اصلی تغییرات جامعه دارد. (مهدی‌زاده و توکل، ۱۳۸۶، ص. ۹۰) این گفتمان و دیدگاه که در نیمه قرن بیستم در آمریکای شمالی شکل گرفت، اصولاً نگاهی متفاوت با دیدگاه‌های رایج عصر خود داشت (Babe, 2000). منشأ این تفکر به هارلود انیس بازمی‌گردد؛ او مفهوم سوگیری<sup>۱</sup> را به عنوان یک مفهوم کلیدی برای تحلیل رسانه‌ها و فضای ارتباطی زمان خود به کار برد. هارلود این سوگیری را در چهار محور برای ارتباط در نظر گرفت: اول در محور ماده، به این معنی که هر ارتباط مبتنی بر یک ماده شکل می‌گیرد. حتی در فضای سایبر نیز ماده الکترونیک مثل صفحه‌کلید و صفحه نمایش به عنوان مواد ارتباط وجود دارند. دومین محور، محور شکل است. برای برقراری ارتباط باید ماده در

---

<sup>1</sup>- Bias

چارچوبی سامان و شکل گیرد. محور سوم کاربرد است. به عبارت بهتر این ماده ارتباطی که در شکل خاصی سامان گرفته است، برای کاربردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. و محور آخر مهارت است. به عبارت دیگر مهارت کاربرد یک ابزار در نوع استفاده از آن مؤثر است. انیس بر این عقیده بود که فناوری به‌ویژه در حوزه ارتباطی بر تعامل این چهار محور بازتولید می‌شود و بر اساس این می‌تواند به هریک از این محورها سوگیری داشته باشد (لون، ۱۳۸۸، صص. ۳۷-۳۷).

از زاویه دیگر او رسانه‌ها را دارای دو سوگیری عمده به سمت مکان یا زمان می‌داند و این سوگیری را منحصراً نتیجه بعد فناورانه رسانه نمی‌داند، بلکه نتیجه ریشه دوانیدن در ساختارهای علم و تعاملات کارکردی و مهم‌تر از همه ریشه اجتماعی فناوری می‌داند (Anderson, 1983). او تحلیل‌هایش را از تلگراف به‌عنوان آغاز انقلاب فناورانه در رسانه شروع و این‌چنین تحلیل می‌کند که تلگراف رابطه بین زمان و مکان را منقلب کرد و امکان انتقال پیام در مکان‌های دور با زمان‌های تقریباً صفر را فراهم نمود. سپس به صنعت چاپ می‌پردازد و این فناوری را دارای سوگیری مکانی می‌داند. درنهایت او معتقد است تنها در دوره کوتاهی در اوایل قرن بیستم تعادل در سوگیری بین مکان و زمان با اختراع رادیو برقرار شد (Innis, 1972, p. 81).

نوع نگاه و تحلیل انیس، الهام‌بخش مک لوهان برای نظریه‌پردازی شد. او از فرض‌های اساسی انیس در تکامل فناوری رسانه‌ای پیروی کرد اما مانند او به شرح اقتصادی سیاسی فناوری نپرداخت. او مفهوم سوگیری را به انسان نزدیک کرد و سوگیری را آن چیزی دانست که کل وضعیت انسان را در برمی‌گیرد. از این‌رو نیروی پیش‌برنده فرایندهای تاریخی است. (لون، ۱۳۸۸، ص. ۴۱) ادبیات مک لوهان به‌گونه‌ای است که فرض‌های مبنایی و هستی‌شناختی نظریاتش را پنهان می‌کند و هیچ‌گاه شالوده معرفتی و هستی‌شناختی استدلال‌های خود را شرح نمی‌دهد. در نتیجه از همان ابتدا انتقاد جدی محافل علمی و سردرگمی و کج‌فهمی از مطالبش را باعث شد. (Levinson, 1998, p. 24)

باین حال لوینسن کلید فهم تحلیل‌های مک لوهان را در چهار پرسش اساسی می‌داند: رسانه چه چیزی را در فرهنگ تعالی می‌دهد؟، چه چیزی را منسوخ می‌کند؟، چه چیزی را مجدداً احیا می‌کند؟ و درنهایت رسانه به چه چیزی مبدل می‌شود؟ (Levinson, 1998, p. 16).

از این منظر نمی‌توان به راحتی مک لوهان را متهم به جبرگرایی کرد. به عبارت دیگر گویا تأکید زیاد او بر رسانه‌ها به عنوان متغیر تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی این کج‌فهمی را ایجاد نموده است که مک لوهان رسانه را یک کنشگر اصلی در فرایند تغییر تاریخ می‌داند. این تعبیر عریان از جبرگرایی فناوری اصلی‌ترین اتهام مک لوهان و پیروانش است (Morley, 2007).

از این رو بیشتر منتقدان مک لوهان او را به صورت مطلق صاحب چنین دیدگاهی نمی‌دانند، بلکه نسبت به تأکیدات جدی او بر عامل رسانه و نادیده گرفتن عوامل دیگر تحولات اجتماعی انتقاد می‌کنند.

#### ۴- نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی فناوری

مقاله پینچ و بیجکر (۱۹۸۷) سرآغاز شکل‌گیری این رویکرد محسوب می‌شود. (مختاری، ۱۳۹۷) این نظریه در مقابل نظریه جبرگرایی فناوری این ایده را مطرح کرد که فناوری برساخته گروه‌های اجتماعی و نوعی کنش بین آنهاست. (Johnson, 2009, p.107)

این نگاه از این جهت که فرایند طراحی و تولد فناوری را محصول ارزش‌ها و تعاملات گروه‌های اجتماعی می‌داند، به نظریه انتقادی فینبرگ بسیار نزدیک است. از سوی دیگر خواستگاه این دیدگاه را می‌توان در جامعه‌شناسی معرفت علمی ۱۹۷۰ در انگلستان دانست، که روش‌شناسی «برنامه‌های قوی و اصل تقارن» را برای تحلیل فناوری مناسب می‌داند. (مهدی‌زاده و توکل، ۱۳۸۶، صص. ۹۳) دیوید بلور (1991) مدعی لزوم اعمال تقارن در تحلیل پدیده‌های بود. او به عنوان یک فرد شاخص در این دیدگاه، معرفت علمی را به تنهایی محصول عقلانیت نمی‌دید. او فرایندهای روانی و



اجتماعی را نیز در ساخت معرفت درست و نادرست کاملاً مؤثر می‌دانست. به عبارت دیگر مبنای یک نگاه برساختی به این مفاهیم بود. (MacKenzie, 1999, p.21)

به این ترتیب تقارن در تبیین امر صادق و کاذب وقتی به منظر تحلیل فناوری تبدیل شد، که نگاهی فراتر از تبیین‌های مادی و فیزیکی، تکنولوژی را امر برساختی از گروه‌ها و کنش‌های اجتماعی نشان دهد. (مهدی‌زاده و توکل، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۵) در الگوهای برساخت‌گرا اعتقاد این است که فناوری نه - آن‌چنان‌که ذات‌گرایان می‌گویند - از حرکت ذاتی خود پیروی می‌کند و نه حتی از مسیر عقلایی معطوف به حل مسأله، بلکه فناوری ساخته تعامل و برهمکنش نیروهای اجتماعی است. (Bijker, 2005, p. 684). هر فناوری برای آنکه از آزمایشگاه محل تولد خود بتواند به صحنه بازی اجتماعی قدم بگذارد نیاز به عبور از فیلترهای متعدد اجتماعی دارد. برهمکنش اولیه در این خصوص در بین «گروه‌های اجتماعی مرتبط<sup>۱</sup> [با فناوری]» آغاز می‌شود. گروه‌های مرتبط در واقع گروه‌هایی هستند که به نحوی ورود فناوری به جامعه می‌تواند به منافع آن‌ها مربوط باشد و یا گروه‌هایی که مدافع منافع عمومی هستند. مثلاً فناوری هسته‌ای از دید کارگران و اتحادیه کارگری و یا شاغلین در حوزه پرتودرمانی، یک فناوری لازم و ایمن است درحالی‌که از دید فعالین بین‌الملل ممکن است حرکتی به سمت ساخت تسلیحات اتمی محسوب شده و از این جهت تهدیدی برای روابط مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها به حساب آید. به این ترتیب طیف وسیعی از تفسیرها در مورد یک فناوری در بین این گروه‌ها شکل می‌گیرد. به این ترتیب این هویت مصنوع یا موفقیت و یا حتی شکست تکنیکی آن ویژگی‌های ذاتی فناوری نیستند، بلکه برساخته تعاملات اجتماعی و چنین «تفسیرهای منعطفی»<sup>۲</sup> هستند.

---

1- Relevant Groups

2- Flexible interpretations

در آخرین نسخه نظریه برساخت‌گرای فناوری، چهار مفهوم پایه مطرح می‌شود که اولین آن همان گروه‌های ذی‌ربط هستند. بیجکر گروه‌های ذی‌ربط را این‌گونه تعریف می‌کند: کنشگران اجتماعی که به شکلی به یک موضوع ارجاع می‌دهند. او این کنشگران را منسوب‌کنندگان اولیه معنی به یک فناوری می‌داند. او مثال دوچرخه با چرخ بلند در دهه ۱۸۷۰ را بسط می‌دهد و صنعتگران دوچرخه، ورزشکاران جوان، دوچرخه‌سواران زن و مخالفان دوچرخه‌سواری را به‌عنوان گروه‌های مرتبط با این فناوری مطرح می‌کند. دومین مفهوم پایه، مفهوم «تفسیر منعطف» است. این مفهوم اشاره به معانی متعددی دارد که گروه‌های اجتماعی مرتبط، به یک فناوری می‌توانند نسبت دهند. به‌این‌ترتیب در اجتماع با یک فناوری روبرو نیستیم بلکه به تعداد تفسیرها، فناوری داریم که همگی مرتبط با یک مصنوع است. دوچرخه برای زنان دهه ۱۸۷۰ وسیله‌ای خطرناک بود چون ممکن بود لباس آن‌ها را درگیر کند و برای مردان جوان مطلوب بود چون وسیله خودنمایی آن‌ها در برابر زنان بود. (Bijker, 2005, p.15253)

بیجکر وجود این تفسیرهای متعدد را ناشی از ظرفیت فناوری می‌داند. انعطاف‌پذیری تکنولوژی این اجازه را می‌دهد که گروه‌های مختلف از منظر خود به آن نگاه کنند و آن را تفسیر نمایند.

مفهوم سوم «اختتام تفسیرها» یا «تثبیت تفسیرها»<sup>۱</sup> است. تفسیرهای منعطف در طی مدتی که ممکن است سال‌ها به طول انجامد، معانی متعددی را به یک فناوری بار می‌کنند اما بالاخره یکی از این تفسیرها در متن عمومی جامعه تثبیت شده و به‌عنوان معنی غالب پذیرفته می‌شود. این فرایند ممکن است سال‌ها به طول انجامد اما نقطه تثبیت تفسیرها، نقطه پایانی برگشت‌ناپذیر یک فرایند ناهماهنگ است. این نقطه جایی است که در آن چندین مصنوع در کنار هم زنده و فعال هستند.

---

<sup>1</sup>- Rhetorical closure

مفهوم چهارمی که بیجگر به آن می‌پردازد، مفهوم «چارچوب تکنولوژیک» است. مفهومی که ابتدا در نظریه وجود نداشت و به‌مرور و پس از انتقادهایی که از نظریه شد، به آن اضافه گردید. (مهدی‌زاده و توکل، ۱۳۸۶) این مفهوم اشاره به فرایند شکل‌گیری معنی در یک گروه از گروه‌های ذی‌ربط دارد. به‌عبارت‌دیگر پاسخی به این سؤال است که معنی خاصی از یک فناوری که توسط یک گروه ذی‌ربط تولید و ارائه می‌شود، در داخل این گروه چگونه شکل می‌گیرد؟ به‌عبارت‌دیگر چرا برساخت اجتماعی فناوری در یک گروه اجتماعی این مسیر را طی می‌کند و به‌تبع این گروه‌ها چرا به‌صورت کلی برساخت اجتماعی فناوری این مسیر را در جامعه می‌پیماید؟ این مفهوم چیزی شبیه پارادایم کوهنی است با این تفاوت که پارادایم به تعریف کوهن مخصوص جوامع علمی است درحالی‌که چارچوب تکنولوژیک حاصل تعامل درون‌گروهی است بین اعضای گروه که لزوماً نه اعضا و نه تعاملات آن‌ها سببه علمی ندارند. از سوی دیگر فناوری‌های جدید خود بر نحوه ادراک اعضای گروه تأثیر می‌گذارد و در مواجهه با مصنوع جدید، تجربه و چارچوب تکنولوژیک قبلی نیز با توجه به تثبیت و یا تأثیر مصنوع قبلی، تغییر کرده است. به‌این‌ترتیب به‌گونه‌ای شاهد یک چرخه بازتولید این مفهوم در گروه‌های ذی‌ربط هستیم.



شکل ۱. چرخه برساخت فناوری

از سوی دیگر یک نفر می‌تواند به گروه‌های مختلفی تعلق داشته و از این رو می‌تواند چارچوب‌های تکنولوژیک متعددی داشته باشد و واضح است که در برساخت همه این چارچوب‌ها نیز می‌تواند مؤثر باشد. به این ترتیب گروه‌های و چارچوب تحلیل آن‌ها از هم مستقل نیست و به گونه‌ای از هم در فرایندهای متعدد تأثیر متقابل می‌پذیرند (Bijker, 2005, p.701).

#### نقد و بررسی

نظریه برساخت اجتماعی فناوری به عبارتی تکامل‌یافته نظریه انتقادی فینبرگ است. هرچند احتمالاً نمی‌توان اثبات کرد به لحاظ فرایند نظریه‌پردازی مستقل یا تأثیر پذیرفته از آن است اما به لحاظ مفهومی می‌توان دید که فرایندی که به صورت کلی در نظریه

فینبرگ تبیین شده بود در اینجا به صورت جزئی تری و البته با تفاوت‌هایی به صورت مشروح تفصیل شده است.

این نظریه در نسخه‌های متعدد خود از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵، تغییرات و تطوراتی داشته است و بسیاری از نقدهای موجود به آن مربوط به نسخه‌های قدیمی تر آن است. از جمله می‌توان به نقدهای واینر (۱۹۹۳) اشاره کرد. او از یک سو به ساختار نظریه این ایراد را وارد می‌داند که از پیامدهای انتخاب‌های تکنیکی افراد و گروه‌های اجتماعی غفلت کرده است و فناوری را در فرایندی جامعه‌شناسی آن‌هم از جنس جامعه‌شناسی نوآوری، تفسیر می‌کند (Winner, 1993). این در حالی است که ممکن است افراد و یا گروه‌هایی خاص تصمیم‌هایی مربوط به خود در مورد یک فناوری بگیرند که هم بر معانی فناوری و هم بر نحوه ورود آن به جامعه تأثیر داشته باشد. فرایندی که نمی‌توان آن را صرفاً برساخت اجتماعی از نوعی که بیجگر شرح می‌دهد، دانست. همچنین او معتقد است که اولاً این زاویه نگاه نقش گروه‌های نامرئی و نیز ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی عمیقی که ممکن است نسبت به آیین تکنولوژی وجود داشته باشد را نادیده می‌گیرد و ثانیاً نقش قدرت‌های سیاسی در فرایند توسعه و عدم توسعه یک فناوری را مورد تحلیل قرار نمی‌دهد. از این رو واینر در یک مقاله با لحن بسیار تند از این نظریه به عنوان یک جعبه سیاه توخالی تعبیر می‌کند. (همان)

همچنین انتقادهای کلین به این دو نکته برمی‌گردد که اولاً شناخت گروه‌های ذی‌ربط در عمل دشوار است و ثانیاً این نظریه بیشتر بر عاملیت تأکید دارد و عوامل ساختاری تر را نادیده می‌گیرد (Klein, 2020, pp. 42-49). از این جهت انتقاد کلین به انتقاد وینر در مورد عدم توجه به گروه‌های نامرئی و ساختارهای عمیق فرهنگی در یک جامعه، نزدیک است. کلین بر این باور است که عدم توجه به این ساختارها باعث می‌شود در عمل نتوان بسیاری از موفقیت‌ها و شکست‌های مصنوعات را توضیح داد. او این عدم توجه را ناشی از عدم توجه به ساختارهای قدرت در جوامع می‌داند. از این رو

معتقد است نقش دولت‌ها و ابزارهای قدرت مثل نهادهای مردم‌نهاد را باید در این نظریه مجدداً بازنگری کرده و افزود (مهدی‌زاده و توکل، ۱۳۸۶، صص. ۹۹-۱۰۰).

درواقع کلین و واینر عقیده به تکمیل این نظریه دارند و سعی دارند از طریق کامل کردن ابعاد آن بر قدرت نگاه ساختارگرا بیفزایند. از این جهت نمی‌توان آن‌ها را منتقد این نگاه به صورت کلی نامید. از این رو می‌توان گفت هر دو بر این باورند که باید میزان دسترسی به انواع منابع اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را بر این نظریه افزود و همچنین مهم‌تر از همه به میراث تکنولوژیک جامعه توجه جدی کرد (Klein, 2020, pp. 45-46).

نکته دیگر در مورد نگاه برساخت‌گرایی این است که این نگاه فقط به نیمی از چرخه توجه می‌کند و آن را مفصلاً تفسیر می‌کند و نیمه دیگر چرخه را یا نادیده می‌گیرد و یا تنها به آن اشاره می‌کند و از آن می‌گذرد. نیمه دوم در واقع تأثیر اجتماعی و فرهنگی فناوری است که نقطه عزیمت اصلی و شروع بسیاری از نظریه‌پردازی‌هاست. به عبارت دیگر برساخت تکنولوژی توسط یک جامعه روی دیگری نیز دارد و آن برساخت جامعه از برآیند نوآوری‌هاست. هر چند این جمله کمی اغراق‌آمیز است چراکه فقط فناوری نیست که موجب شکل‌گیری یک فرهنگ یا فرایند اجتماعی می‌شود اما نمی‌توان تأثیر فناوری را نیز بر جامعه نادیده گرفت.

#### ۵- نظریه تن‌یافتگی و تن‌زدودگی

رسانه‌های الکترونیک رابطه زمان و مکان را متحول کرده‌اند. ارتباط در عهد قدیم به معنی رابطه متقابلی بین زمان و مکان بود. وقتی پیامی توسط سیستم پستی یا به صورت شفاهی از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شد، مستلزم انتقال مکانی معنی بود که صرف زمانی مشخص را نیاز داشت. تلگراف به‌عنوان اولین نسل از رسانه‌های الکترونیک با انتقال آنی پیام، این رابطه بین زمان و مکان را درهم ریخت. از سوی دیگر ماده ارتباط نیز از کاغذ و ماده فیزیکی به الکترون که به‌نوعی انتزاعی بود، تغییر یافت (Negroponte, 1995). این گسست بین ماده مولکولی و ماده دیجیتالی، تعریفی

جدید از دنیای امروز است. ماده مولکولی که به زمان و مکان محدود است و ماده دیجیتالی که رابطه‌ای سیال بین زمان و مکان را باعث می‌شود. (لون، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۲) در نسل‌های بعدی، به‌مرور انواع مختلف رسانه از دیداری و شنیداری با هم ترکیب شدند و به‌مرور با ظهور رایانه انتقال و بایگانی داده نیز با این مجموعه ترکیب شد. این ترکیب چندگانه موجب اضافه شدن دو امکان به رسانه‌های جدید شد: ارتباط راه دور و پردازش داده (Kittler, 1997). ترکیب رسانه‌های مختلف و رواج آن‌ها در جامعه انسانی از یک‌سو و نفوذ آن‌ها در تمامی ساحات زندگی بشر از سوی دیگر باعث ظهور نوعی «آرایش توده‌ای» از آدمیان شد که گاهی حتی در ارتباط باهم نیز نیستند. رسانه‌های جدید ارتباطات متعددی بین انواع مخاطب خود برقرار می‌کنند:

- ارتباط بین گروهی اندک با گروهی انبوه: مانند رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون و یا سایت‌های خبری
- ارتباط بین گروهی اندک با گروهی اندک: مانند پیامک و ایمیل و ...
- ارتباط بین گروهی انبوه با گروهی انبوه: مانند گروه‌های چت، بازی‌های گروهی آنلاین و ...
- ارتباط بین گروهی انبوه با گروهی اندک: مانند گردآورندگان اطلاعات، مواجهه انبوه کاربران با تحلیل‌گران داده‌های بزرگ

انواع این گروه‌ها انواع ارتباطاتی را می‌سازند که در آن‌ها توده‌های انسانی درگیرند. توده انسانی به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌شود که به دلیل رویدادی گرد هم آمده‌اند. (لون، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۴) پیش‌ازین توده در حضور شخص یا چیزی که رخداد حول آن شکل‌گرفته بود جمع می‌شدند و وحدت مکانی و زمانی را تجربه می‌کردند. وحدتی که منجر به ارتباط می‌شد و گریزی از این ارتباط نبود. اما فرض کنید این رویداد در عصر حاضر یک رویداد رسانه‌ای باشد: مخاطبانی که همه به دیدن یک برنامه تلویزیونی اقدام می‌کنند. انسان‌هایی که «آرایش توده‌ای» دارند اما تجربه هم‌زمانی و هم‌مکانی و به‌تبع آن ارتباط را درک نخواهند کرد. این آرایش توده‌ای به این معنی

است که «در جهان ارتباط جمعی و عمدتاً الکترونیکی ما، نقصی در وجوه ارتباط انسانی وجود دارد.» (لون، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۵) گویی امتداد قوای انسانی چنان‌که مک لوهان می‌گفت، توسعه یافته است به نوعی به امتداد ارتباط انسانی و امتداد مفاهیم مرتبط با او نیز بسط یافته است.

به نظر می‌رسد رسانه‌های فناورانه، و به‌ویژه رسانه‌های الکترونیکی در عصر جدید، معنی جدیدی از انسان را خلق کرده‌اند که موجب بازنگری در انسان‌شناسی ارتباطی شده است. انسان از مفهومی یکپارچه و دربند تن، به مفهومی باز، شبکه‌ای و یا سیستمی از ارزش‌ها باقابلیت سازگاری بسیار بالا تبدیل شده است. (همان)

کمرنگ شدن سازمان مکانی و زمانی انسان که واقعیت زندگی امروز است (Beck, 1998) رابطه آدمی با فیزیک جسمانی‌اش را برهم زده است. و این موضوع بر شیوه ادراک، تفکر و معنی‌سازی او تأثیر گذاشته است (Fuller, 2005). انسان عصر تلماتیک، موجودی شبکه‌ای است که اساساً درک متفاوتی از معنی «حضور» دارد. انسان شبکه‌ای درگیر حضورهای مختلف و هم‌زمان است، چیزی که هلگا نووتنی (۱۹۹۴) آن را «حضور امتداد یافته» می‌نامد. این کثرت حضورها را مک لوهان با عبارت «یک‌بارگی» توصیف می‌کند. (۱۹۶۷) و امروزه ما آن را «حضور مجازی» می‌خوانیم.

این حضورهای متکثر و غیر مقید به زمان و مکان باعث نوعی به‌هم‌ریختگی و آشفتگی روانی می‌شود (Van Loon, 2002). انسان قدیم در طول زندگی خود شاید یک شیوع بیماری می‌دید و کشته شدن نهایتاً چند نفر در اطراف خود آن‌هم اکثراً به مرگ طبیعی. او به تعدادی محدود خبر مرگ یا کشته شدن را می‌شنید و تعداد محدودتری را در حوزه حضور دیداری یا شنیداری خود تجربه می‌کرد. اما حضورهای متکثر انسان امروزی او را درگیر حجم بالایی از پیام‌های این‌گونه و تجربه حضورهای ناگوار کرده است. حضورهایی از جنس «امتداد یافته». این‌گونه است که او درگیر سرگشتگی و اضطراب‌های روانی بیشتری است و روی کمتری از آرامش را حس می‌کند. «این احساس سرگشتگی را، که نمونه‌اش را می‌توان در احساس خطر شدت یافته نزد کسانی



که پیوند محکمی با شبکه‌دارند مشاهده کرد، می‌توان نتیجه گسستی در تن‌یافتگی دانست که به واسطه تن‌زدودگی حاصل شده است.» (لون، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۷)

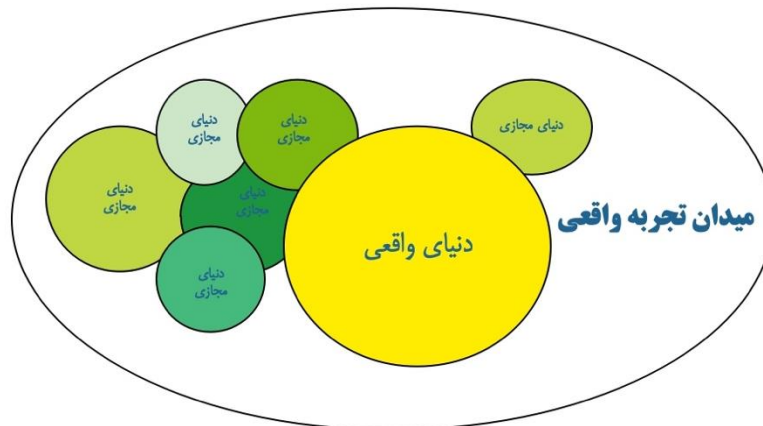
مفهوم تن‌زدودگی و تن‌یافتگی ریشه در مفهوم امتداد قوای انسانی دارند. مفهومی که مک لوهان (۱۹۶۴) آن را در ادبیات ارتباطات تثبیت کرد. هرچند مفهوم «امتداد» آن‌گونه که مک لوهان می‌گفت مستلزم نوعی ارتباط با مکان است: انسانی که در آنجا نیز امتداد یافته، نوعی مفهوم زمانی را نیز در بردارد. حضور هم‌زمان امتدادهای آدمی در نقاطی که بعضاً در زمان گذشته است! به عبارت دقیق‌تر مفهوم تن‌زدودگی که متقابلاً به معنی تن‌یافتگی در ساحتی جدید متولد می‌شود، توسعه همان مفهوم «امتداد قوای انسانی» مک لوهان است که در ساحت رسانه‌های شبکه‌ای و مجازی جدید بازتعریف شده است. لون دوگانه تن‌یافتگی و تن‌زدودگی را نه در مقابل هم بلکه در کنار هم به کار می‌برد. به عبارت دیگر فردی که در رسانه الکترونیک تن‌یافته شده است در عین حال از هویت قبلی خود تن‌زدوده است. این تن‌یافتگی از طریق فیزیک موادی که رسانه را با بدن فیزیکی وی مرتبط می‌کنند، به دنیای واقعی ذهن، فکر و حتی بدن فیزیکی فرد وارد می‌شود. کیبندی که شخص لمس می‌کند، صفحه موبایلی که می‌بیند، خستگی که بر اثر نشستن زیاد در مقابل رایانه متحمل می‌شود، همگی واقعی هستند.

تن‌یافتگی آدمی در فضای رسانه‌ای، هویت‌های برساخته و چندگانه‌ای برای او ایجاد می‌کند که ارتباط بعضاً مستقیمی با هویت سنتی او دارند. هویت‌هایی که می‌تواند مرجع عمل و حتی پاداش و جزا باشد. (خانیک‌کی & بابایی، ۱۳۹۰) از سوی دیگر فردی که در زمان واحد با هویت‌های متعدد حضورهای هم‌زمان و متعددی را تجربه می‌کند، هویتی چندپاره دارد: حضور در پشت و روی صفحه‌نمایش و میان این دو. انسانی که هم‌زمان تن‌زدوده و تن‌افته است! (لون، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲)

### نقد و بررسی

انسان تن یافته در فضای رسانه‌های جدید، انسانی در مرز تداخل واقعیت و مجاز است که همگام با توسعه حضورهای موازی و تن‌یافتگی‌های رسانه‌ای، امکانات و

توانایی‌های جدیدی را برای خودساخته است و به تبع آن انتظارات تازه‌ای را در تعاملات و کنش‌های خود باعث می‌شود. ارتباط بین این فضاها تکثیر یافته حجم بالاتری از توانایی‌ها را می‌طلبد و سرعت زندگی او را بالاتر می‌برد. اما برخلاف تصور اولیه، همه این مجازها در بستر واقعیت وجودی انسان اتفاق می‌افتد و اوست که همچنان باید کنش‌های متکثر و متعدد در این فضاها را انجام دهد، انتخاب کند، اختیار کند، بسازد، عمل کند و پاسخگو و مسئول رفتارها و کنش‌های خود باشد. چنین انسانی برای فرار از مسئولیت‌های یک تن، به تن دیگر ممکن است پناه ببرد، و آرزوهای محقق نشده در یک بدن را در دیگری جستجو می‌کند. (خانیکی و بابایی، ۱۳۹۰، ص. ۸۱) این‌گونه است که عدم موفقیت در یکی، اضطراب‌های واقعی در همه تن‌یافتگی‌های را باعث می‌شود و فردی که در یک فضا تحت فشار روانی است در تمامی فضاها عکس‌العمل روانی خواهد داشت. و این از آن‌روست که همه این دنیاهای موازی، در میدان تجربه واقعی فرد، حضوری واقعی دارند. به عبارت دیگر این فناوری‌های ارتباطی جدید و دنیاهای موازی زندگی اجتماعی نوینی را برای فرد ایجاد می‌کنند (Gripenberg, 2005). ساسن سسکیا (۲۰۰۲) معتقد است که برخلاف آنچه معمولاً در نگاه اول به نظر می‌رسد تحرک بالا و مادیت‌زدایی کارکردهای اصلی فناوری جدید نیست، چراکه چنین برداشتی باعث نفی این واقعیت است که شرایط مادی و انضمامی منجر به این نتایج شده است. او جهان‌های موازی در فضای مجازی را به نوعی انعکاس دنیای واقعی می‌داند و این‌گونه استدلال می‌کند که رفتارها و کنش‌های فرد در این فضاها مبتنی بر فرهنگ او در دنیای واقعی است. به عبارت دیگر فضای مجازی به صورتی تجسم‌یافته در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی وجود دارد (Saskia, 2002).



شکل ۲: دنیاهای فرد در میدان تجربه

انسانی که در حین تن‌زدودگی از دنیای واقعی، در دنیاهای موازی تن‌یافته می‌شود، عوالمی را تجربه می‌کند که از یکسو مماس بر هم و از سوی دیگر متداخل در هم هستند، اما همگی در میدان واقعی تجربه و تجربه واقعی او قرار دارند. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص. ۴۸)

این نگاه معنی سنتی تجربه در نگاه پوزیتیویستی خود را به گونه‌ای گسترش داده و تجربه واقعی فرد را در دنیای قابل مشاهده اطراف به دنیاهای متکثر و متداخل و هم‌زمان امتداد می‌دهد. و این به نوعی نقص آشکار و ملموس مفهوم تجربه دکارتی است. از سوی دیگر دنیای رسانه‌های دیجیتال دنیای ظهور و افول پرسرعت انواع رسانه‌ها است. رسانه‌هایی که هرچند همه در یک بستر واحد متولد شده و افول می‌کنند اما دنیاهای متفاوتی را می‌سازند و ممکن است طول زندگی متفاوتی هم داشته باشند. هم‌اکنون اتاق‌های چت از نسخه پلاتو که در سال ۱۹۷۴ متولد شد، بسیار فاصله گرفته‌اند و به راحتی می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی دیگر اتاق‌های چت و گفتگو نیستند هرچند آن‌ها را نیز شامل می‌شوند. رادیو، تلویزیون، آی‌پد، نوارهای کاست، نوارهای ویدیو، سیستم‌های VOD، یوتیوب، شبکه‌های اجتماعی بر مبنای وب در انواع مختلف، هرروز و بر مبنای خلاقیتی جدید متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و کم‌افول

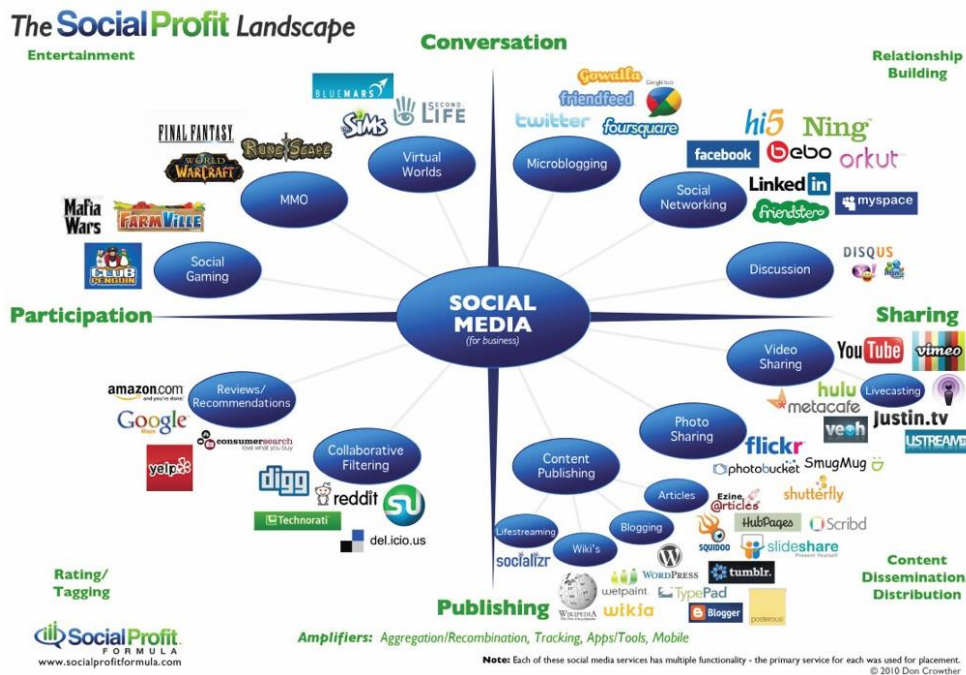
می‌کنند. (خانیک و بابایی، ۱۳۹۰، صص. ۸۴-۸۵) چرخه‌ای که پیش‌از این برای رسانه‌هایی مثل چاپ یا تلگراف یا دیگر رسانه‌ها ده‌ها و شاید قرن‌ها طول می‌کشید برای رسانه‌های جدی به سرعت و طی چند سال به پایان می‌رسد. ظهور، رشد و افول اتاق‌های گفتگوی یاهو در جامعه ایران نمونه بارز این چرخه است. از زمانی که اورکات پرطرفدارترین شبکه اجتماعی مبتنی بر وب در ایران بود هنوز دو دهه نگذشته است، اما بسیاری از نسل حاضر حتی نام آن را نشنیده‌اند!<sup>۱</sup>

این موضوع علاوه بر مباحثی که در پدیدارشناختی رسانه‌های عصر ما باعث می‌شود، در انسان‌شناسی فضای رسانه‌های جدید نیز گفتمان‌ساز است. کاربر این رسانه‌ها دیگر معنی سنتی مخاطب را ندارد و نیز مجبور است با سرعت تحولات آن‌ها تغییر کند. جامعه انسانی نیز هنوز فرصت سازگاری با یک رسانه را نیافته است و شاهد افول آن و ظهور نسل‌های جدیدی از رسانه‌هاست. سرعت این تغییرات گاهی آنقدر بالاست که حتی تعریف و دسته‌بندی این رسانه‌ها را دشوار می‌کند. (خانیک و بابایی، ۱۳۹۰، صص. ۸۱-۸۶)

---

۱- <https://haftestan.com/technology/> های-اجتماعی و --E2%80%8C%20تاریخچه-شبکه

/سرگذشت-آن



شکل ۳. شبکه‌های اجتماعی

این حجم بالا از تجربه‌های متعدد رسانه‌های انسانی می‌سازد در رفت‌وآمد مدام بین تن‌زدودگی‌ها و تن‌یافتگی‌های متکثر و متعدد و بعضاً کوتاه‌مدت یا بلندمدت. اضطراب و سرگشتگی محصول طبیعی این چرخه پرسرعت است (لون، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۷)، چرخه‌ای که همگی ما کم‌وبیش تجربه‌اش کرده‌ایم.

### ۶. نظریه شبکه کنشگران

نظریه شبکه کنشگران (ANT) ریشه در نظریات اروپایی فناوری در دهه ۱۹۸۰ دارد. در فرانسه برونو لاتور و میشل کالون و در بریتانیا جان لائو، این نظریه را توسعه دادند. قاضی طباطبایی و ودادهیر، (۱۳۸۶) در این منظر کنشگر اهمیت ویژه‌ای دارد. یک کنشگر ماهیتی نیست که لزوماً افعال هدفمند انسانی را بتوان به آن نسبت داد، بلکه مفهومی با سطح انتزاع بالاتر است به‌گونه‌ای که ماهیت انسانی و غیرانسانی را در

برمی‌گیرد (Fountain, 1999). «در نظریه کنشگر- شبکه هر کنشگر مختار یا عامل<sup>۱</sup> در واقع کارگزاری<sup>۲</sup> فردی یا جمعی است که می‌تواند پیوسته یا منفک از دیگر کارگزاران باشد. عامل‌ها به عضویت انجمن‌های شبکه‌دار درمی‌آیند و هویت خود را از آن‌ها کسب می‌کنند. شبکه‌ها به عامل اجازه می‌دهد که ذات، قصد، کنش و ذهنیت خود را متعین سازد. از سوی دیگر، عامل‌ها در فرایند کار علمی خود به شبکه مبدل می‌شوند و تحت عنوان شبکه توسعه می‌یابند. کنشگران ترکیبی هستند از اشیاء، هویت‌ها، روابط، و احکام که به‌طور نمادین به آن‌ها تفویض شده است و قادرند به درون شبکه‌های ناهمگون دیگر رخنه کنند یا در آن‌ها لانه بسازند.» (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۶)

یک کنشگر- شبکه زمانی وجود دارد که یک کنشگر تعدادی ماهیت‌های وابسته به هم را به‌طور موفقیت‌آمیزی عضوگیری کرده باشد و کنشگر به‌واسطه آن‌ها و با حمایت آن‌ها بتواند عمل کند. به فرایند عضوگیری یک کنشگر یا به خدمت درآوردن ماهیت‌های مختلف توسط یک کنشگر، فرایند ترجمه<sup>۳</sup> اطلاق می‌شود. (ربانی و ماهر، ۱۳۹۱)

واقعیت، محصول پیچیده رویارویی کنشگران انسانی و غیرانسانی است. این کنشگران ارتباطاتی برقرار می‌کنند که از طریق آن‌ها احساسات خاصی ثبات یافته و بدیهی انگاشته می‌شوند. به‌طوری‌که کنشگران بر اساس این احساس کار و فعالیت می‌کنند. (Latour B., 1987). این نگاه به جهان در واقع یک دیدگاه بین‌رشته‌ای است که از یکسو وام‌دار فناوری شبکه‌های اطلاعاتی و از سوی دیگر وام‌دار علوم اجتماعی است و اولین بار در آثار میشل کالون (۱۹۹۱) و برونو لاتور (۱۹۹۲) مشاهده شد (Muniesa, 2015).

1- actant

2- agent

3- Translation

در این رویکرد واقعیت و عمل برساخته تعامل شبکه‌ای از کنشگران انسانی و غیرانسانی است که به ثبات رسیده‌اند و این سازه به ثبات رسیده مبنا و مفهوم عمل است. بازیگران در شبکه، در کنار هم موجب تولید و بازسازی شبکه تعاملات می‌شوند. انسان بازیگر اصلی این شبکه است که عوامل و بازیگران غیرانسانی را وارد شبکه می‌کند، اما تعاملات بین هر دودسته (انسان و غیر انسان) است که شبکه را می‌سازد. شبکه مملو از عوامل انسانی و غیرانسانی است که مدام در حال کنش با یکدیگرند. هویت و کیفیت عامل‌ها، طی مناسبات میان نمادهای انسانی و غیرانسانی تعیین و تعریف می‌شود و نمادها نیز از طریق فرآیندهای ارتباطی که برقرار می‌کنند، شناسایی می‌شوند. (فنی، ۱۳۹۲)

این نظریه در مقابل نظریه رفتارگرایی است که عمل را نتیجه باور و انعکاس از سازه‌های درونی فرد می‌داند. مفهوم «کنش» در نظریه کنشگران شبکه، با مفهوم «رفتار» متفاوت است. رفتار بر نیت فرد نیز اشاره دارد اما کنش صرف انجام دادن است و بر اتفاق واقع استوار گردیده است. این رویکرد پنجره‌ای جدید روبه تاریخ می‌گشاید. از این منظر اتفاقات تاریخی بیش از آنکه تصادفی باشند، ساختاری «رویداد مانند» دارند و در شبکه از کنش‌ها شکل می‌گیرند. کنش‌هایی بین انواع کنشگران انسانی و غیرانسانی. از این جهت اخلاق، سیاست و عقاید همه در شکل‌گیری رویداد مؤثرند و مفاهیم در طول زندگی و دانش بشری در چنین شبکه‌های به‌هم‌پیچیده، پیوسته و بزرگی از کنشگران متولد و تثبیت می‌شود. طبق این نظریه، کار اصلی علم فناوری خلق شبکه‌های بزرگ‌تر، قوی‌تر و مفصل‌تر از طریق فرایند ترجمه و تفهیم است. (قاضی طباطبایی & ودادهیر، ۱۳۸۶) انسان عصر رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون در یک شبکه یکسویه زندگی می‌کرد. در این شبکه پیام‌های یک پیام ساز از طریق ابزار تلویزیون به مخاطب می‌رسید و شبکه تعاملی محدودی بین رسانه و مخاطبان و یا مخاطبان با یکدیگر وجود داشت. اما با ظهور شبکه‌های اجتماعی و توسعه فناوری ارتباطی شاهد

شبکه بسیار بزرگتر و مفصل‌تری هستیم که در آن ارتباط دو سویه بین کاربران وجود دارد و اصولاً مفهوم مخاطب دگرگون می‌گردد.

از این رو لاتور رویکردهایی مثل ساخت‌گرایی (لوی - استروس) روانکاوی (لکان) کارکردگرایی (پارسونز) و حتی تاریخ‌گرایی (فوکو) و مارکسیسم را رویکردهای تقلیل‌گرایانه می‌داند. و سعی می‌کند با نظریه شبکه، به گونه‌ای همگرایی میان همه این رویکردها ایجاد کند (Latour B., 2005). او سعی می‌کند در شبکه‌ای از کنش‌ها، رویدادها را به گونه‌ای توضیح دهد که همه نگاه‌های تقلیل‌گرایانه جزئی از شبکه وی قرار گیرند و بدین ترتیب تحلیل خود را از تفاسیر متافیزیک مستغنی کند. از این رو لاتور معتقد است که «آنچه واقعی یا غیرواقعی می‌نامیم فقط معلول کنش‌هایی است که با آن پدیده‌ها را در بوته آزمایش می‌گذاریم.» و لذا «واقعیت از مقاومت در مقابل آزمایش سرچشمه می‌گیرد.» (لون، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۸) به عبارت دیگر اگر حس کنیم که محیط کاملاً تحت اختیار و کنترل ما تغییر می‌کند و می‌توانیم اجزای آن را به دلخواه خود تغییر دهیم، این حس را خواهیم داشت که این محیط محصول وهم است نه واقعیت. از این روی میزان واقعی بودن امر مجازی نیز بر اساس همین دیدگاه به میزان مقاومتش در مقابل آزمون‌پذیری و تغییر از سوی کاربران بازمی‌گردد. (Latour B., 2005) از زاویه دیگر می‌توان این‌گونه بحث کرد که اگر واقعیت حاصل کنش بین کنشگران متعدد است پس منطقی نیست که یک کنشگر به تنهایی بتواند تمام واقعیت را بر اساس خواسته و دلخواه خود تعریف کند یا تغییر دهد. اگر چنین شد معنی کنش بین کنشگران متعدد مخدوش شده است و ساخت واقعیت به ساختار وهم و خیال نزدیک و تبدیل می‌شود.

بر اساس این زاویه نگاه، دنیاهای مجازی ساخته‌شده توسط رسانه‌های الکترونیک هرچقدر در برابر تغییرات دلخواه کاربر مقاومت کنند، واقعی‌ترند و از این رو همه مشخصات واقعیت کنشگرانه‌ای که لاتور تصویر می‌کند را دارند: از کنش شبکه بزرگ



و پیچیده بین انسان‌ها و غیر انسان‌ها تشکیل شده‌اند و ساختار آن‌ها توسط کاربر تا حدود قابل قبولی غیرقابل آزمون است.

### نقد و بررسی

نگاه شبکه‌ای به رسانه‌های جدید به وجهی نگاه پدیدارشناختی است که سعی دارد واقعیت رسانه‌های عصر ما را بر پایه نگاهی شبکه‌ای تفسیر نماید و به عبارت دقیق‌تر این پدیده را بر مبنای کنش‌های شبکه‌ای مانند بسیاری دیگر از پدیده‌های تاریخی، بازنمایی و تفسیر نماید. از سوی دیگر اگر بعد انسان‌شناسی که بحث تن‌زدودگی و تن‌یافتگی تشریح کرد را به این ساختار پدیدارشناسی اضافه کنیم، تصویری جدید متولد می‌شود: انسانی تن‌زدوده از دنیای قدیم و تن‌یافته در دنیای روابط و کنش‌های پیچیده شبکه‌های انسانی و غیرانسانی دیجیتال. در بستر شبکه‌ای از کنش‌های متقابل که گاهی فرق بین کنشگران انسانی و غیرانسانی آن به راحتی مشخص نیست.

دنیای کنشگران شبکه‌ای دنیایی است که با کنش‌های متقابل تعریف می‌شود. مرز واقعیت در این کنش‌ها چنانکه لاتور بحث می‌کند، آزمون‌پذیری توسط کنشگر انسانی است. از این رو بسیاری از ساختارهای رسانه‌های مدرن و شبکه‌های اجتماعی نه تنها در محدوده خارج از واقعیت و مجاز جای نمی‌گیرند، که بعضاً جای واقعیت را به دلیل کثرت تعاملات و کنش‌ها می‌گیرند. از این رو گویی نظریه ANT به گونه‌ای خاص از انسان‌شناسی نیاز دارد. انسان در این نظریه اولاً در تقابل با کنشگران غیرانسانی است و ثانیاً، بسیار توسعه‌یافته‌تر از بدن مادی است. به عبارت دیگر مفهوم کنش در این دیدگاه به راحتی می‌تواند مشتمل بر کنش‌های غیرمادی فرد باشد. به این ترتیب انسان در ابعاد غیرمادی وجود خود توسعه می‌یابد. این انسان توسعه‌یافته می‌تواند جوامع جدید با شبکه تعاملات جدید و نیز کنشگران غیرانسانی جدید تولید کند که بعضاً از موجودیت مادی برخوردار نیستند.

از این رو نظریه کنشگران شبکه به راحتی انسان جدا شدن از بدن مادی را می‌پذیرد و کنش‌های او را در دنیاهای موازی و غیرمادی به رسمیت می‌شناسد. به این ترتیب در

نگاه خود تن‌زدودگی و تن‌یافتگی را به‌عنوان نگاه انسان‌شناسانه می‌پذیرد. این ترکیب زیست‌آدمی را در شبکه‌های کنشی موازی ممکن می‌داند و به‌این‌ترتیب می‌تواند توصیفی برای انسان امروزی در تعامل با رسانه‌ای الکترونیک و شبکه‌ای باشد.

تن‌یافتگی‌های شبکه‌ای آدمی او را در معرض تعاملات متعدد و هم‌زمانی قرار می‌دهد که همگی در دنیای واقعی ذهنی او باید تحلیل شده و برای هر یک از این حضورها کنش یا واکنشی از طرف او سرزند. شبکه‌های موازی همه از منابع مادی و غیرمادی محدود آدمی استفاده می‌کنند. واضح است که کنش‌های متقابل درون این شبکه‌ها و برساخت شبکه‌ها و ارتباط‌های جدید فقط صرف منابع نیست و تولید منابع جدید مالی و غیرمالی و امکانات و فرصت‌ها نیز از نتایج طبیعی این تعاملات است. این سیستم‌های تودرتو معنی زمان و سرعت تعامل را تغییر داده و منابع و ظرفیت‌های محدود آدمی را اولاً شکوفا کرده و به‌صورت کامل‌تری به خدمت می‌گیرند. ثانیاً سطح جدیدی از تعامل را نسبت به ساختارهای قدیمی‌تر باعث می‌شوند. این‌گونه است که انسان عصر جدید فردگراتر شده و فرصت کمتری برای تعاملات اجتماعی در دنیای فیزیکی دارد. این به معنی تغییر معنی خانواده و نیز تغییر مجرای برآورده شدن انواع نیازهای عاطفی و مادی فرد است. به‌عبارت‌دیگر انسان به‌مرورزمان با شبکه‌ها، سبک زندگی و نحوه نگرش و به‌مرورزمان نوع رفتارها و تعاملات خود را تطبیق داده و تغییر می‌دهد و این شبکه‌های اکثراً غیرمادی، انسانی در جهان مادی می‌سازند که دیگر انسان پیشین نیست.

از سوی دیگر در تحلیل شبکه‌کنشگران می‌توان رفتارهای فرد را نیز حاصل شبکه‌ای از تعاملات درونی و بیرونی او دید. به‌این‌ترتیب نتیجه طبیعی گسترش شبکه‌های موازی، صرف وقت و توانایی‌های کمتر در شبکه‌های سنتی و مولد فرهنگ مثل خانواده است. به این موضوع فرایند رشد فرد و نظام درگیرسازی و آموزش کنش فرد در فرایند رشد با شبکه‌های کنشگر را اضافه و تحلیل کنید. درواقع این نگاه ریشه‌های درونی که باعث کنش‌های بیرونی در انسان می‌شود را حاصل شبکه‌ای از

تعاملات درون فرد می‌بیند. از این‌روست که خود را کل‌نگرتر از رویکردهایی مثل رویکرد روان‌شناسانه لکان می‌داند.

#### ۷- نظریه انتقادی فینبرگ

نظریه انتقادی تکنولوژی برای نخستین بار در کتابی با همین نام در سال ۱۹۹۱ توسط فینبرگ مطرح شد. نظریات انتقادی فناوری، موضوعی جدید نیستند و در آثار مارکس و دیویی و برخی رویکردهای ابزارگرایانه نیز توجه به این حوزه دیده می‌شود (Feenberg A., 2010, p. 146)، اما به‌طور جدی و به‌عنوان یک نظریه، توسط فینبرگ مطرح شده است. فینبرگ در دو دهه اخیر به چاپ مقالات و کتاب‌های خود به‌عنوان نسل سوم از نظریه‌پردازان انتقادی پرداخته است. فینبرگ، شاگرد مارکوزه است و از نگرش‌های وی و سایر متفکران مکتب فرانکفورت تأثیر پذیرفته است (Hickman, 2006). علاوه بر سنتی که وی بدان تعلق دارد (مکتب فرانکفورت)، از آرای هایدگر، فوکو و جامعه‌شناسان ساخت‌گرای فناوری نیز به‌شدت بهره برده است. (Feenberg A., 2010, p. Preface).

در نظریه انتقادی تکنولوژی، ارائه راهکارهای سازنده جهت اصلاح امور، پس از شناسایی مشکلات است که حائز اهمیت است. از این‌رو، نظریه انتقادی تکنولوژی را می‌توان نظریه‌ای قلمداد کرد که نهایتاً پیوند نظر و عمل را رقم می‌زند و از این لحاظ شایسته توجه و تأمل جدی است.

نظریات انتقادی، «تکنولوژی را به‌عنوان یک واحد یکپارچه» در نظر می‌گیرد و فینبرگ به‌عنوان اصلی‌ترین نظریه‌پرداز انتقادی تکنولوژی، تکنولوژی را به‌عنوان «پدیده سرکوبی تمایز نیافته» می‌داند و «تکنولوژی‌های خاصی را در ارتباط با ظرفیت‌های رهایی‌بخشی و یا سرکوبگری بررسی می‌کند» (دوسک، ۲۰۰۹، صص. ۱۳۶-۱۳۷). از نظر فینبرگ، «تکنولوژی لزوماً ابزاری برای رسیدن به اهدافی خاص نیست، هرچند شیوه زندگی را شکل می‌دهد» (Feenberg A., 2009, p. 146). فینبرگ در نظریات انتقادی تکنولوژی، در توصیف تکنولوژی معتقد است که «تکنولوژی یک سرنوشت

نیست، بلکه صحنه نبرد است. میدان کارزار اجتماعی است که در آن بدیل‌های تمدنی محل نزاع و تصمیم‌گیری هستند». وی بیان می‌کند که فناوری‌ها جدا از جامعه نیستند، اما «با دستگاه‌های اجتماعی و سیاسی خاصی سازگار شده‌اند» (Feenberg A., 1991, p. 14). بنابراین تکنولوژی‌ها ابزارهایی خنثی نیستند و همراه با دیگر جنبه‌های اجتماع تحول‌یافته‌اند و همانند نهادها و قوانین و سنت‌ها که می‌تواند با کنش انسانی تغییر کند، سیستم‌های تکنولوژی نیز می‌تواند تغییر یابد (Feenberg A., 2009, p. 146). در واقع نظریه انتقادی، خنثی بودن تکنولوژی را نمی‌پذیرد و به جای عقلانیت فناورانه، «عقلانیت سیاسی» جایگزین می‌شود (Feenberg A., 2002, p. 14). بر اساس این، «ارزش‌های یک سیستم اجتماعی خاص و منافع طبقات حاکم آن، در طراحی رویه‌های عقلانی و ماشین‌ها کار گذاشته می‌شود». شکل مسلط عقلانیت فناورانه، نه ایدئولوژی است و نه انعکاس خنثی از قوانین طبیعی، بلکه مبتنی بر «تقاطع میان ایدئولوژی و تکنیک درجایی است که هر دو برای کنترل وجودهای انسانی و منابع گرد هم می‌آیند» (Feenberg A., 2002, p. 15). همین‌طور فینبرگ معتقد است که «اثر گسترده تکنولوژی می‌تواند تعمدی یا غیرععمدی باشد و ممکن است که در نتیجه انتخاب‌گری‌های طراحی خاص یا از منظر اثرات باشد و در هر شکل آن، اثر تکنولوژی کمی نبوده، بلکه این اثر به شکل کیفی است و ربطی به عقلانیت همگانی ندارد و نیازمند نوع خاصی از توضیح است» (Feenberg A., 2010, p. 68).

در نظریه انتقادی تکنولوژی، تکنولوژی‌های مختلف اموری ارزشمند قلمداد می‌شوند که در ساختار خود، حامل ارزش‌های حاکم بر رویه طراحی‌اند (Feenberg A., 1999, p. 210). فینبرگ با توجه به آرای جامعه‌شناسان بر ساختگرا، نگاه وبری را که مطابق آن، تکنولوژی، صرفاً حاصل شناخت روابط علی محسوب می‌شود و با ارزش‌ها که اموری انفسی هستند در تقابل است (Feenberg A., 1995, p. 13). مورد انتقاد قرار می‌دهد. طراحی پل‌های شهر نیویورک قدیم، نمونه خوبی برای ملاحظه چگونگی دخیل شدن ارزش‌ها در رویه طراحی است. در این طرح، ابعاد پل‌ها

به‌گونه‌ای انتخاب‌شده بود که از عبور اتوبوس، که وسیله نقلیه افراد فقیر محسوب می‌شود، از روی پل جلوگیری شود و به‌این‌ترتیب، افراد فقیر نتوانند از سواحل سوی دیگر پل، بازدید کنند (Feenberg A., 1999, p. 80).

فینبرگ، نگاه خود را به مسأله دخالت ارزش‌ها در رویه‌ی طراحی، با به‌کارگیری ایده تعیین ناقص طراحی توسط ملاحظات تکنیکی، ملموس‌تر می‌سازد. ملاحظات تکنیکی، به‌خودی‌خود برای تعیین بخشیدن به طراحی تکنیکی ناکافی هستند (Feenberg A., 1995, p. 4). البته باید توجه داشت که این بدین معنا نیست که در طراحی، اصول تکنیکی زیر پا گذاشته می‌شود. طراحی‌های موفق، اصول تکنیکی را موردتوجه قرار می‌دهند؛ لکن باید توجه داشت که طراحی‌های مختلفی می‌توانند اهداف یکسان یا شبیه یکدیگر را برآورده سازند، بی‌آنکه دلیل تکنیکی قاطعی برای برگزیدن یک طرح بر طرح‌های رقیب وجود داشته باشد (همان). در حقیقت، آنچه سبب برگزیدن نهایی یک طرح از میان طرح‌های رقیب، در رویه طراحی می‌شود ارزش‌های موردتوجه گروه‌های اجتماعی مختلف است (همان). بدین ترتیب، هر طرح برگزیده‌شده تکنیکی، در ساختار خود، حامل ارزش‌های طبقات دخیل در رویه طراحی است. ارزش‌های موردتوجه صاحبان قدرت اقتصادی، رهبران سیاسی، خریداران ابزارآلات، تکنسین‌ها و بوروکرات‌ها همگی در برگزیدن طرح مطلوب تأثیرگذار است (همان).

به عقیده فینبرگ، معنای یک ابزار، به‌شدت متأثر از ارزش‌های حاکم بر رویه طراحی است. وی، توهم جبرگرایی تکنولوژیک را که مطابق آن، تکنولوژی، فارغ از ارزش‌های اجتماعی و بر اساس یک منطق درونی صرفاً تکنیکی و ضروری پیشرفت می‌کند، فراموش‌شدن همین سرچشمه‌های اجتماعی تعریف ابزارآلات مختلف می‌داند (Feenberg A., 1999, p. 11). فینبرگ توضیح می‌دهد که قرن‌ها کوشش شد، تا این ارزش‌ها از رویه طراحی، تا حد امکان حذف شود و تکنولوژی به‌منزله امر عقلانی محض در جامعه خود را متجلی سازد؛ لکن توجه به تجربه‌هایی نظیر شکست ژاپن در

توسعه فرهنگ ژاپنی با استفاده از تکنولوژی‌های وارد شده غربی، نشان داد که تکنولوژی خنثی از ارزش، تنها یک توهم است. تکنولوژی غربی از طریق چیدمان‌های تکنیکی که حامل سبک زندگی غربی بود به ژاپن انتقال یافت و این سبک زندگی، کاملاً متفاوت از سبک زندگی ژاپنی بود (Feenberg A., 2010, p. 123).

رمزهای تکنیکی همواره تاحدی به خاطر ارزش‌های بازیگران مسلط، «سوگیری» دارند و در این میان، نظریه انتقادی تکنولوژی کمک می‌کند تا این سوگیری روشن شود. اما شناختن سوگیری تکنیکی دشوار است (Feenberg A., 2010, p. 68). فینبرگ در نظریه انتقادی به تکنولوژی به انواع سوگیری اشاره می‌کند: «الف) سوگیری قائم‌به‌ذات که بر اساس باورهای غیرقابل‌اعتماد است. تصمیماتی که در عالم فناورانه به‌طور قائم‌به‌ذات سوگیری دارند، منتهی به ناکارآمدی اجتناب‌پذیر می‌شود، اما عملکردهای کارآمد اغلب غیرمنصفانه هستند، حتی جایی که از سوگیری اجتناب شده باشد.» ب) بنابراین نظریه انتقادی تکنولوژی، مفهوم «سوگیری صوری» را برای شناخت این امر معرفی می‌کند که «چگونه یک وسیله یا سیستم تکنیکی که به‌طور منطقی سامان یافته و به‌خوبی طراحی شده و درست کار می‌کند، می‌تواند در یک زمینه اجتماعی موردنظر مشخص شود» (Feenberg A., 2010, p. 69).

از سوی دیگر فینبرگ معتقد است که «هرچند نظریه انتقادی تکنولوژی به دنبال شناخت جنبه‌های اجتماعی تکنولوژی است، اما این رویکرد مانع از شناخت اهمیت عملکرد آن است». در حقیقت، تکنولوژی‌ها باید واقعاً کار کنند تا در خدمت استراتژی‌های اجتماعی باشند. فینبرگ، معتقد است که نه فیلسوفان پیشین و نه جامعه‌شناسان ساخت‌گرا، هیچ‌یک، نتوانسته‌اند در ارائه نظریه‌ای جامع، در باب تکنولوژی، موفق باشند (Feenberg A., 1999, pp. 201-202). وی، به‌منظور ارائه تصویری جامع از تکنولوژی، با تلفیق بینش‌های هر دو گروه، ذاتی تاریخی برای تکنولوژی قائل می‌شود. مطابق این دیدگاه، تکنولوژی، محل تجمع نظام‌مند متغیرهای اجتماعی - فرهنگی به شیوه‌ای خاص است؛ متغیرهایی که زمینه تحقق تاریخی

تکنولوژی به صورت‌های مختلف را امکان‌پذیر می‌سازد. (Feenberg A., 1999, p. 201). این مفهوم از ذات تکنولوژی، حاصل تفکر در باب تکنولوژی، بر اساس مورد توجه قرار دادن توأمان کارکرد و زمینه است و بیشتر نمایانگر طریقی است که تکنولوژی در طول زمان، به‌صورت آنچه هست باقی می‌ماند. (Glazebrook, 2006, p. 46). در این دیدگاه، ذات، یک‌چیز را ثابت نگاه می‌دارد و نه آن را در برابر هرگونه تفسیر آزاد می‌گذارد (همان). این نگرش، امکان ورود متغیرهای اجتماعی - فرهنگی به ذات تکنولوژی را فراهم می‌سازد و درعین‌حال از تقلیل تکنولوژی به متغیرهای اجتماعی صرف جلوگیری می‌کند.

به عقیده فینبرگ، در برابر مشکلات برآمده از فضای تکنولوژیک فعلی، سه رهیافت می‌توان اتخاذ کرد: (Feenberg A., 1999, p. 27). مطابق رهیافت نخست، که برآمده از نگاه ابزاری به تکنولوژی است، ضمن استفاده از تکنولوژی مدرن، با استفاده از قدرت سیاسی می‌توان از ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی حفاظت کرد و تمدنی بدیل در برابر تمدن غربی به وجود آورد. در این دیدگاه، می‌توان بر پایه یک نظام ارزشی بومی، نظیر اسلام یا کنفوسیانیسم، حوزه‌های فرهنگی مختلف کشور را در برابر استیلای فرهنگی غربی حفاظت کرد و تکنولوژی مدرن را در خدمت حفظ این اهداف به کاربرد (همان). به عقیده فینبرگ، این رهیافت، با مشکلی جدی روبه‌رو است. دولتی که بخواهد ارزش‌های بومی را در برابر هجوم ارزش‌های غربی حفظ کند، باید در این راستا از اقتدار و قدرت کافی برخوردار باشد و این امر مستلزم آن است که این دولت، برای حفظ ارزش‌های بومی نیز به تکنولوژی مدرن و میراث تکنیکی غرب، متوسل شود. از طرفی، همان‌گونه که گفته شد، تکنولوژی، در ساختار خود حامل ارزش است و استفاده از تکنولوژی مدرن برای حفظ ارزش‌های بومی، به معنای استفاده از ارزش‌های غربی برای حفظ ارزش‌های بومی است و این پارادوکسی آشکار است (همان). شکست ژاپن، در حفظ ارزش‌های بومی باوجود استفاده از تکنولوژی مدرن، تلقی ناصحیح از تکنولوژی در این دیدگاه را نشان می‌دهد (همان).

مطابق رهیافت دوم که فینبرگ آن را به متفکرانی نظیر هایدگر و آدورنو نسبت می‌دهد، واکنش مناسب در برابر فضای تکنولوژیک حاکم، نوعی عقب‌گرد از محیط تکنیکی به هنر و طبیعت است. به عقیده فینبرگ، در این رهیافت، با وجود آنکه فضای تکنولوژیک حاکم مورد نقد قرار می‌گیرد، هیچ‌گونه تلاشی برای اصلاح این فضا صورت نمی‌گیرد (Feenberg A., 1999, pp. 151-152). فینبرگ، با اشاره به موارد تاریخی مختلف، نظیر تأثیر ابتکارات کاربران اینترنت، در دگرگون‌سازی طراحی آن، ناتوانی انسان در تغییر فضای تکنولوژیک فعلی را رد می‌کند (Feenberg A., 2010, p. 122).

فینبرگ، با رد هر دو رهیافت مذکور، رهیافت خود را مطرح می‌کند که مطابق آن، تکنولوژی نه ابزاری خنثی است که افراد و گروه‌های مختلف بتوانند آن را با اهداف متفاوت مورد استفاده قرار دهند و نه تقدیری است که تنها خدا بتواند ما را از آن نجات دهد؛ بلکه امری ارزش‌بار است که با مشکلاتی روبه‌رو است و می‌تواند دگرگون شود (Feenberg A., 1995, p. 2).

به عقیده فینبرگ، مشکلاتی نظیر فقر مسائل فرهنگی در جامعه تکنولوژیک امروز را قدرت‌های اقتصادی که بر طراحی و توسعه تکنیکی حاکم‌اند، رقم می‌زنند (Feenberg A., 2010, p. 155). مشکل تکنولوژی امروز، را باید در ارزش‌های مورد توجه چنین قدرت‌هایی یافت و تغییر فضای موجود را باید در رهایی از این ارزش‌ها جستجو کرد. وی با توجه به ایده تعیین ناقص و با اشاره به این آموزه مارکس، مارکوزه و فوکو، که توسعه جوامع صنعتی از طریق راه‌های بدیل امکان‌پذیر است، این انگاره را که توسعه تکنولوژیک جامعه، تنها به یک صورت، امکان‌پذیر است را رد می‌کند (Feenberg A., 2002, p. 134). به عقیده وی، می‌توان صورت دیگری از صنعتی‌سازی جامعه را در پیش گرفت که در آن، دیگر هدایت رویه طراحی بر اساس ارزش‌های سرمایه‌داری صورت نگیرد. فینبرگ، جنبش‌های اجتماعی به‌منظور مشارکت مردمی در رویه طراحی را راهکار تغییر تکنولوژی‌های فعلی و دست یافتن به نظام مطلوب، معرفی می‌کند (Feenberg A., 1999, p. 76). به عقیده وی، جنبش‌های



دموکراتیک برای تغییر تکنولوژیک، به طراحی‌های دموکراتیک‌تر منجر خواهد شد. وی این ایده را «ایده استمرار» می‌نامد که مطابق آن، دموکراسی هم وسیله تغییر است و هم نتیجه تغییر؛ با توجه به آن‌که در جوامع مدرن، تکنولوژی، قدرت است و ارزش‌های موردتوجه اربابان نظام‌های تکنیکی بر کلیه وجوه زندگی انسان مدرن سایه می‌افکند (Feenberg A., 1999, p. 131). دموکراتیک ساختن طراحی تکنیکی، با تغییر ارزش‌های موردتوجه در رویه طراحی، به گونه‌ای ساختار قدرت حاکم بر جامعه را نیز دگرگون می‌کند (همان: ص ۱۰۹). فینبرگ، این‌گونه مداخلات کاربران را که ساختار قدرت غیر دموکراتیک ریشه‌دار در تکنولوژی مدرن را به چالش می‌کشد، «عقلانی‌سازی دموکراتیک» می‌نامد (همان، ص. ۱۰۸). عقلانی‌سازی دموکراتیک، پتانسیل‌های نادیده گرفته‌شده در رویه طراحی را موردتوجه قرار می‌دهد و گستره‌ای از دغدغه‌ها نظیر حقوق بشر، سلامتی، محیط‌زیست و کیفیت کار را در ابزاری‌سازی ثانویه وارد می‌کند.

از نگاه وی، راهکار وی، شق دیگری از مدرنیته را رقم می‌زند که وی آن را مدرنیته بدیل می‌نامد (Feenberg A., 2010, p. 77). فینبرگ به‌نوعی دل‌بسته ارزش‌های بعد از عصر روشنگری و مدرنیته است و بر این اعتقاد است که نظام سرمایه‌داری ارزش‌های مدرنیته را به محاق برده است و نظریه انتقادی تکنولوژی نظریه‌ای رهایی‌بخش در حوزه تکنولوژی به شمار می‌آید که در آن، برون‌رفت از فضای تکنولوژیک حاکم، از طریق داخل ساختن ارزش‌های دموکراتیک در رویه طراحی، دغدغه اصلی پرداختن به فلسفه تکنولوژی قلمداد می‌شود چراکه اصلاح تکنولوژی‌های گوناگون که در نظریه انتقادی تکنولوژی، مدنظر قرار می‌گیرد، ارزش‌های حاکم بر جامعه را تغییر خواهد داد و از این‌رو پیامدهای سیاسی- اجتماعی گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت. از این‌رو، نظریه انتقادی تکنولوژی را می‌توان نظریه‌ای در باب چگونگی رهاسازی انسان مدرن از جوامع غیر دموکراتیک با ارزش‌های نابرابر به شمار آورد.

### نقد و بررسی

نگاه فینبرگ به فناوری و فرایند تولد و رواج و به‌نوعی افول آن، به‌وضوح ریشه در نیومارکسیسم و مکتب فرانکفورت دارد. از این جهت نگاه انتقادی او شبیه به آنچه اسلافش می‌گفتند بیش از آنکه راهکاری بسازد، نشان‌دهنده کاستی‌ها و مشکلات است. هرچند او تأکید می‌کند که برای ارائه راهکار آمده است اما به نظر می‌رسد او چیزهایی را بدیهی انگاشته است که برای بسیاری از افراد بشری بدیهی نیست.

تحلیل فینبرگ حاوی نکات دقیقی است اما راهکار او جای بحث جدی دارد. فینبرگ بر این عقیده است که راهکار درست در مواجهه با فناوری، ساخت و توسعه فناوری در بستر فرهنگ است. به عبارت دقیق‌تر او می‌گوید برای حل یک مشکل ممکن است چندین راه فناورانه و بلکه بی‌شمار مسیر در هریک وجود داشته باشد. اینکه کدامیک انتخاب‌شده و از مرحله قوه به فعل برسد، به برساخت اجتماعی و فرهنگی جامعه مربوط می‌شود. (Feenberg A., 2010, p. 134). از این رو فناوری حاوی ارزش‌های جامعه است. از این رو اگر هر جامعه برای حل مشکل خویش تعاملی بومی با فناوریها داشته باشد، می‌تواند راه‌حل‌هایی مبتنی بر ارزش‌های خود را یافته و بر آن تأکید کند. به این ترتیب او از طریق فرایندی دموکراتیک سعی در مداخله در مرحله یا از مرحله «طراحی» تکنولوژی دارد.

سؤال اینجاست که در مورد رسانه‌های جهانی و فناوری‌های جهانی که امروزه تقریباً همه‌گیر شده‌اند چگونه می‌توان این راهکار را پذیرفت و آیا چاره‌ای جز تن دادن به فرهنگ مسلط وجود دارد؟ این موضوع به‌ویژه زمانی که مفهوم فناوری را به انواع فرایندهای انسانی و تعاملات بشری اعم از مادی و غیرمادی توسعه دهیم، بیشتر نمایان می‌گردد. از این رو نظریه انتقادی فینبرگ با وجود توانایی در تحلیل امپریالیسم ارزشی فناوری، راهکاری برای آن ارائه نمی‌دهد.

از زاویه‌ای دیگر در تقاطع این نظریه با نظریه کنشگران شبکه، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که فناوری‌های جهانی در مرحله تولید و طراحی حتی اگر جهانی طراحی

شوند، محل تعامل و کنش فرهنگ‌های مختلف‌اند اما واضح است که فرهنگ غالب، ارزش‌های غالب را برای آن فناوری خواهند ساخت.

### نتیجه‌گیری

آنچه مسلم است فناوری موضوعی ساده نیست. نگاه‌های مطرح شده در این مقاله که بخشی از مهمترین نظریات در حوزه فرهنگ و فناوری است، همگی بالاتفاق بر تأثیر فناوری بر جامعه و فرهنگ اذعان دارند و سعی در تحلیل سازوکار این اتفاق دارند. تحلیل فرانظری این نظریات نشان از تعارف خاص و نگاه مشخص فرانظری در اکثر این نظریات دارد. هرکدام از این نظریات در حوزه‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و غایت‌شناسی خود ناگفته‌هایی را مفروض گرفته‌اند، که هر چند ممکن است به راحتی در ساختار نظریه مشاهده نشود، اما قطعاً در زاویه نگاه و تحلیل نظری تأثیری عمیق داشته است.

از این منظر به نظر می‌رسد اولاً تدوین و واکاوی فرانظری این نظریات به فهم عمیق‌تر آنها کمک شایانی خواهد کرد و ثانیاً نیاز به نظریه پردازی در این حوزه بر مبنای فرانظریه اسلامی ایرانی، بر محور گفتمان انقلاب اسلامی، کاملاً به چشم می‌خورد.

هرچند بسیاری از این دیدگاه‌ها در فضای جامعه اسلامی ایرانی ما نیز قابل تطبیق است اما زادگاه آنها ایران نیست. به نظر می‌رسد جای نگاهی ایرانی - اسلامی در حوزه فناوری و فرهنگ به شدت خالی است. نگاهی بر آمده از مبانی فرهنگی و دغدغه‌ها مسائل ایرانی - اسلامی.

### کتابنامه

- ۱- آسیایی، محمد. (۱۳۸۸). «فناوری، فرهنگ و تمدن». نامه پژوهش فرهنگی. شماره هشتم، صص. ۶۱-۹۴
- ۲- خانیکی، ه.، و بابایی، م. (۱۳۹۰). فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی؛ مفهوم و کارکردها. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، ۷۱-۹۶.

- ۳- زهره فنی. (۱۳۹۲). فضا، مقیاس و جهانی شدن با تحلیل تئوری شبکه کنشگران (ANT). فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۹۳-۱۰۶.
- ۴- ربانی، علی. ماهر، زهرا. (۱۳۹۱). «علم و فرهنگ: تأملی بر مهمترین تحلیل‌های فرهنگی در جامعه‌شناسی علم و فناوری». فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره پنجم شماره یک صص. ۶۳-۸۹
- ۵- مانوئل کاستلز. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ ظهور جامعه شبکه‌ای، ج ۱. (احد علیقلیان و افشین خاکباز، المحرر) تهران: طرح نو.
- ۶- محمد تقی ایمان، و اسفندیار غفاری نسب. (۱۳۹۴). رویکرد نوین به برساخت‌های اجتماعی فناوری‌های نوین. فصلنامه روش‌شناسی علوم اسلامی، ۸۵، ۱۲۷-۱۴۶.
- ۷- محمدرضا مهدی‌زاده، و محمد توکل. (۱۳۸۶). مطالعات علم و فناوری: مرور برزمینه‌های جامعه‌شناسی فناوری. دوفصلنامه برنامه و بودجه، ۸۵-۱۲۴.
- ۸- محمود قاضی طباطبایی، و ابوعلی ودادهیر. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی علم و فناوری؛ تأملی بر تحولات اخیر جامعه‌شناسی علم. نامه علوم اجتماعی، ۱۲۵-۱۴۲.
- ۹- محمود مختاری. (۱۳۹۷). نقش جنبه‌های فیزیکی و التفاتی مصنوعات فناورانه در عاملیت اجتماعی. راهبرد فرهنگ، ۷-۲۷.
- ۱۰- یوست ون لون. (۱۳۸۸). تکنولوژی رسانه‌ای از منظر انتقادی (طرح مباحثی در حوزه مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای). (بیژن عبدالکریمی، المحرر، و احد علیقلیان، المترجمون) تهران: همشهری.

- 11- Andrew Feenberg. (۱۹۹۵). *Alternative Modernity: The Technical Turn in Philosophy and Social Theory*. Los Angeles: University of California Press.
- 12- Andrew Feenberg. (۱۹۹۹). *Questioning Technology*. New York: Routledge.
- 13- Andrew Feenberg. (۲۰۰۲). *Transforming Technology*. New York: Oxford.
- 14- Andrew Feenberg. (۲۰۰۹). *Democratic Rationalization: Technology, Power and Freedom*. تألیف David M. Kaplan. *Readings in the Philosophy of Technology*. (الصفحات ۱۳۹-۱۵۵). Maryland: Rowman & Littlefield Publisher.
- 15- Andrew Feenberg. (۲۰۱۰). *Between Reason and Experience: Essays in Technology and Modernity*. London: MIT press.

- 16- Andrew Feenberg (1991). Critical Theory of Technology. New York: Oxford University Press.
- 17- B. Anderson (1983). Imagined Communication Reflection on the Origin and Spread of Nationalism. London: Verso.
- 18- B. Latour (1987). Science in Action. How to Follow Scientists and Engineers Through Society. Buckingham: Open University Press.
- 19- D & J. Wetmore. Johnson (2009). Technology and Society: Building Our Socio-technical Future. Cambridge: MIT Press.
- 20- D. A. and J. Wajcman MacKenzie (1999). The Social Shaping of Technology. Milton Keynes: Open University Press.
- 21- D. Morley (2007). Media, Modernity and Technology. The Geography of the New. London: Routledge.
- 22- F. Kittler (1997). Literature Media Information Systems. Amsterdam: OPA.
- 23- F. Muniesa (2010). Actor-Network Theory. The International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences 2<sup>nd</sup> Edition. 84-80.
- 24- Feenberg, A. (2010). Ten Paradoxes of Technology. Techné: Research in Philosophy and Technology 3-15.
- 25- Fountain, R.-M. (1999). Socio-scientific issues via actor-network Theory. Journal of curriculum studies 31.
- 26- Fukuyama (2002). Our Posthuman Future: Consequences of the Biotechnology Revolution. Strauss and Giroux.
- 27- H. Nowotny (1994). Time: The Modern and Postmodern Experience. Cambridge: Polity Press.
- 28- Hans and Daniel Kleinman Klein (2002). The Social Construction of Technology: Structural Consideration. Science, Technology, and Human, 27, 28-52.
- 29- Innis (1972). Empire and Communication. Toronto: University of Toronto Press.
- 30- J. Van Loon (2002). Risk and Technological Culture. Towards a Sociology of Virulence. London: Routledge.
- 31- Langdon Winner (1993). Upon opening the black box and finding it empty: Social constructivism and philosophy of technology. Science, Technology & Human, 18, 362-378.
- 32- Larry A Hickman (2006). From Critical Theory to Pragmatism, Feenberg's T.G. Veak, Democratizing Technology, Andrew Feenberg's Critical Theory of Technology (الصفحات 71-85). New York: State University of New York Press.
- 33- Latour, B. (2005). Reassembling the Social: An Introduction to Actor-Network-Theory. Oxford: Oxford UP.

- 34- M. Fuller .(۲۰۰۵) .Media Ecologies. Materialist Energies in Art and Technoculture .Cambridge: MIT Press.
- 35- Marshall McLuhan .(۱۹۶۴) .Understanding Media: The Extensions of Man .Hammondsworth: Penguin.
- 36- Marshall McLuhan و ،Quentin Fiore .(۱۹۶۷) .The Medium is the Message .New York: Bentam.
- 37- N. Negroponte .(۱۹۹۵) .Being Digital .New York: Knopf.
- 38- P. Levinson .(۱۹۹۸) .Digital McLuhan: A Guide to the Information Millennium .London: Routledge.
- 39- Pernilla Gripenberg .(۲۰۰۵) .ICT and the shaping of society: Exploring human-ICT relationships in everyday life. (Ph.D. thesis) .Helsinki: Edita Prima Ltd.
- 40- Quintanilla ،M. A. (1998). Technical Systems And Technical Progress: A Conceptual Framework. Society for Philosophy and technology.
- 41- R.E. Babe .(۲۰۰۰) .Canadian Communication Thought .Toronto: University of Toronto Press.
- 42- S Saskia .(۲۰۰۲) .Towards a Sociology of Information Technology . Current Sociology. ۳۸۸-۳۵۶ ،
- 43- Trish Glazebrook .(۲۰۰۶) .Replies to Critics تألیف ، T. Veak ، Democratizing Technology: Andrew Feenberg's Critical Theory of Technology (الصفحات ۳۷-۵۲) Albany: State University of New York Press.
- 44- U. Beck .(۱۹۹۸) .Was ist Globalisierung ?Frankfurt: Suhrkamp Verlag.
- 45- Wiebe E. Bijker .(۲۰۰۱) .Social Construction of Technology تألیف . International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences .Elsevier Science Ltd.
- 46- Wiebe E. Bijker .(۲۰۰۵) .Why and How Technology Matters تألیف .The Oxford Handbook of Work of Contextual Political Analysis .Oxford university press.

## **Technology Studies: An Overview of Cultural and Social Theories**

Seyyed Majid Emami\*

Received: 2021/04/05

Ebrahim Khoramnejad \*\*

Accepted: 2021/06/11

### **Abstract**

Technology is an integral part of our lives today. Man's life in this situation depends on his cultural analysis of the phenomenon, and this analysis arises from the cultural understanding of technology. This phenomenon has been studied and theorized from different philosophical, social and cultural perspectives in the last century. The present text is an overview of important discourses and theories and influential currents in this field. Critique of the discourse of determinism and reflection on its dimensions constitute the first part of the text, and by reviewing the discourse of constructivism, we will examine the opposite view of determinism. We will then look at social networks and network technologies from the perspective of disembodiment and incarnation as the anthropology of technology. We will then present the well-known and interdisciplinary theory of the network of actors as the phenomenology of new technology, and finally review Feinberg's critical theories as a philosophical critique of the nature of technology.

After each chapter, an attempt has been made to reflect on the issues from a practical point of view and from a local point of view.

**Keywords:** Sociology of technology, Technology Culture, Constructivism, Disembodiment, Network of Actors.

---

\*Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, ISU, Tehran, Iran  
s.m.emamy@isu.sc.ir

\*\*Ph.D. Candidate of Culture and Communication (corresponding author), ISU, Tehran, Iran  
ebkh2010@gmail.com

## **Structural-Interpretive Modeling of the Factors of Understanding Technology as a Workable Knowledge System in the Press Industry**

Mahdi Hamzepour \*

Received: 2021/06/10

Arefehsadat Nasrollahi \*\*

Accepted: 2021/07/18

### **Abstract**

The concept of technology is changing from technology with limited context to technology with broad context and from hard technology to soft technology. In the light of understanding technology as a workable knowledge system, it can be said that it creates different types of knowledge, basis and context for different types of soft technology. Soft technology research can be embedded in different cultural systems and promote sustainable development and interdisciplinary research to gain broad awareness and effective solutions to global, national, organizational and individual problems. The present study seeks to extract the main elements of soft technology adoption in the press industry in order to provide a reliable platform for the establishment of soft technology. This research is applied-fundamental in terms of purpose and was conducted with a combined approach. In the qualitative part, it has used the method of content analysis and in the quantitative part, it has used the structural-interpretive method. The research community was from the qualitative section of press organizational and academic experts and the quantitative section of Iranian Press Institute managers and senior experts. In the first step of the research, through interviewing 11 experts and activists in the field of media and technology and achieving theoretical saturation and analysis and review of the interview by content analysis, 105 basic themes and 32 organizing themes and finally 9 comprehensive themes were identified. In the second step of the research, by using structural-interpretive modeling (ISM) technique and after completing the structural-interpretive model (ISM) questionnaire by 11 managers and experts present in Iran Press Institute and analyzing the questionnaires in MATLAB software, the position, importance level, effectiveness (influence) and impressionability (dependence) of the extracted elements were presented at five levels. In the first level, the motivation and positive attitude of human resources; in the second level, the evolution of the management system; in the third level, the dynamics of the organizational structure, human resource empowerment and the expansion of internal and external communication network, the centrality of the organization's strategy; and finally in the fifth level, the applied nature of soft technology adoption have been identified.

**Keywords:** Soft Technology, Structural-Interpretive Modeling (ISM), Knowledge System, Press Industry

---

\*Faculty Member, Industrial Department, ISU, Tehran, Iran m.hamzhepour@isu.ac.ir

\*\*M.A. in management, Faculty of Culture and Communication, Surah University, arefeh.s.nasrollahi@gmail.com



## **CrowdLaw; Development of Participation in Rule-Making**

Hadi Tahan Nazif \*

Received: 2021/05/20

Mohammad Amin Hakemi \*\*

Accepted: 2021/06/31

Ali Rasti \*\*\*

### **Abstract**

People's participation in government is changing and evolving with the progress of societies. It has different patterns. The one that is now very common is the representation model. This pattern has undergone extensive changes, with the emergence of a phenomenon called CrowdLaw. The pattern of CrowdLaw is based on the presence of people in consultation and decision-making process. CrowdLaw needs some infrastructures like "transparency" and its spreading owes to employing open innovation and crowdsourcing. CrowdLaw is taking shape on the Internet. It can be delegated to the people. Through CrowdLaw, one has to find the problems and draft a law and amend it. In other words, people have the authority to initiate the law. For estimating how the crowdlaw has created improvement in rulemaking, one should know the nature of representation and establish a comparison. Therefore, the purpose of this research is the comparison between representation and CrowdLaw to use its principles to design a native pattern of CrowdLaw in the future. To this end, this study, with a combination of "case study" and "interpretive" methods, seeks to clarify the horizon of CrowdLaw and how it is involved in the legislative process. Finally, through an understanding of the CrowdLaw it can be adjusted to local situations. To have such an understanding, one must benefit from Islamic teachings such as shura and social responsibility. Also, gaining the gameplay capabilities of these platforms is a great help in localizing the use of it in legislation.

**Keywords:** Representation, Crowdsourcing, CrowdLaw, Participation, Parliament

---

\*Assistant Professor of General Law, Faculty of Islamic Studies and Law, ISU, Tehran, Iran  
tahan@isu.ac.ir

\*\* Ph.D. candidate of Political Science, General Policymaking, ISU, (corresponding author), Tehran Iran  
m.a.hakemi@isu.ac.ir

\*\*\*Ph.D. Candidate of Social Science, Cultural Policymaking, ISU, Tehran, Iran rastiali@ymail.com

## **The Strategy of Prophet Noah (pbuh) in the Face of the "Elites" as Portrayed in Verses 59 to 64 of Surah *al-A'raf***

Mohammad Eskandari \*  
Nabiollah Salari \*\*

Received: 2021/03/28  
Accepted: 2021/06/18

### **Abstract**

The stories of the Holy Qur'an provide many social lessons to which the commentators have paid not enough attention when interpreting verses.

Prophets are the leaders of their societies, so the way they invite people, their confrontation with their opponents, etc. are a model example for the leaders and people of a religious community. This article next to explaining the holy verses from the perspective of commentators, expresses the social lessons of Noah's case in verses 59-64 of Surah *al-A'raf*. Noah's response to the enemy's media warfare and the accusations leveled against him by *al-Malla'* (the council of elites), prove great compassion and enlightenment to prevent the misguidance of the people who become pessimistic about the religious community under the influence of the enemy's slander. This is one of the lessons mentioned in this research; lessons that a religious community like the Islamic Republic of Iran can benefit from. The research method was descriptive-analytical and the data collection was library-based from both written and electronic sources.

**Keywords:** Prophet Noah, Social Lessons, Noah and the Elites, Surah *al-A'raf*

---

\*M.A. in Quranic Studies and Traditions, Imam Sadiq University, Tehran, Iran, mo.es.vali@gmail.com

\*\*M.A. in Quranic Studies and Translations, Imam Sadiq University, Tehran, Iran, nabi.salari@gmail.com

## Contents

- **The Strategy of Prophet Noah (pbuh) in the Face of the "Elites" as Portrayed in Verses 59 to 64 of Surah al-A'raf..... 1**  
Mohammad Eskandari / Nabiollah Salari
- **CrowdLaw; Development of Participation in Rule-Making..... 25**  
Hadi Tahan Nazif / Mohammad Amin Hakemi / Ali Rasti
- **Structural-Interpretive Modeling of the Factors of Understanding Technology as a Workable Knowledge System in the Press Industry .... 57**  
Mahdi Hamzepour / Arefehsadat Nasrollahi
- **Technology Studies: An Overview of Cultural and Social Theories ..... 95**  
Seyyed Majid Emami / Ebrahim Khoramnejad

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

**CULTURE AND MEDIA RESEARCH**

11

Bi-quarterly Scientific Journal Letter of Culture & Communication  
Vol. 6, No. 1 (Serial 11), Autumn2021 and Winter 2022

**Publisher: Imam Sadiq University**  
**Managing Director: Naser Bahonar**  
**Editor in Chief: Mohamad Hadi Homayoun**  
**Deputy Editor: Mohammad Sadegh Nasrollahi**  
**Manager Editorial: Hadi ghiasi Fathabadi**  
**Editor & Lay out: Alireza Allahdadi**

**Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):**

Mohamad Hadi Homayoun.....Professor of Culture & communication Imam Sadiq University  
Hosseinali Saadi .....Professor of Jurisprudence of Culture & communication Imam Sadiq University  
Farshad SHariat ..... Professor of Political Science Imam Sadiq University  
SHamsollah Mariji..... Professor of Muslim Social Science at Baqer al-Uloom University  
Mousa Najafi..... Professor of Civilization Studies, Institute of Humanities and Cultural Studies  
Naser Bahonar.....Associate Professor of Culture & Communication Imam Sadiq University  
Abdolhossin Kalantari ..... Associate Professor of Communication policymaking Tehran University  
Vahid Khashei ..... Associate Professor of Media management Allameh Tabatabaei University

The Articles in this Publication do not Necessarily the Views of the  
Imam Sadiq(a.s) University. The Quotes Are Only Full References

140 Pages/ 500.000 RIS

Printing: Imam Sadiq(a.s) University Press

Address: Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran  
P.O. Box: 14655-159

Management of Technical and Printing: Deputy of Research and Technology,  
Telfax:+9821-88094915

Management of Scientific & Editorial Affairs: Islamic Studies & Culture &  
Communication Faculty  
Telfax: +9821-88094913

<http://www.lcc.Journals.isu.ac.ir/>  
Email: lcc@isu.ac.ir